نشریه مجاهدین خلق ایران
مجاهد
شمارهٔ ۸۷۵
Mojahed 875
دوشنبه ۲۳ مهر ۱۳۸۶
۳ شوال ۱۴۲۸
Octobr 15 2007
2US$ 1.5Pounds 3SFR 3C$ 2€

هانری لوکلرک، وکیل رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت و ۹وکیل برجسته فرانسوی لایحه خاتمه‌دادن به پرونده ۱۷ژوئن را در دادگستری فرانسه به‌ثبت رساندند

خبرگزاری فرانسه: وکلای پرونده ۱۷ژوئن می‌گویند خاتمه‌دادن به این پرونده امری است که به‌نظر آنان به «شرافت دادگستری فرانسه» بستگی دارد. وکلا اعلام کردند انگیزه این تحقیقات که توسط بازپرس ضدتروریستی از سال ۲۰۰۱ دنبال می‌شود، «منافع دیپلوماتیک و اقتصادی» بوده است

ـ ۱۰وکیل برجسته فرانسوی در لایحه خاتمه یافتن پرونده ۱۷ژوئن تأکید کرده‌اند، تکرار بی‌وقفه نامگذاری مجاهدین در لیست سازمانهای تروریستی اتحادیه اروپا که اساس این اتهامات است، دیگر دلیل وجودی خود را از دست داده است، چرا که دادگاه جوامع اروپایی در ۱۲دسامبر گذشته به‌صورت صریح و آشکار تصمیم شورای وزیران اتحادیه اروپا برای این نامگذاری را لغو کرده است

در صفحه۳

«ایران آخونـدها: سرزمین وحشت»
کنفرانس مطبوعاتی کمیته پارلمانی بریتانیایی ایران آزاد

ـ بیش از ۱۵۰نماینده از هر دو مجلس عوام و اعیان انگلستان در بیانیه‌یی از فراخوان خانم مریم رجوی رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت ایران برای توقف موج اعدامها در ایران حمایت کردند

ـ این بیانیه در یک کنفرانس مطبوعاتی به‌مناسبت «روز جهانی علیه اعدام» که از سوی کمیته پارلمانی بریتانیایی برای آزادی ایران در یکی از سالنهای رسمی پارلمان انگلستان برگزار شد، اعلام گردید

ـ آندرو مکینلی عضو ارشد کمیسیون خارجی مجلس عوام انگلستان: ما با امضای این بیانیه، از بریتانیا و نمایندگانش در سازمان ملل در نیویورک می‌خواهیم اقدامات قاطع را علیه رژیم ایران، اتخاذ کنند.

ـ برایان بینلی، عضو مجلس عوام: از دولت انگلستان می‌خواهم که در فرستادن یک پیام قوی به رژیم ایران پیشقدم شود و نام مجاهدین را از لیست سازمانهای تروریستی حذف کند

ـ لرد وادینگتون: ایرانیان و به‌خصوص زنان ایران از این‌که قهرمانی مانند خانم رجوی دارند احساس سربلندی می‌کنند. او قهرمان آزادی مردم ایران است و ما باید هر چه در توان داریم در حمایت از ایشان انجام دهیم.

در صفحه۵

دانشجویان دانشگاه تهران باشعار «مرگ بر دیکتاتور» از پاسدار احمدی‌نـژاد استقبال کردند!

مریم رجوی: دانشجویان دانشگاه تهران با تظاهرات خود نقشه رژیم آخوندی را برای جبران افتضاح سفر رئیس‌جمهورش به آمریکا به شکست کشاندند. لغو جلسه برنامه‌ریزی شده در نهم مهر، وسپس تمهیدات امنیتی و سرکوبگرانه یک هفته‌یی برای برگزاری آرام جلسه احمدی‌نژاد، نتوانست مانع اعتراض شجاعانه آنها شود

ـ تلویزیون الجزیره: رژیم ایران همواره اپوزیسیون ایران را متهم می‌کند که دانشجویان را علیه ارگانهای دولتی و رژیم ایران تحریک می‌کند و به این ترتیب مسائل دانشجویی به موضوع سیاسی تبدیل می‌شود. این اتهام هم‌چنین شامل ایجاد فتنه و بزرگ کردن حوادث به نفع اپوزیسیون می‌باشد.

ـ تلویزیون سی.ان.ان: اکنون علائم قابل روئیتی از مخالفت در داخل کشور دیده می شود. تظاهراتی که برگزار شد بی‌سابقه بود... وقتی رئیس یک دانشگاه اصلی آمریکا احمدی‌نژاد را مورد حمله قرار می‌دهد یک چیز است، اما وقتی دانشجویان ایرانی این رئیس‌جمهور را در داخل کشور به مبارزه می‌طلبند یک خطر واقعی دربر دارد.

ـ تایمز لندن: تمام ورودیهای محوطه وسیع دانشگاه تهران درقلب پایتخت، توسط پلیس و مأموران مخفی امنیتی که تظاهرکنندگان را دور نگه می‌داشتند، حفاظت می‌شد. تظاهرکنندگان در بیرون تجمع کرده و فریاد می‌زدند: احمدی‌نژاد پینوشه، ایران شیلی نمیشه، شمار دیگری از دانشجویان فریاد می زدند: محمود احمدی‌نژاد حامی تبعیض و فساد.

ـ آسوشیتدپرس: با توجه به تجربه سال قبل و برای جلوگیری از تکرار آن‌چه که دانشجویان در دانشگاه فنی پلی‌تکنیک احمدی‌نژاد را دیکتاتور خواندند و تصویر او را به آتش کشیدند، سازماندهندگان جلسه روز دوشنبه، تدابیر امنیتی ویژه‌یی را اعمال کرده بودند.

در صفحه۲

سارکوزی: هیچ‌کس نباید جدیت فرانسه را بر سر تحریم رژیم ایران زیر سؤال ببرد

ـ رئیس‌جمهور فرانسه در مصاحبه با روسیسکایا گازتا ـ روزنامه رسمی روسیه، گفت: «میان تسلیم و جنگ ـ دو کلمه‌یی که متعلق به لغتنامه من نیست ـ یک رفتار مسئولانه وجود دارد و آن افزایش تحریمها، برای آوردن رژیم ایران سرعقل می‌باشد...هیچ‌کس نباید جدیت و قاطعیت فرانسه را بر سر این مسأله زیر سؤال ببرد.»

وزیر خارجه فرانسه: ما می‌خواهیم مراکز کلیدی اقتصادی و مالی رژیم را هدف قرار بدهیم

برنارد کوشنر وزیر امور خارجه فرانسه با تأکید بر این که «تاکنون سه قطعنامه شورای امنیت» علیه رژیم ایران، «به هیچ جایی راه نبرده‌اند»، خواهان اتخاذ اقدامات سخت‌تری علیه این رژیم شد، و گفت: «ما می‌خواهیم مراکز کلیدی اقتصادی و مالی رژیم را هدف قرار بدهیم، نه مردم ایران را».

آسوشیتدپرس: نیکولا سارکوزی گفت بر اختلافات با پوتین بر سر چگونگی پاسخ به فعالیتهای هسته‌یی رژیم ایران فائق آمده است

خبرگزاری آسوشیتدپرس: «نیکولا سارکوزی رئیس‌جمهور فرانسه که در پی افزایش فشار بر روی رژیم ایران است گفت که بر اختلافات با ولادیمیر پوتین بر سر چگونگی پاسخ به فعالیتهای هسته‌یی رژیم تهران فائق آمده است».

در صفحه۵

جرج بوش: ما به اعمال تحریمها ادامه خواهیم داد

جرج بوش، رئیس‌جمهور آمریکا: یکی از بزرگترین تهدیدها برای صلح در جهان، این است که رژیم ایران به سلاح هسته ای مجهز شود، و با دستیابی به سلاح اتمی فرصت و امکان باج‌خواهی و تهدید بیابد. ما به اعمال تحریمها و سخت‌تر کردن وضعیت برای رژیم ایران تا زمانی که رفتارش را تغییر دهد، ادامه خواهیم داد.

در صفحه۵

کاندولیزا رایس: اگر رژیم ایران به خواسته جامعه بین‌المللی تن ندهد، قطعنامه سوم تحریمها را به رأی می گذاریم

وزیر امور خارجه آمریکا: اکنون ایالات متحده در عراق بسیار فعالانه در پی مأموران ایرانی است که در فعالیتهای خطرآفرین برای نیروهای ما و نیز عراقیهای بیگناه دخالت دارند. در حالی که ما درپی ایجاد ثبات در خاورمیانه هستیم، رژیم ایران عامل بی‌ثباتی است.

رایس ضمن تأکید بر ضرورت مقابله با تهدیدهای هسته‌یی و موشکی رژیم ایران گفت اگر رژیم ایران به خواسته جامعه بین‌المللی تن ندهد، قطعنامه سوم تحریمها را به رأی می‌گذاریم.

در صفحه۶

ترور جنایتکارانه شیخ کامل عمران عطیه الجبوری به‌دست مزدوران رژیم آخوندی

در صفحه۴

مزدوران رژیم آخوندی دریک اقدام جنایتکارانه شیخ کامل عمران عطیه الجبوری، رئیس انجمن دوستی مردم عراق با مردم ایران را که ازسرسخت‌ترین مخالفان دخالتهای رژیم آخوندی درعراق بود در منطقه منصوریه دیالی به‌شهادت رساندند.

رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت ایران، خانم مریم رجوی، شهادت شیخ کامل عمران عطیه الجبوری به‌دست فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران را به مردم عراق و به‌ویژه اهالی دیالی و به خانواده آن شیخ مجاهد و به مجاهدان آزادی در شهر اشرف که یار صدیق دیگری را از دست دادند، تسلیت گفت.

اعتـراف خامنه‌ای به ضدیت تمام عیـار دانشجویان با دیکتاتوری ولایت‌فقیه

خامنه‌ای: بسیاری از مسائل هست که گفتن آن بر مسئولان کشور حرام است؛ نباید بگویند

یک روز پس از ابراز خشم و انزجار دانشجویان در دانشگاه تهران با شعارهای «مرگ بر دیکتاتور»، ولی‌فقیه ارتجاع در دیدار با جمعی از مزدوران رژیم در دانشگاهها، اعتراف کرد که مضمون حرکتها و اعتراضهای دانشجویان دشمنی و ضدیت تمام‌عیار با دیکتاتوری ولایت‌فقیه است. خامنه‌ای گفت: «یک نکته دیگری که در دنباله آن مسأله مطالبه دانشجویی عرض می‌کنم این است که مطالبه‌کردن با دشمنی‌کردن فرق دارد. اینی که ما گفتیم گاهی اوقات معارضه با مسئولین کشور نشود که الان هم همین را تأکید می‌کنیم معارضه نباید بشود... در مورد رهبری هم همین جوره. ضدیت یعنی پنجه درافکندن، دشمنی‌کردن نه معتقد نبودن... دشمنی نباید کرد».

خامنه ای دراعترافی صریح به ساسور حکومتی و ترس خامنه‌ای از برملاشدن حقایق خطاب به دانشجویان گفت: «بسیاری از مسائل هست که گفتن آن بر مسئولان کشور حرام است؛ نباید بگویند. ما اگر همه آن چیزهایی را که می‌دانیم، بگوییم، فقط شما که نمی‌شنوید، آنهایی که دشمن شما هستند، آنها هم می‌شنوند».

در صفحه۲

در صفحات دیگر

یـادداشت

«برهان قاطع» آخوندها
منوچهر هزارخانی
در صفحه ۱۰

آخوند حسن روحانی، دبیر سابق شورای عالی امنیت با حمله به احمدی‌نژاد بحران درونی رژیم را به نمایش گذاشت و با اعتراف به ازوای بین‌المللی رژیم گفت شرایط ما هرروز سخت‌تر می‌شود
آخوند حسن روحانی: تنگ‌نظریها، خودخواهیها، عدم اعتنا به نظرات دیگران، از عوامل اصلی تفرقه است. متأسفانه در جامعه ما، آستانه تحمل برخی مسئولین بسیار پایین است...
سازمان ملل شورای امنیت را پناهگاهی برای خود قرار داده تا از آن طریق فشار را بر ما افزایش دهد. آثار این فشارها در روابط اقتصادی و سیاسی مشاهده می‌شود. شرایط ما هر روز سخت‌تر می‌شود.
در صفحه۳

فرافکنی و وقاحت ضدمردمی خامنه‌ای:
ـ ما مردم مسرفی هستیم؛ ما اسراف می‌کنیم؛ اسراف در آب، اسراف در نان، اسراف در وسائل گوناگون و تنقلات، اسراف در بنزین. کشوری که تولید کننده نفت است، وارد کننده فرآورده نفت ـ بنزین ـ است! این تعجب‌آور نیست؟!
در صفحه ۱۰

رژیم آخوندی در یک وقاحت مافوق تصور مدعی شد سلاحهای ایرانی کشف‌شده در عراق متعلق به مجاهدین است
رژیم آخوندی با بلاهتی مافوق تصور ادعا کرد، سلاحهای ایرانی که ژنرال پتریوس می‌گوید توسط این رژیم به عراق آورده شده، از سوی مجاهدین خلق وارد و سپس در اختیار نیروهای آمریکایی قرار گرفته است.
در صفحه۷

به‌مناسبت ۱۰اکتبر روز جهانی لغو حکم اعدام سلسله تظاهرات اعتراضی هموطنان در شهرهای مختلف اروپا، کانادا، آمریکا و استرالیا
ایرانیان آزاده در روزهای ۱۴ تا ۱۸ مهرماه۸۶ و به‌مناسبت روز جهانی لغو حکم اعدام در شهرهای استکهلم، بروس (سوئد)، کپنهاگ و آرهوس (دانمارک)، لاهه (هلند)، کلسل (آلمان)، بیرمنگهام (انگلستان)، سیدنی (استرالیا)، ونکوور(کانادا) و لس‌آنجلس (آمریکا) علیه اعدامهای بی‌وقفه در ایران تجمعات اعتراضی برگزار کردند و جنایات وحشیانه در ایران را محکوم کردند.
در صفحه۶

دیک آرمی گنجاندن نام مجاهدین در لیست تروریستی را «دیوانگی» نامید
دیک آرمی رهبر سابق اکثریت کنگره آمریکا در مصاحبه‌یی با تلویزیون سی.ان.ان، گنجاندن نام مجاهدین در لیست تروریستی را «دیوانگی» نامید و خواستار پایان‌دادن به این نامگذاری شد.
وی گفت: مجاهدین بهترین کسانی هستند که می‌توانند مردم ایران را از فرصتهای دستیابی به آزادی برخوردار کنند. اما ما یک چنین نیرویی را محدود ساخته‌ایم.
در صفحه۵

اخباری از سرکوب مردم توسط مزدوران رژیم
ـ به گزارش روزنامه حکومتی خراسان ۱۷مهر۸۶ رژیم آخوندی روز دوشنبه ۳نفر را در زندان تابیاد به دار آویخت.
ـ یک زندانی نیز در زندان اوین به‌دار آویخته شد.
ـ علی آهنی سفیر آخوندها در فرانسه از اعدامهای جمعی و کشتار در ملأعام حمایت کرد و گفت: شاید روشهای دیگری مثل اعدام غیرگروهی و فرد به فرد عملی باشد ولی این چیزی را عوض نمی‌کند و مرتکبین را باید مجازات نمود.
ـ در حمله نیروهای سرکوبگر به یک مراسم مذهبی اهل سنت در سقز ۳۰۰نفر دستگیر شدند. در صفحات ۳ و ۱۱

وضعیت تولید، واردات، صادرات و مصرف داخلی گاز ایران؟
یزدان حاج‌حمزه
نقطه عزیمت تصمیم‌گیری دولت پاسداران، در عقد قراردادهای تولید و صادرات گاز با خارجیها، کشایش تنگنای سیاسی است که خود به‌وجود آورده است. این دولت اجرا و تحقق قراردادهای نفت و گاز را فرع بر این هدف تلقی می‌کند و برآنست که، به‌لحاظ سیاسی، همین که قراردادهای طولانی‌مدت گاز و نفت با شرکتهای خارجی به‌امضا برسد، دست دولتهای متبوع شرکتهای طرف قرارداد، به‌لحاظ سیاسی در حنا گذاشته می‌شود و این دولتها در عمل مجبور می‌شوند با به آنها فشار سیاسی وارد نیاورند و یا تحریم و فشار سیاسی خود را محدود کنند.
در صفحه۸

سازمان بین‌المللی معروف به «گروه عملیاتی اقدام مالی» که مرکز آن در پاریس است، نسبت به پولشویی و تأمین مالی تروریسم توسط رژیم ایران ابراز نگرانی کرد در صفحه۵

مقالات:
گوشه‌هایی از جنایتهای بی‌شمار گماشته ولی‌فقیه جلاد، پاسدار احمدی‌نژاد در زندانهای رژیم
صفحه۹
ـ «پرواز دل به‌سوی خدا می‌برد مرا»
ناهید همت‌آبادی
ـ تقویم سالهای سخت (شعر)
رحمان کریمی
ـ به‌یاد یکی از سرداران آزادی میهن، کلنل پسیان
صفحه۱۰
ـ آستان قدس، تیول دزدی جنایتکار
علی خلخال
ـ از کفر تا ایمان...
یدالله یزدی
صفحه۱۱

سرمقاله

ترس و ضعف خامنـه‌ای

خامنه‌ای و حلقه نزدیکانش بعد از فضیحت احمدی‌نژاد در دانشگاه کلمبیا و روبه‌رو شدن وی با فریادهای «مرگ بردیکتاتور» در دانشگاه تهران، بعد از استقبال شورای اروپا از مریم رجوی و لغو سفر و سخنرانی حداد عادل به استراسبورگ، و در اثر تأکیدات بین‌المللی بر تشدید تحریمها و ازنوای رژیم، به‌شدت ترسیده‌اند و ضعفشان بارزشده است. خامنه‌ای در دیدار با دانشجویان بسیجی یا بسیجیان دانشجویی،که روز ۱۷مهر در بیت‌العمکبوت جمع شده بودند، از موضعی ضعیف و مصلحتی، قدری از احمدی‌نژاد و فضیحت او، فاصله گرفت و گفت:«دولت کنونی، انصافاً خدمتگزار، پرکار، با ارزش و صددرصد مورد اعتماد است اما این مسائل به معنای اطلاع رهبری از جزئیات همه فعالیتهای دولت و تأیید آنها نمی‌باشد و حمایت از دولت به معنای مخالفت با انتقاد از آن نیست.» این گونه علائم ضعف و اضمحلال درسایر حرفهای خامنه‌ای و نزدیکانش زیاد است. عسکراولادی سرکرده مؤتلفه، باشاره به شعارهای ضدحکومتی در مراسم دانشگاه تهران می‌گوید:«دشمن تلاش می‌کند ما را از رمق بیندازد. برخی از معترضان خواسته یا ناخواسته در این مراسم همان شعارهای منافقان و صهیونیستها در دانشگاه کلمبیا را مطرح می‌کردند». ولایتی مشاور خامنه‌ای با اشاره به:«پروژه هسته‌یی» و«اهانتهای دانشگاه کلمبیا» می‌گوید:«این حادثه سختی بود. نظر اجمالی به جهان اسلام و خاورمیانه به ما می‌گوید که آینده‌یی پر از ماجرا را در پیش‌رو داریم» (ایسنا ۲۱مهر).

حرفها کاملاً واضح است. ولی‌فقیه و نزدیکانش حس می‌کنند که از نیویورک و دانشگاه کلمبیا تا تهران و تظاهرات دانشگاه، در بحرانهای داخلی و بین‌المللی، به قول ولایتی «آینده‌یی پرماجرا» در پیش رو دارند و «شعارهای منافقان» است که درحال پیشروی است. آنها مثل وحوشی که امواج زمین لرزه را قبل از وقوع می‌گیرند، سراسیمه شده‌اند یا مثل گرگهای محتضر و گرفتار سرمای مرگ‌آور به هم چنگ و دندان نشان می‌دهند و از همین حالا برسر نمایش انتخابات مجلس فرمایشی به جان یکدیگر افتاده‌اند. رفسنجانی مدعی است که «در انتخابات آتی کشور نباید امکانات حکومتی و دولتی به‌نفع جریان خاصی به‌کار گرفته شود» (جمهوری۱۸مهر) و خامنه‌ای همه را از خطر«سقوط» می‌ترساند که «همین انتخابات هم، اگربد عمل بکنیم ما، به هم بد بگیم، با هم کینه‌ورزی کنیم، می‌تواند وسیله سقوط و ضعف و انحطاط باشد.» این نشئت درونی و فاصله‌گرفتن خامنه‌ای از فضیحت گماشته‌اش، قبل از هر چیز، علائم بالینی مرحله انحلال و سرنگونی است. زیرا هرچه زمان می‌گذرد، بیشتر روشن می‌شود که رژیم ولایت فقیه نه ثبات و آینده و نه ظرفیت مانور و عقب‌نشینی ندارد«البته ما هیچ مخالفتی نداریم که رژیم عقب بنشیند. در این‌صورت،جام زهرهای زنجیره‌یی و برباد رفتن تمام موجودیت و هستی، پیش‌روی رژیم است، با حلقات پیچ‌درپیچ خطر که امنیت و سرایای رژیم را در بر گرفته است. این‌جا جایی است که به گفته علی «لا لاوردَ وَلا صَدَر» یعنی استبداد وحشی و لجام‌گسیخته آخوندی نه راه پیش دارد، نه راه پس...»(مسعودرجوی۳آذی۸۵).

زنده باد ارتش آزادیبخش ملی بازوی استوار و پراقتدار خلق قهرمان ایران

دانشجویان دانشگاه تهران با شعار مرگ بر دیکتاتور از احمدی‌نژاد استقبال کردند

دانشجویان شعار می‌دادند: «رئیس‌جمهور فاشیست، دانشگاه جای تو نیست»، «احمدی‌نژاد پینوشه، ایران شیلی نمی‌شه»، «حکومت فاشیستی نمی‌خواهیم،نمی‌خواهیم»، «محمود احمدی‌نژاد، عامل تبعیض و فساد»، «دانشجو می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد»، «شکنجه دانشجو محکوم است، محکوم است»

احمدی‌نژاد در زیر سرنیزه وارد دانشگاه شد و با شعار «مرگ بر دیکتاتور» روبه‌رو گردید

روز ۱۶مهر همزمان با حضور پاسدار احمدی‌نژاد در دانشگاه تهران، دانشجویان دلیر به‌رغم تدابیر شدید امنیتی و انتظامی با شعار «مرگ بر دیکتاتور»، «احمدی‌نژاد پینوشه، ایران شیلی نمی‌شه»، «رئیس‌جمهور فاشیست، دانشگاه جای تو نیست و حکومت فاشیستی نمی‌خواهیم نمی‌خواهیم»، از گماشته ولی‌فقیه ارتجاع استقبال کردند!

دانشجویان که از دانشگاه ادیبات به‌سمت کتابخانه مرکزی محل سخنرانی پاسدار احمدی‌نژاد تظاهرات کردند در مسیر راهپیمایی خود به سمت کتابخانه مرکزی در حالی که سرود یاد دبستانی را می‌خواندند، با مأموران امنیتی و اوباش بسیجی که قصد سدکردن راه آنان را داشتند، به درگیری پرداختند. دانشجویان به‌سمت مأموران سرکوبگر سنگ پرتاب کرده و ازنجار خود را نسبت به‌آنان ابراز می‌کردند. به‌دنبال هجوم دانشجویان به داخل دانشگاه و تخریب درب ۱۶ آذر دانشگاه تهران و در خیابان انقلاب، مزدوران گارد ضدشورش، برای متفرق‌ساختن دانشجویان و دور کردن آنها از درهای خروجی دانشگاه اقدام به پرتاب گاز اشک‌آور به داخل دانشگاه تهران کنند. براثر حمله مأموران امنیتی و مزدوران بسیجی به‌دانشجویان معترض شماری از دانشجویان مجروح شدند. دستگاه سرکوب رژیم برای مقابله با دانشجویان، دهها نفر از مأموران حراست دانشگاههای پلی‌تکنیک و علامه را به‌دانشگاه تهران منتقل کردند.

در مقابل اعتراض دانشجویان به حضور پاسدار احمدی‌نژاد در دانشگاه تهران، گروهی از مزدوران بسیجی پلاکاردهایی در دست داشتند که بر روی آنها نوشته شده بود: «منافق حیا کن دانشگاه را رها کن». دانشجویان خشمگین که با مأموران امنیتی و مزدوران بسیجی درگیر شده بودند، به خودروهایی که قرار بود وزاری کابینه پاسدار احمدی‌نژاد را از صحنه خارج کنند تهاجم کرده و شعارهایی علیه آنان سر دادند. پاسدار احمدی‌نژاد به همراه دو تن از وزارای کابینه‌اش با تدابیر شدید امنیتی و دخالت نیروهای انتظامی، دانشگاه را با هراس ترک کردند. یک فعال دانشجویی درباره تدابیر امنیتی و ترس حکومت آخوندی در جریان برگزاری سخنرانی مفتضح شده احمدی‌نژاد در دانشگاه تهران، گفت کوچکترین سالن دانشگاه تهران برای این برنامه انتخاب شده بود و جمعیت بسیار محدودی از دانشجویان بسیجی و معدودی استاد و مربی سرسپرده که با کارت دعوت به‌جلسه آمده بودند، انتخاب شده بودند. وی افزود احمدی‌نژاد در زیر سرنیزه وارد دانشگاه شد و با شعار «مرگ بر دیکتاتور» روبه‌رو گردید.

پاسدار احمدی‌نژاد در سخنرانی خود در تالار علامه امینی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، بار دیگر به مفتضح‌شدن خود در دانشگاه کلمبیای آمریکا اذعان کرد و گفت: «اتفاقات دانشگاه کلمبیا کاملا برنامه‌ریزی شده بود و طراحی کرده بودند تا اتفاقاتی در آن‌جا بیفتد... جو روانی به‌حدی بود که بسیاری از دوستان می‌گفتند اگر در این دانشگاه حاضر شویم درگیری به‌وجود می‌آید...»

پاسدار احمدی‌نژاد هم‌چنین با اشاره به این که درخواست وی برای بازدید از برجهای دوقلو در نیویورک با مخالفت مقامات آمریکایی مواجه شد گفت: «ما قصد داشتیم در آمریکا در کنار برج دوقلو نیز حضور پیدا کنیم اما به ما اعلام کردند که نمی‌توانند امنیت برقرار کنند سؤال ما این است که شما وقتی در شهر خود نمی‌توانید امنیت برقرار کنید چگونه می‌توانید در عراق و جاهای دیگر امنیت برقرار کنید»(خبرگزاری رژیم ـ فارس ۱۶مهر۸۶).

اعتراف رسانه‌های رژیم به تظاهرات و شعارهای دانشجویان علیه احمدی‌نژاد

تلویزیون آخوندها در روز ۱۶مهر۸۶ ناگزیر گوشه‌یی از خشم و انزجار دانشجویان از پاسدار احمدی‌نژاد را به نمایش گذاشت و گفت: «امروز وقتی رئیس‌جمهور به دانشگاه آمد عده‌یی روز پرکاری داشتند، شعار می‌دادند و روی پلاکارد نوشتند که احمدی‌نژاد مدافع و بانی فساد و تبعیض است، جالب ادب را هم رعایت نکردند. آن عده عصبانی تا دم در دانشگاه هم رفتند».

رادیو رژیم نیزدر روز ۱۶مهر به گوشه‌یی از خشم و اعتراض دانشجویان دانشگاه تهران علیه حضور پاسدار احمدی‌نژاد اعتراف کرد و گفت: تجمع‌کننده‌گان به سوی پلیس سنگ پرتاب کردند. خبرگزاری حکومتی مهر در روز ۱۶مهر اعتراف کرد: جمعی از دانشجویان دانشگاه تهران در نزدیکی تالار محل سخنرانی رئیس‌جمهور تجمع کردند... اکنون کلیه درهای دانشگاه تهران بسته است و صرفاً اجازه خروج از دانشگاه داده می‌شود. نیروی انتظامی نیز در محل حضور دارد. این خبرگزاری با اشاره به تجمع دانشجویان و تریبون آزاد آنها در نزدیکی محل سخنرانی پاسدار احمدی‌نژاد، افزود: «این دانشجویان به بیان نظرات و انتقادات خود نسبت به فضای دانشگاهها و برخی سیاستهای دولت نهم می‌پردازند».

بقیه در صفحه بعد

ولی‌فقیه ارتجاع به‌دشمنی و ضدیت تمام‌عیار دانشجویان با دیکتاتوری ولایت‌فقیه اعتراف کرد

ولی‌فقیه ارتجاع در دیدار با جمعی از مزدوران رژیم در دانشگاهها، به‌روشنی اعتراف کرد که مضمون حرکتها و اعتراضهای دانشجویان دشمنی و ضدیت تمام‌عیار با دیکتاتوری ولایت‌فقیه است. خامنه‌ای گفت: «یک نکته دیگری که در دنباله آن مسأله مطالبه دانشجویی عرض می‌کنم این است که مطالبه‌کردن یا دشمنی‌کردن فرق دارد. اینی که ما گفتیم گاهی اوقات معارضه با مسئولین است، جانب ادب را هم رعایت نکردند. آن عده عصبانی تا دم در دانشگاه هم رفتند».

ولی‌فقیه ترسان درتلاش مذبوحانه برای به‌دربردن خودش از امواج خروشان خشم و اعتراض مردم و دانشجویان برای اولین‌بار مجبور به‌خدشه‌دارکردن حمایت تمام‌عیار خود از گماشته‌اش شد و چنین گفت: «بنده هم از دولتها حمایت کردم از این دولت هم حمایت می‌کنم این هم به معنای این نیستش که همه جزئیات کارهایی که انجام می‌گیرد مورد تأیید من است یا حتی از آنها من از همه‌اش اطلاع دارم به... این که حالا از همه چیزهایی که اتفاق می‌افتد در محیط دولت و محیط کار وزارتخانه‌ها باید حتما رهبری مطلع باشه نه، نه لازمه نه ممکن است».

خامنه‌ای هم‌چنین به ابعاد فروپاشی و ریزش درونی رژیم آخوندی اعتراف کرد و گفت: «آن‌چه را که بر طبق مصلحت کشور، مصلحت نظام نباید گفت آن را نمی‌گیم نه این که خلاف آن را بگیم بعد بخواهیم بک چایی مثلاً فرض کنید که آن خلاف گفته را در یک جلسه خصوصی تصحیح کنیم نخیر این‌جور نیست. بله، بسیاری از مسائل هست که گفتن آن بر مسئولان کشور حرام است نباید بگن، ما اگر همه آن چیزهایی را که می‌دونیم بگیم خب فقط شما که نمی‌شنوید آنهایی که دشمن شما هستند آنها هم می‌شنوند (تلویزیون رژیم ۱۷مهر۸۶).

پیام رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت به‌دانشجویان دلیر دانشگاه تهران

خانم مریم رجوی، رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت ایران، به دانشجویان دلیری که برای ابراز تنفر از حضور پاسدار احمدی‌نژاد در دانشگاه تهران در صحن این دانشگاه تظاهرات کردند، درود فرستاد و شعارهای خشمگینانه آنان را بیان خواسته میرم مردم ایران برای سرنگونی رژیم آخوندی دانست.

دانشجویان در تظاهرات صبح امروز خود در حوالی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران این شعارها را تکرار می‌کردند که: توپ تانک بسیجی دیگر اثر ندارد ـ محمود احمدی‌نژاد، عامل تبعیض و فساد ـ حکومت زور نمی‌خوایم، پلیس مزدور نمی‌خوایم.

خانم رجوی در پیام خود با اشاره به رسوایی عالمگیر احمدی‌نژاد در دانشگاه کلمبیا درنیویورک، افزود: دانشجویان دانشگاه تهران با تظاهرات امروز خود نقشه رژیم آخوندی را برای جبران افتضاح سفر رئیس‌جمهورش به آمریکا به شکست کشاندند. لغو جلسه برنامه‌ریزی شده در نهم مهر، و سپس تمهیدات امنیتی و سرکوبگرانه یک هفته‌یی برای برگزاری آرام جلسه احمدی‌نژاد، نتوانست مانع اعتراض شجاعانه آنها شود. حضور شمار زیادی از پاسداران، بسیجیها و مأموران لباس‌شخصی در محوطه دانشگاه و تشکیل یک خط دفاعی از مأموران انتظامی در برابر درهای ورودی دانشگاه تهران، فقط وحشتزدگی یک رژیم در حال اضمحلال را منعکس می‌کند.

رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت با تجلیل از دانشجویان شجاع که مستقیماً اساس حاکمیت ولایت‌فقیه و سرکوب و چپاول و صدور ارتجاع آن را هدف قرار دادهاند، از جوانان و زنان و عموم هم‌میهنان مشتاق آزادی خواست اعتراضهای خود علیه رژیم به بزیست رسیده آخوندی را گسترش دهند و به حمایت از دانشجویان به‌پاخاسته برخیزند.

اطلاعیه دبیرخانه شورای ملی مقاومت

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران طی اطلاعیه‌یی که در روز ۱۶مهر با عنوان «دانشجویان مبارز با شعار مرگ بر دیکتاتور از پاسدار احمدی‌نژاد استقبال کردند»، گزارش داد: صبح دوشنبه همزمان دانشجویان آزاده و مبارز دانشگاه تهران در اعتراض به‌سخنرانی پاسدار احمدی‌نژاد درحالی‌که شعار مرگ بر دیکتاتور سر داده بودند از نقاط مختلف دانشگاه به‌سمت محل سخنرانی وی روانه شدند.

دانشجویان که هر لحظه بر جمعیتشان افزوده می‌شد فریاد می‌زدند: «محمود احمدی‌نژاد، عامل تبعیض و فساد»، «احمدی‌نژاد پینوشه ایران شیلی نمی‌شه»، «توپ تانک بسیجی، دیگر اثر نداره»، «حکومت جیا کن دانشگاه رو رها کن»، «دانشجوی زندانی آزاد باید گردد»، «شکنجه دانشجو، محکوم است محکوم است»، «حکومت زور نمی‌خوایم، پلیس مزدور نمی‌خوایم» و «دانشجو می‌میرد ذلت نمی‌پذیرد».

این تظاهرات درحالی صورت گرفت که از شب قبل تدابیر امنیتی شدید است.

گزارشگر الجزیره افزود: رژیم ایران همواره اپوزیسیون ایران را متهم می‌کند که دانشجویان را علیه ارگانهای دولتی و رژیم ایران تحریک می‌کند و به این ترتیب مسائل دانشجویی به موضوع سیاسی تبدیل می‌شود. این اتهام هم‌چنین شامل ایجاد فتنه و بزرگ‌کردن حوادث به نفع اپوزیسیون می‌باشد.

تلویزیون سی.ان.ان در روز ۱۷مهر۸۶ گزارش داد: دانشجویان هنگام سخنرانی احمدی‌نژاد، تظاهرات علنی که سابقه‌یی را برگزار کرده و فریاد می‌زدند «مرگ بر دیکتاتور». حضور گارد ضدشورش هم نتوانست آنها را متوقف کند.

گزارشگر سی.ان.ان گفت: احمدی‌نژاد از نظر آمریکا یک تهدید اصلی بین‌المللی محسوب می‌شود، اکنون علائم قابل رؤیتی از مخالفت در داخل کشور دیده می‌شود. تظاهراتی که امروز برگزار شد بی‌سابقه بود.

تلویزیون سی.ان.ان برای چندمین بار اظهارات رئیس دانشگاه کلمبیا را خطاب به احمدی‌نژاد پخش کرد که گفت شما تمام علائم یک دیکتاتور بی‌رحم را نمایندگی می‌کنید. مجری سی.ان.ان افزود: وقتی رئیس یک دانشگاه اصلی آمریکا احمدی‌نژاد را مورد حمله قرار می‌دهد یک چیز است، اما وقتی دانشجویان ایرانی این رئیس‌جمهور را در داخل کشور به‌مبارزه می‌طلبند یک چیز دیگر، چون تظاهرات دانشجویان یک خطر واقعی در بر دارد.

دانشجویان فریاد می‌زدند «مرگ بر دیکتاتور». این بازتکراری است از تظاهرات دسامبر سال گذشته، است: در معتبرترین دانشگاه ایران، دانشجویان مخالف کارنامه حقوق‌بشر احمدی‌نژاد، به مقابله با او و هوادارانش برخاستند. این دانشجویان، سرکوب مخالفان توسط دولت را محکوم کرده و احمدی‌نژاد را به فساد و تبعیض متهم می‌کردند و فریاد می‌زدند «مرگ بر دیکتاتور».

لس‌آنجلس تایمز چاپ آمریکا، در شماره ۱۶مهر خود، نوشت: دانشجویان در تهران خشمگینانه به‌احمدی‌نژاد حمله کردند. در ادامه این خبر آمده است: در معتبرترین دانشگاه ایران، دانشجویان مخالف کارنامه حقوق‌بشر احمدی‌نژاد، به مقابله

بازتاب گسترده تظاهرات دانشجویان در رسانه‌های خبری بین‌المللی

ـ خبرگزاری فرانسه: دانشجویان درحالی‌که خواستار آزادی دانشجویان دربند بودند، به‌سمت خیابان اصلی دانشگاه که توسط نیروهای ضدشورش مسدود شده، به‌راه افتادند

ـ الجزیره: رژیم ایران همواره اپوزیسیون ایران را متهم می‌کند که دانشجویان را علیه ارگانهای دولتی و رژیم ایران تحریک می‌کند و به این ترتیب مسائل دانشجویی به موضوع سیاسی تبدیل می‌شود

ـ سی.ان.ان: اکنون علائم قابل رؤیتی از مخالفت در داخل کشور دیده می‌شود. تظاهراتی که امروز برگزار شد بی‌سابقه بود.

ـ تایمز لندن: دانشجویان فریاد می‌زدند احمدی‌نژاد پینوشه، ایران شیلی نمی‌شه

ـ لس‌آنجلس تایمز: دانشجویان فریاد می‌زدند مرگ بر دیکتاتور

ـ اسکای نیوز: این تظاهرات، به‌مثابه علامت دیگری از ابراز نارضایتی علیه کارنامه احمدی‌نژاد در حل مشکلات داخلی ایران، به‌شمار می‌رود

ـ دیلی‌تلگراف: دانشجویان ایران، احمدی‌نژاد را مورد حمله قراردادند و او را فاشیست خواندند

تظاهرات دانشجویان دلیر دانشگاه تهران علیه حضور پاسدار احمدی‌نژاد با شعار «مرگ بر دیکتاتور» و «احمدی‌نژاد پینوشه، ایران شیلی نمی‌شه»، به‌طور گسترده‌یی مورد توجه رسانه‌های بین‌المللی قرار گرفت:

خبرگزاری فرانسه روز ۱۶مهر از تهران گزارش داد: دانشجویان معترض امروز همزمان با حضور احمدی‌نژاد در دانشگاه تهران به تظاهرات پرداختند و ازجمله شعار می‌دادند احمدی‌نژاد پینوشه، ایران شیلی نمی‌شه. دانشجویان درحالی‌که خواستار آزادی دانشجویان دربند بودند، به‌سمت خیابان اصلی دانشگاه که توسط نیروهای ضدشورش مسدود شده، به‌راه افتادند. در پائیز گذشته، دانشجویان ایرانی سخنرانی احمدی‌نژاد در دانشگاه پلی‌تکنیک را به‌هم زده، عکس او را به آتش کشیده و فریاد می‌زدند «مرگ بر دیکتاتور»

خبرگزاری رویتر در روز ۱۶مهر، در گزارش خود از دانشگاه تهران، با اشاره به درگیری میان دانشجویان خشمگین با دانشجویان بسیجی از آنان با عنوان طرفداران احمدی‌نژاد یاد شده تأکید کرد: «دانشجویان تجمع‌کننده در دانشگاه تهران فریاد می‌زدند: «دانشجویان زندانی آزاد باید گردند».

تلویزیون الجزیره در روز ۱۶مهر، طی گزارشی از دانشگاه تهران، از درگیری میان دانشجویان معترض و بسیجیان، هنگام سخنرانی پاسدار احمدی‌نژاد، خبر داد و گفت: دانشگاه تهران شاهد درگیریهایی بین مخالفان احمدی‌نژاد و موافقان وی بود. مخالفان شعارهایی علیه احمدی‌نژاد سر دادند. این درگیریها قبل از شروع سخنرانی برنامه‌ریزی‌شده وی در این دانشگاه صورت گرفت. تعدادی از دانشجویان در داخل دانشگاه تهران تجمع کرده و با شدت شعارهایی علیه سیاستهای احمدی‌نژاد ازجمله شعار مرگ بر دیکتاتور سردادند. این چیزی بود که ما شنیدیم. برخی از دانشجویان تلاش می‌کنند که وارد دانشگاه شوند اما مأموران دستگاه امنیتی که در خارج از دانشگاه مستقر هستند مانع ورود آنان به‌داخل دانشگاه می‌شوند.

براساس قانون دانشگاهیای امنیتی نمی‌توانند وارد دانشگاه شوند، اما از حوادث سال۹۹ که نیروهای امنیتی و بسیج به‌دنبال تظاهرات دانشجویان وارد خوابگاه دانشجویان دانشگاه تهران شدند که منجر به کشته و مجروح‌شدن دهها دانشجو شد، دانشگاه تهران در پایان هر سال تحصیلی شاهد تظاهراتی که امروز برگزار شد بی‌سابقه بود.

ـ تایمز لندن: دانشجویان فریاد می‌زدند احمدی‌نژاد پینوشه، ایران شیلی نمی‌شه

ـ لس‌آنجلس تایمز: دانشجویان فریاد می‌زدند مرگ بر دیکتاتور

ـ اسکای نیوز: این تظاهرات، به‌مثابه علامت دیگری از ابراز نارضایتی علیه کارنامه احمدی‌نژاد در حل مشکلات داخلی ایران، به‌شمار می‌رود

ـ دیلی‌تلگراف: دانشجویان ایران، احمدی‌نژاد را مورد حمله قراردادند و او را فاشیست خواندند

آسوشیتدپرس می‌افزاید: «در ماههای اخیر، مخالفان شاهد افزایش سرکوب در ایران بوده‌اند و صدها نفر از آنها به اتهام تهدیدعلیه نظام ایران دستگیر شده‌اند. تعداد بیشماری از روزنامه‌ها بسته شده و آنها که هنوز منتشر می‌شوند نسبت به انتقاد بیمه‌شدن این روزنامه‌ها بسکوت واداشته شده‌اند».

روزنامه نیویورک تایمز در شماره ۱۷مهر خود نوشت: «برای دومین‌بار ظرف کمتر از یکسال، دانشجویان دانشگاه تهران تظاهراتی را علیه سخنرانی محمود احمدی‌نژاد ترتیب دادند. دانشجویان با هواداران احمدی‌نژاد در دانشگاه تهران درگیر شدند. یک فعال دانشجویی گفت: بیش از ۵ماه است که سه دانشجو زندانی شده‌اند و تحت بدترین انواع شکنجه روحی و فیزیکی قرار دارند.

این روزنامه با اشاره به شکست انواع تمهیدات رژیم آخوندی برای جلوگیری از اعتراض دانشجویان علیه پاسدار احمدی‌نژاد نوشت: در جلسه روز دوشنبه دانشگاه تهران، فقط به پرو پاقرص‌ترین دانشگاه تهران شعار داده و رئیس‌جمهور رژیم ایران را «دیکتاتور» می‌نامیدند. این تظاهرات، به‌مثابه علامت دیگری از ابراز نارضایتی علیه کارنامه احمدی‌نژاد در حل مشکلات داخلی ایران، به‌شمار می‌رود. این اعتراض، شخص احمدی‌نژاد را هدف قرار می‌داد. برخی از دانشجویان شعار می‌دادند: «مرگ بر دیکتاتور». گروهی از حامیان احمدی‌نژاد با دانشجویان تظاهرکننده درگیر شدند.

تلویزیون فاکس نیوز آمریکا نیز در روز ۱۷مهر گفت: دانشجویان ایرانی در جریان یک تظاهرات ضددولتی بی‌سابقه، که هنگام سخنرانی احمدی‌نژاد در دانشگاه تهران روی داد، «شعار مرگ بر دیکتاتور» سردادند.

روزنامه واشینگتن‌تایمز ۱۷مهر طی گزارشی از تهران نوشت: دانشجویان ایرانی علیه احمدی‌نژاد دست به اعتراض زدند و او را دیکتاتور نامیدند. این تظاهرات باعث درگیریهایی بین دانشجویان و نیروهای افراطی حامی احمدی‌نژاد شد. احمدی‌نژاد در حالی که شعارهای «مرگ بر دیکتاتور» به گوش می‌رسید درباره خطرات دموکراسی هشدار داد.

روزنامه دیلی‌تلگراف چاپ لندن در شماره ۱۷مهر خود، نوشت: دانشجویان ایران، احمدی‌نژاد را مورد حمله قراردادند و او را فاشیست خواندند. این روزنامه افزود: دانشجویان با شعارهای مرگ بر دیکتاتور اعتراض پرشور خود را علیه احمدی‌نژاد برگزار کردند. این تظاهرات در محوطه دانشگاه تهران، جایی که احمدی‌نژاد می‌خواست به‌مناسبت آغاز سال تحصیلی سخنرانی کند، عمق تنفر از او را به نمایش گذاشت.

دیلی‌تلگراف در ادامه نوشت: «به‌رغم قیمتهای بالای نفت، ایران به‌طور مزمنی از بیکاری و تورم بالا رنج می‌برد و بسیاری بر این باورند که این امر ناشی از سیاستهای احمدی‌نژاد است. صدها هزار دانشجوی فارغ‌التحصیل ایران اکنون بیکار مانده‌اند به‌همین دلیل است که احمدی‌نژاد در بسیاری از محیطهای دانشگاهی به‌طور عمیقی مورد تنفر قرار دارد...

روز دوشنبه قبل از حضور احمدی‌نژاد در محوطه دانشگاه، دانشجویان شعارهای «مرگ بر دیکتاتور، رئیس‌جمهور فاشیست! دانشگاه جای تو نیست!» سرداده بودند. دانشجویان تهران پلاکاردی بلند کرده بودند که روی آن نوشته شده بود «چرا فقط کلمبیا؟ ما هم از تو سؤالهایی داریم». دانشجویان هم‌چنین احمدی‌نژاد را با پینوشه دیکتاتور سابق شیلی مقایسه کرده و فریاد می‌زدند «احمدی‌نژاد پینوشه، ایران شیلی نمی‌شه» در اعتراض سال قبل علیه او بسیاری از دانشجویان دستگیر شدند و برخی از آنها کماکان در بازداشت قراردارند.

رسانه‌های عربی نیز وسیعاً تظاهرات دانشجویان علیه احمدی‌نژاد را منعکس نمودند. ازجمله تلویزیونهای الحره، العربیه و روزنامه القدس‌العربی این موضوع را منعکس نمودند.

۱۰ وکیل برجسته فرانسوی لایحه خاتمه دادن به پرونده ۱۷ ژوئن را به ثبت رساندند

ـ هانری لوکلرک وکیل رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت ایران و ۹تن دیگر از وکلای برجسته فرانسوی که دفاع از اعضای مقاومت ایران در پرونده ۱۷ ژوئن را برعهد دارند، لایحه خاتمه‌دادن به این پرونده را ـ که درمعامله‌یی ننگین با دیکتاتوری آخوندی علیه مقاومت ایران شکل گرفته است در دادگستری فرانسه به ثبت رساندند.

ـ ده وکیل برجسته فرانسوی در ثبت لایحه خاتمه‌یافتن پرونده ۱۷ژوئن تأکید کرده‌اند، تکرار بی‌وقفه نامگذاری مجاهدین در لیست سازمانهای تروریستی اتحادیه اروپا که اساس این اتهامات است، دیگر دلیل وجودی خود را از دست داده است، چرا که دادگاه جوامع اروپایی در ۱۲ دسامبر گذشته به‌صورت صریح و آشکار تصمیم شورای وزیران اتحادیه اروپا برای این نامگذاری را لغو کرده است.

ـ وکلا با یادآوری تلاش دست‌اندرکاران پرونده ۱۷ژوئن برای منحرف‌کردن سمت و سوی تحقیقات، تأکید کرده‌اند: درفقدان هرگونه اتهام واقعی یک تصمیم قضایی درمورد خاتمه‌دادن به پرونده ۱۷ژوئن و منع تعقیب کسانی که مورد آزار و اذیت واقعی قرارگرفته‌اند ضروری است و شایستگی و اعتبار دستگاه قضایی فرانسه به آن بستگی دارد

هانری لوکلرک — ماریو استانزی — پاتریک بودوئن — ویلیام بوردون — فرانسوا سر — ناتالی سنیک — دولفین موکارزل — ماری لور باره — برنارد دارتویل — فیلیپ شامپوتیه ریب

هانری لوکلرک، وکیل رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت ایران و ۹تن دیگر از وکلای برجسته فرانسوی که دفاع از اعضای مقاومت ایران در پرونده ۱۷ژوئن را برعهده دارند، لایحه خاتمه‌دادن به این پرونده را ـ که درمعامله‌یی ننگین با دیکتاتوری آخوندی علیه مقاومت ایران شکل گرفته است- در دادگستری فرانسه به ثبت رساندند.

گزارش خبرگزاری فرانسه: ازنظر وکلا خاتمه‌دادن به این پرونده امری است که به شرافت دادگستری فرانسه بستگی دارد

خبرگزاری فرانسه روز ۱۱۲اکتبر(۲۰مهر)، از پاریس خبرداد وکلای پرونده ۱۷ژوئن روز جمعه اعلام کردند که لایحه‌یی را برای اعلام منع تعقیب از سوی قضات به ثبت رسانده و تأکید کرده‌اند که خاتمه‌دادن به این پرونده امری است که به‌نظر آنان به«شرافت دادگستری فرانسه» بستگی دارد.

این خبرگزاری افزود: وکلا طی اطلاعیه‌یی که در اختیار خبرگزاری فرانسه قرار دادند اعلام کردند در لایحه به‌ثبت رسیده، خواستار صدور حکم منع تعقیب در این تحقیقات شدند و خاطرنشان کردند انگیزه این تحقیقات که توسط بازپرس ضدتروریستی از سال ۲۰۰۱ دنبال می‌شود، «منافع دیپلوماتیک و اقتصادی » بوده است.

به گزارش خبرگزاری فرانسه وکلا اضافه می‌کنند صدور حکم منع تعقیب و خاتمه این پرونده، «ضرورت حفظ شرافت و اعتبار دادگستری فرانسه می‌باشد». به‌خصوص که اعضای مقاومت وحامیان مجاهدین خلق ایران سالهاست در فرانسه اقامت دارند و هرگز مورد پیگرد نبوده‌اند.

خبرگزاری فرانسه درگزارش خود با یادآوری یورش کودتاگونه در ۱۷ژوئن۲۰۰۳، دولت وقت فرانسه به ریاست ژاک شیراک، می‌افزاید: در ژوئن۲۰۰۳ یک عملیات پلیسی بزرگ در نزدیکی پاریس در اورسوراواز، علیه دفاتر شورای ملی مقاومت ایران جنبش اصلی مقاومت علیه رژیم ایران، صورت گرفت که طی آن دهها نفر دستگیر و ۱۷نفر به اتهام تروریسم در معرض تحقیق قضایی قرار گرفتند.

اطلاعیه وکلا: اتهام تروریستی با حکم ۱۲دسامبر دادگاه عدالت اروپا از اساس باطل شده است

هانری لوکلرک، وکیل رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت ایران و ۹تن دیگر از وکلای برجسته فرانسوی شامل: ماریو استانزی، پاتریک بودوئن، ویلیام بوردون، فرانسوا سر، ناتالی سنیک، برنارد دارتویل، دولفین موکارزل، فیلیپ شامپوتیه ریب و ماری لور باره که از دستگاه قضایی فرانسه خواستار خاتمه‌دادن به پرونده ۱۷ژوئن شدند، با صدور اطلاعیه‌یی اعلام کردند که اعضا و حامیان شورای ملی مقاومت ایران، از چهارسال و نیم پیش توسط بروگیر و بخش ضدتروریستی دادسرای پاریس تحت تحقیق قرار گرفته‌اند. در ۱۷ژوئن۲۰۰۳ یک عملیات جنجالی در صبح زود در اورسوراواز صورت گرفت که برای آن صدها پلیس که به‌شدت مسلح بودند بسیج شده بودند. آنها باخشونت مکانهایی را اشغال کردند که در آنها از ۲۰سال پیش اشخاصی زندگی می‌کردند که ناگزیر جلای وطن کرده بودند زیرا در کشور خودشان ایران یک رژیم خونریز و استبدادی آنها را تحت تعقیب و آزار قرارداده بود. پناهندگی آنها در فرانسه، نه فقط بر اساس کنوانسیون ژنو، بلکه هم‌چنین براساس مقدمه قانون اساسی فرانسه بود که می‌گوید «هر انسانی که به‌دلیل اقدام خودش به‌نفع آزادی تحت تعقیب و آزار قرار گیرد، حق پناهندگی در قلمرو جمهوری را دارد»، سپس از سال۱۹۹۴ در اورسوراواز دفتر شورای ملی مقاومت ایران به‌طور کاملا رسمی مستقر بوده است.

در اطلاعیه وکلا درمورد ضرورت خاتمه دادن به پرونده ۱۷ژوئن هم چنین آمده است: طی تفتیشهای ریزبافتی که در جریان اشغال مکانها در حمله ۱۷ژوئن۲۰۰۳صورت گرفت، هیچ‌گونه سلاح و هیچ مدرک قانع‌کننده‌یی یافت نشد که ثابت کند آن‌جا مقر یک سازمان تروریستی است. به‌دنبال یک بازداشت طولانی ۱۷نفر تحت تحقیق قرار می‌گیرند. حمله‌کنندگان در این‌که یازده نفر ازجمله مریم رجوی، رئیس‌جمهور برگزیده شورای ملی مقاومت ایران را زندانی کنند تردیدی نکردند. اما چند روز بعد، دادگاه استیناف پاریس دستور آزادسازی آنها را صادر نمود. در فقدان کمترین اطلاعات واقعی و ملموس، تنها این اتهام باقی ماند که سازمان مجاهدین خلق ایران «در لیست اروپایی سازمانهای تروریستی قرار دارد».

درحالی‌که در همان هنگام شورای ملی مقاومت ایران که متهم‌شدگان عضو آن بودند خارج از این لیست قرار داشته است.

اطلاعیه اضافه می‌کند: به نحو بسیار عجیبی مقامات فرانسوی تظاهر می‌کردند که این وضعیت را کشف کرده‌اند. درحالی‌که از ۲۰سال پیش، مقامات فرانسوی کاملا از حضور و تعهدات و فعالیتهای ساکنان اورسوراواز مطلع بودند، چرا که در آن‌جا هزاران ایرانی تبعیدی، پناهندگان، شخصیتهای سیاسی از همه کشورها و هم‌چنین خبرنگاران، تردد می‌کردند و سرویسهای فرانسوی نیز هیچ‌گاه در تأمین حفاظت این اشخاص وقفه‌یی ایجاد نکرده بودند. چرا که اعضای مقاومت ایران در معرض تهدیدآتی از سوی سرویسهای اطلاعاتی رژیم ایران قرار داشتند. واضح است که حفاظت پلیس فرانسه امکان نظارت و مراقبت مستمری را فراهم ساخته بود و در این مدت هیچ‌گاه کمترین فعالیت غیرقانونی ازسوی اعضا و حامیان مقاومت مشاهده نگردید.

در اطلاعیه آمده است: در فرانسه هیچ‌کس بی‌اطلاع نبودکه این پناهندگان سیاسی در برابر رژیم ایران تسلیم نشده‌اند و مصمم بودند که در برابر این رژیم که در کشورشان رعب و وحشت برقرار کرده بود و صلح جهان را هم تهدید می‌کرد، به مقاومت ادامه دهند و هرگز به‌خاطر چنین کاری آنها تروریست محسوب نمی‌شدند. واقع امر این است که تغییر رفتار ناگهانی با آنها ناشی از ملاحظات دیپلوماتیک و اقتصادی بوده است، آن‌هم درحالی‌که دادگاه پونتواز در حکم خود درباره آنها گفته است که هیچ چیز اثبات نمی‌کند که این مقاومین «در قلمرو کشور فرانسه رفتاری داشته باشند که دارای ماهیت ضربه‌زدن به امنیت کشور یا امنیت عمومی بوده باشد».

ده وکیل برجسته فرانسوی در اطلاعیه خود هم‌چنین اضافه کرده‌اند: شش سال و نیم بعد از گشایش پرونده و پیش از چهار سال بعد از تحت تحقیق قراردادن افراد، به‌رغم تلاش آشفته و بی‌نظم دست‌اندرکاران برای ساختن یک پرونده ریش ریش و نامنسجم و درعین‌حال کاملا خالی که نیابتهای قضایی بی‌فایده‌یی را در خود سرجمع کرده، افرادی که مثلا به تروریست‌بودن متهم هستند، اغلبشان فقط یک بار مورد بازجویی قرار گرفته‌اند و در آن یک بارهم سؤالات از آنها فقط در مورد مسائل پیش پا افتاده بوده است.

وکلا تأکید می‌کنند که پرونده خالی ۱۷ژوئن از مسائلی به‌کلی خارج از موضوع و کارهای کارشناسی با نتایج بسیار حقیر و بی‌ارزش و گزارشهای پرزرق و برق و استخراجهای اطلاعاتی وصله پینه‌یی پرشده و موکلان ما برای چند سال مشمول محدودیتهایی بوده‌اند که به‌طور وخیمی آزادی آنها را مخدل کرده است.

ده وکیل برجسته فرانسوی در ثبت لایحه خاتمه‌یافتن پرونده ۱۷ژوئن تأکید کرده‌اند: تکرار بی‌وقفه نامگذاری مجاهدین در لیست سازمانهای تروریستی اتحادیه اروپا که اساس این اتهامات است، دیگر دلیل وجودی خود را از دست داده است. چرا که دادگاه جوامع اروپایی در ۱۲دسامبر گذشته به‌صورت صریح و آشکار تصمیم شورای وزیران اتحادیه اروپا برای این نامگذاری را لغو کرده و در همین حکم دادگاه عدالت اروپا تأکید شده است که لغو تصمیم شورای وزیران اروپا به این معنی است که هیچ‌گاه وجود نداشته است.

وکلا هم‌چنین خاطرنشان می‌کنند: ساکنان شهر اشرف اگرچه به‌خاطر بی‌ثباتی وضعیت سیاسی در عراق در یک وضعیت پرخطر قرار دارند که شایسته جلب توجه افکار عمومی بین‌المللی است، ولی آنها بعد از ماهها تحقیق اف.بی.آی. و وزارت خارجه و دیگر آژانسهای آمریکایی، مشمول شناسایی استاتوی غیرنظامیان تحت حفاظت کنوانسیون چهارم ژنو قرار گرفته‌اند. بنابر این آنها تروریست نیستند بلکه مقاومتی هستند که ضمن این که هرگونه دست بردن به اعمال کور علیه غیرنظامیان را بر خود ممنوع کرده‌اند، اعمال مقاومت مسلحانه علیه یک رژیم سرکوبگر و نهایتاً تروریست انجام داده‌اند. باید یادآوری نمود که در حاکمیت این رژیم از ماه ژوییه۲۰۰۷، ظرف سه ماه، ۶۴نفر اعدام شده‌اند.

در خاتمه این اطلاعیه، وکلای مقاومت با یادآوری تلاش دست‌اندرکاران پرونده ۱۷ژوئن برای منحرف‌کردن سمت و سوی تحقیقات، تأکید کرده‌اند: در فقدان هرگونه اتهام واقعی، یک تصمیم قضایی درمورد خاتمه پرونده ۱۷ژوئن و منع تعقیب کسانی‌که مورد یک آزار و اذیت واقعی قرارگرفته‌اند ضروری است و شایستگی و اعتبار دستگاه قضایی فرانسه به آن بستگی دارد.

وکلای افراد تحت تحقیق:

ماریو استانزی، هانری لوکلرک، فیلیپ شامپوتیه ریب، ماری‌لوربارد، پاتریک بودوئن، ویلیام بوردن، برنارد دارتویل، ناتالی سنیک، دولفین موکارزل، فرانسوا سر.

حسن روحانی: شرایط ما شرایط مطلوبی نیست و هر روز سخت‌تر می‌شود
اکنون در حوزه بین‌المللی بیش از همیشه مورد تهدید هستیم

حسن روحانی، دبیر سابق شورای عالی امنیت رژیم، با حمله به پاسدار احمدی‌نژاد، اوج بحران درونی آخوندها را به‌نمایش گذاشت و با اعتراف به انزوای فزاینده بین‌المللی رژیم، گفت: شرایط ما، شرایط مطلوبی نیست و هرروز سخت‌تر می‌شود. اکنون در حوزه بین‌المللی بیش از همیشه مورد تهدید هستیم. وی که با اعضای شورای مرکزی باند موسوم به اعتدال و توسعه دیدار می‌کرد، نمودی از عمق بحران درونی رژیم را به نمایش گذاشت و با طعنه به ولی‌فقیه ارتجاع، گفت: «مقام معظم رهبری امسال را سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی نامگذاری کرده‌اند. نیمی از سال گذشت و پرسش این است که ما تا چه اندازه به این هدف نزدیک شده‌ایم؟»

وی که به نمایندگی از باندهای حذف شده صحبت می‌کرد، باند ولی‌فقیه را مورد حمله قرار داد و گفت: «تنگ‌نظریها، خودخواهیها، عدم اعتنا به نظرات دیگران، از عوامل اصلی تفرقه است. متأسفانه در جامعه ما، آستانه تحمل برخی مسئولین بسیار پایین است. در جامعه‌یی با این همه تنگ‌نظری نمی‌توانیم به وحدت مطلوب برسیم».

دبیر سابق شورای امنیت آخوندها که خود شامل حذفهای باندی شده در ادامه دعاوی خود افزود: «کشور، ملک طلق کسی نیست. احساس مالکانه داشتن نسبت به مردم و کشور بزرگترین مشکل و درد بی‌درمان جامعه ماست. نمی‌توان یک مسأله مهم ملی را تنها به یک گروه یا چند نفر سپرد، باید از نظرات و اندیشه‌های دیگران و از کمک دیگران نیز استفاده کرد.

عضو مجمع تشخیص مصلحت رژیم، با اعتراف به انزوای فزاینده بین‌المللی رژیم، تقصیر آن را به‌گردن احمدی‌نژاد و باندش انداخت و گفت: «دیپلوماسی یک کشور زمانی موفق است که اجازه ندهد دشمن دیگر کشورها را علیه منافع ملی کشورمان به خود پیوند دهد. نباید برای ازدیاد دشمنان فرصت ایجاد کنیم».

خبرگزاری حکومتی ایسنا که اظهارات وحشت‌آلود حسن روحانی را منعکس می‌کرد، در روز ۱۸مهر۸۶، با برجسته کردن حملات او علیه احمدی‌نژاد، افزود: «حسن روحانی با انتقاد از کسانی که به گفته امیرالمومنین در شرایط خطر هستند و می‌گویند در بهترین شرایط هستیم و بر شتر جهوش سوارند در حالی که می‌گویند بر شتر رام سوارند، به برخی از خطرات اشاره و اظهار کرد: اگر عده‌یی دشمن و دشمنی را حس نکنند، اگر عده‌یی این‌طور فکر کنند که دشمن ندارند یا دشمن ضعیف است، این فکر زمینه اعمال تهدید دشمن را بهتر فراهم می‌کند. غفلت از دشمن خلاف عقل و تدبیر است».

وی در این رویارویی باندی هم‌چنین به چپاول اموال مردم و وخامت وضعیت اقتصادی اعتراف کرد و گفت: «در سالهای پیش وقتی قیمت نفت به مرز ۱۸ یا ۲۰دلار می‌رسید، احساس بر این بود که وضع اقتصادی خوبی در انتظار است. اما اکنون با نفت ۸۰دلاری که قدرت اقتصادی ما چند برابر شده است، متأسفانه آثار یک اقتصاد سالم و پویا را نمی‌بینیم».

آخوند حسن روحانی با اعتراف به آثار تحریمهای بین‌المللی، گفت: «باید دید نسبت به سالهای گذشته در چه شرایطی هستیم؟ شرایط ما، شرایط مطلوبی نیست. دشمن خود را آماده کرده و علیه ما هر روز توطئه می‌کند. سازمان ملل شورای امنیت را پناهگاهی برای خود قرار داده تا از آن طریق فشار را بر ما افزایش دهد. آثار این فشارها در روابط اقتصادی و سیاسی مشاهد می‌شود. شرایط ما هر روز سخت‌تر می‌شود. ممکن است کسی بگوید مهم نیست، ولی برای مردم ما بسیار مهم است».

خبرگزاری فرانسه در روز ۱۸مهر۸۶، در مورد اظهارات دبیر سابق شورای عالی امنیت رژیم، نوشت: مذاکره‌کننده اتمی سابق رژیم ایران، به تندی از سیاست کشور در مورد برنامه اتمی انتقاد کرد و گفت تحریمها به اقتصاد کشور ضربه می‌زنند. وی از کسی نام نبرد اما صحبتهایش منعکس‌کننده انتقاد از سیاستهای احمدی‌نژاد بود.

این خبرگزاری افزود: روحانی در مورد تحریمهای بین‌المللی که احمدی‌نژاد آنها را بی‌اهمیت جلوه می‌دهد گفت: «وضعیت ما مطلوب نیست... تأثیرات این فشارها روی اقتصاد ما و روابط سیاسی ما دیده می‌شود و شرایط ما روز به‌روز بدتر می‌شود...

فاکس نیوز: تبانی محمد البرادعی با رژیم ایران، باعث خشم کشورهای جهان شده است

تلویزیون فاکس‌نیوز آمریکا در روز ۲۱مهر۸۶، گفت: تبانی محمد البرادعی رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با رژیم ایران، باعث خشم واشینگتن و سایر کشورهای جهان شده است. در حالی که رژیم ایران بی‌اعتنا به سه قطعنامه شورای امنیت هم‌چنان به برنامه اتمی خود ادامه می‌دهد، ادعای برادعی در مورد تلاش برای خلع سلاح هسته‌یی مسخره است.

فاکس نیوز تأکید کرد: به‌رغم ادعای رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بحران هسته‌یی رژیم ایران نسبت به گذشته حادتر شده است.

اطلاعیه‌های دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران

دستگیریهای گسترده به‌بهانه آخوند ساخته مبارزه با «اراذل و اوباش» در تهران و سایر شهرها ادامه دارد

در ابتدای اجرا این طرح سرکوبگرانه بیش از یک میلیون و ۲۰۰هزار تن دستگیر و یا مورد تذکر خیابانی قرار گرفتند.

آمارهای نجومی از دستگیری و زندانی زنان و جوانان توسط نیروی سرکوبگر انتظامی به بهانه آخوندساخته «بدحجابی» و برخورد با «اراذل و اوباش» طی ماههای شهریور و مهر ادامه دارد.

پاسدار سرتیپ رضا زارعی، فرمانده سرکوبگر نیروی انتظامی استان تهران، «از دستگیری یک هزار و ۴۱۰ اراذل و اوباش در راستای طرح ارتقا امنیت اجتماعی خبر داد». وی افزود: «در راستای طرح ارتقای امنیت اجتماعی و برخورد با پدیده بدحجابی ۱۱۳هزار و ۴۵۴نفر مورد تذکر و ارشاد قرار گرفتند که از این تعداد بیش از ۵هزار نفر مورد برخورد انتظامی و یک هزار و ۶۹۰مورد به‌مراجع قضایی معرفی شدند»(خبرگزاری حکومتی ایسنا ۲۹شهریور).

به‌گزارش خبرگزاری حکومتی ایرنا (۲۰شهریور) پاسدار رحیم حیدری سرکرده «ستاد ارتقا امنیت اجتماعی» از دستگیری بیش از ۳۶۰۰۰تن از مردم خوزستان از ابتدای طرح «امنیت اجتماعی» خبر داد.

پاسدار مهدی توکلی فرمانده سرکوبگر نیروی انتظامی مازندران از طرح «مبارزه با بد حجابی تجلیل کرد و گفت در این استان ۴۳۰۰۰تن در این رابطه دستگیر شده‌اند». علاوه بر این وی از دستگیری ۳۸۰۰۰تن دیگر در این استان تحت عنوان «مزاحم خیابانی» خبر داد.

طرح موسوم به امنیت اجتماعی که از ابتدای اردیبهشت امسال طی ۴مرحله تاکنون توسط نیروی سرکوبگر اجتماعی به اجرا گذشته شده است هدفی جز مقابله با خیزشهای فزاینده اجتماعی که توسط اقشار مختلف جامعه از کارگران، معلمان، دانشجویان، زنان و جوانان ندارد.

مقاومت ایران توجه سازمانها و مجامع مدافع حقوق بشر را به‌سرکوب وحشیانه مردم توسط رژیم قرون‌وسطایی آخوندی جلب می‌نماید و خواستار اقدامات عاجل برای توقف موج سرکوب و اعدامهای خودسرانه در ایران گردید.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران
۱۶مهر۱۳۸۶ (۸اکتبر۲۰۰۷)

بیش از ۲۵۰حلق‌آویز از ابتدای سال جاری میلادی
۷۱نوجوان زیر ۱۸سال محکوم به اعدام

رژیم ضدبشری آخوندی در ادامه موج گسترده سرکوب در سراسر کشور، ۴زندانی دیگر را در بابل و صحنه حلق‌آویز و یک زن را در مشهد به سنگسار محکوم کرد.

طی ۱۰ماه گذشته بیش از ۲۵۰تن حلق‌آویز شدند و ۷۱نوجوان زیر ۱۸سال در معرض اعدام قرار دارند. تنها در زندان گوهردشت بیش از ۶۰۰زندانی در انتظار اعدام به‌سر می‌برند و ۶۰زندانی سیاسی در زندانهای مختلف رژیم به‌خصوص در بند مخوف ۲۰۹ اوین تحت شدیدترین شکنجه‌ها قرار دارند.

طی سال گذشته ۱۱زن به سنگسار محکوم شدند و یک زندانی در تاکستان سنگسار شد.

به‌مناسبت روز جهانی مخالفت علیه مجازات اعدام، مقاومت ایران اجلاس جاری ملل متحد را به تصویب قطعنامه شدیداللحنی علیه دیکتاتوری قرون‌وسطایی آخوندی به‌خاطر نقض وحشیانه و سیستماتیک حقوق‌بشر، اعدامهای خیابانی به‌ویژه اعدام نوجوانان، مجازاتهای تحقیرآمیز و بیرحمانه فرا می‌خواند.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران
۱۸مهر۱۳۸۶ (۱۰اکتبر۲۰۰۷)

شکنجه و آزار و اذیت آیت‌الله کاظمینی بروجردی در بند۲۰۹ زندان اوین

در ۱۵مهر ماه سال گذشته، مأموران سرکوبگر نیروی انتظامی با یورش به تجمع خواهران آیت‌الله سید حسین کاظمینی بروجردی در خیابان اوستا (در غرب تهران)، ایشان و تعدادی از نزدیکانشان را دستگیر و روانه زندان اوین کردند.

آیت‌الله بروجردی از زمان دستگیریش تاکنون در زندان اوین و به‌خصوص بند مخوف۲۰۹ این زندان بازداشت بوده و از بیماریهای قلبی رنج می‌برد و از حق استفاده از تجهیزات پزشکی در زندان محروم گردیده است.

مقاومت ایران ضمن محکومیت دستگیری و شکنجه آیت‌الله بروجردی و یارانش از کلیه سازمانهای مدافع حقوق بشر به‌ویژه گزارشگر آزادی مذاهب سازمان ملل متحد خواستار محکومیت اعمال رژیم ضدبشری آخوندی علیه زندانیان سیاسی و اتخاذ تدابیر لازم برای آزادی آنان گردید.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران
۲۰مهر۱۳۸۶ (۱۲اکتبر۲۰۰۷)

اعدام و سرکوب

مأموران سرکوبگر رژیم صد نفر را در خراسان رضوی به‌قتل رساندند

مأموران سرکوبگر نیروی انتظامی در استان خراسان رضوی در ۱ماهه اول امسال، در ۲۱۸درگیری مسلحانه، ۱۰۰نفر را به‌قتل رسانده‌اند. پاسدار فهیمی‌راد، سرکرده نیروی انتظامی در این استان، ضمن اعلام این آمار گفت: «طرح ارتقای امنیت با قوت و شدت بیشتر و در گستره جغرافیایی فراگیرتری به اجرا در می‌آید»(قدس ۲۲مهر۸۶).

دژخیمان رژیم سه نفر را در تایباد به‌دار آویختند

رژیم آخوندی ۳نفر را در زندان تایباد به‌دار آویخت. این ۳ نفر اح.الف، ع.الف و ب.الف نام داشتند(خراسان ۱۷مهر۸۶).

رژیم آخوندی یک زندانی را در زندان اوین به‌دار آویخت

رژیم ضدبشری آخوندی، روز جمعه، یک زندانی را در شعبه هشت زندان اوین به دار آویخت. این فرد که مهدی دلیری نام داشت، در طرح سرکوبگرانه موسوم به ارتقای امنیت اجتماعی در خرداد ماه سال جاری دستگیر شده بود.

دستگاه قضاییه رژیم حکم اعدام چهار نفر را در تهران صادر کرد

دستگاه قضاییه آخوندها حکم اعدام ٤ نفر را در تهران صادر کرد. دو نفر از محکوم‌شدگان علیرضا و مجتبی نام دارند. مجتبی ۲٦ساله می‌باشد(جوان ۱۹مهر ۸٦).

یکی از محکوم‌شدگان علی نام دارد که هنگام ارتکاب جرم انتسابی ۱٦ساله بوده است(اعتماد ملی ۲۲مهر۸٦).

یکی دیگر از این نفرات مصطفی نام دارد که حکم او توسط دیوان عالی رژیم تأیید شده است(تلویزیون صدای آمریکا ۲۱مهر۸٦).

صدور حکم اعدام برای ۱٦نوجوان افغانی توسط رژیم آخوندی

مجلس نمایندگان افغانستان، روز ۱۲مهر، صدور حکم اعدام برای ۱٦نوجوان افغانی زیر۱۸سال، توسط رژیم ایران را محکوم کرد. اعضای مجلس نمایندگان افغانستان، این اقدام رژیم ایران را غیرقانونی و خلاف شرع دانستند و به‌شدت به آن اعتراض کردند. رئیس موقت مجلس نمایندگان افغانستان از وزارت خارجه این کشور خواست تا این موضوع را با جدیت پیگیری کند.

در همین حال رمضان بشردوست، نماینده مجلس افغانستان نیز نسبت به برخورد نیروی ایران با پناهندگان افغان ابراز نگرانی کرد و گفت: اعمال رژیم ایران با افغانها غیرقابل قبول است.

سرکوب گروههای مذهبی

مأموران سرکوبگر نیروی انتظامی و امنیتی به یک مراسم مذهبی اهل سنت در سقز حمله کرده و بیش از ۳۰۰نفر را دستگیر کردند. این مراسم در پی فراخوان یک گروه مذهبی انجام گرفت که صدها نفر در آن شرکت داشتند.

شاهدان گفتند چند تن از رهبران این گروه مذهبی در میان دستگیرشدگان می‌باشند.

یورشهای مشابهی در سایر شهرهای کردستان نیز صورت گرفته است(تلویزیون صدای آمریکا ۱۹مهر۸٦).

ترور جنایتکارانه شیخ کامل عمران عطیه الجبوری
رئیس انجمن دوستی مردم عراق با مردم ایران به‌دست مزدوران رژیم آخوندی

ـ شیخ کامل یکی از شیوخ محبوب استان دیالی بود که با فعالیت در تمامی پهنه‌های سیاسی، اجتماعی و عشایری برای آزادی مردم و مبهنش از اشغال عوامل جنایتکار رژیم ایران، زندگی خود را تماماً وقف این هدف مقدس کرده بود

ـ شیخ کامل عمران عطیه الجبوری، در چهارونیم سال گذشته نقش فعالی در افشای دخالتها و جنایات عوامل رژیم آخوندی در استان دیالی داشت، به‌همین‌خاطر هدف کینه و غضب وحشیانه گروههای مزدور رژیم ایران بود

ـ شیخ کامل، رژیم ایران را مسئول وضعیت وخیم عراق و دامن‌زدن به درگیریهای قومی در عراق می‌دانست و در جلسه مشترک با هیأت پارلمان اروپا گفت: «آن‌چه رژیم ایران در عراق انجام می‌دهد، دخالت نیست بلکه اشغال کامل است»

مزدوران رژیم آخوندی در یک اقدام جنایتکارانه شیخ کامل عمران عطیه الجبوری، رئیس انجمن دوستی مردم عراق با مردم ایران را که از سرسخت‌ترین مخالفان دخالتهای رژیم آخوندی در عراق بود در منطقه منصوریه دیالی ترور کردند. شیخ کامل از برجسته‌ترین شیوخ مهن‌پرست عراق بود که بارها در موضعگیریهای خود رژیم ایران را به‌عنوان دشمن اصلی مردم عراق معرفی کرده و خواستار خلع ید از این رژیم در عراق شده بود.

شیخ کامل یکی از شیوخ محبوب استان دیالی بود که زندگی خود را وقف آزادی مردم و مهنش از اشغال عوامل جنایتکار رژیم ایران کرده بود. وی درآخرین نامه خود به سران احزاب سیاسی عراقی به‌عنوان رئیس انجمن دوستی و همبستگی مردم عراق با مردم ایران نوشته بود:

انجمن دوستی و همبستگی مردم عراق با مردم ایران، به‌ضرورت اتحاد و یکپارچگی صفوف عراقیان و تشکیل یک آلترناتیو ملی عراقی در برابر حکومت وابسته به ایران، فرا می‌خواند و دکتر ایاد علاوی را به‌خاطر ضدطائفی‌بودن شخصیت عراقی مناسب برای این مرحله می‌داند. ما خواستار تجدید انتخابات هستیم تا مردم عراق نمایندگان حقیقی‌شان را انتخاب کنند و امنیت و ثبات به‌عراق عزیزمان بازگردد.

شیخ کامل عمران عطیه الجبوری، در چهارونیم سال گذشته نقش فعال و محوری در افشای دخالتها و جنایات عوامل رژیم آخوندی در استان دیالی داشت، به‌همین‌خاطر هدف کینه و غضب وحشیانه احزاب و گروههای مزدور رژیم ایران بود. او بارها توسط مزدوران رژیم تهدید شده بود اما با شجاعت تمام هیچ‌وقت تسلیم تهدید وارعاب این مزدوران نشد و هیچ روزی از تلاش برای نجات مهنش از شرآخوندهای حاکم برایران از پا ننشست.

شیخ کامل طی ۴۵سال گذشته پیوسته در کنار مجاهدین قرار داشت. او در پی حکم شورای حکومتی عراق مبنی بر اخراج مجاهدین از عراق، ازجمله شیوخ متحصن در شهر اشرف بود که علیه دخالتهای رژیم و مزدورانش در شورای حکومتی از هیچ اقدامی فروگذار نکرد. وی همیشه بر نقش سازمان مجاهدین خلق به‌عنوان یک وزنه تعادل در برابر دخالتهای رژیم ایران تأکید می‌کرد و معتقد بود که به‌همین دلیل، رابطه مردم عراق و مجاهدین گسست‌ناپذیر است.

شیخ کامل عمران عطیه به‌دلیل شجاعت و پشتکارش در افشای دخالتهای رژیم آخوندی در عراق و ایجاد صلح و دوستی میان مردم عراق و ایران در سال۲۰۰٤ بهسمت ریاست انجمن دوستی انتخاب شد و تا لحظه شهادتش در همین سمت به‌افشای دخالتهای رژیم حاکم بر ایران ادامه داد.

او در زمستان سال۲۰۰۵ ازجمله بانیان بیانیه تاریخی ۵میلیون و ۲۰۰هزار عراقی در حمایت از مجاهدین بود.

در کنگره همبستگی که در شهر اشرف در روز ۲۰ژوئن۲۰۰٦ برگزار گردید، شیخ کامل به‌عنوان معاون اول این کنگره انتخاب شد.

شیخ کامل عمران عطیه الجبوری در کنگره همبستگی برای صلح و آزادی به ریاست دکتر صالح مطلق نیز عضو هیأت رئیسه کنگره بود.

شیخ کامل روز ۲۰تیر۸٦، طی مصاحبه‌یی با سیمای آزادی تهدید شهروندان عراقی توسط حکومت عراق برای برقراری ارتباط با مجاهدان اشرف را محکوم کرد و گفت: «همان‌طور که می‌دانید ۵میلیون و ۲۰۰هزار تن از فرزندان مردم عراق در سال گذشته بیانیه همبستگی با سازمان مجاهدین خلق را امضا کرده‌اند. بیانیه‌یی که بر خلع ید رژیم ایران و دخالتهایش در امور عراق، تأکید می‌کند. هم‌چنین روز ۲٦خرداد امسال امضای ۵۰هزارتن از اهالی استان دیالی در همبستگی با سازمان مجاهدین را داشتیم. در این کنگره بیش از ۱۰هزار نفر از مردم عراق، شیوخ عام و شخصیتهای سیاسی شرکت داشتند و برحمایت از مجاهدین تأکید کردند».

شیخ کامل عطیه الجبوری، سرانجام در ظهر روز چهارشنبه ۱۸مهر ۱۳۸٦ در بیست و هشتمین روز ماه مبارک رمضان توسط عوامل جنایتکار و اجیرشده نیروی قدس سپاه پاسداران ایران در یک عمل زبونانه تروریستی به‌شهادت رسید وخون خود را فدیه راه آزادی مهنش از اشغال فاشیسم مذهبی حکام ایران نمود.

به‌دنبال ترور شیخ کامل عمران عطیه الجبوری، شورای شیوخ عشایر ملی عراق دیالی، دبیرخانه کنگره همبستگی مردم عراق و انجمن دوستی مردم عراق با مردم ایران طی اعلامیه‌های جداگانه‌یی این اقدام جنایتکارانه ایادی رژیم آخوندی را به‌شدت محکوم کردند.

شورای شیوخ عشایر ملی عراق ـ دیالی در اطلاعیه خود اعلام کرد: «شیخ کامل عمران عطیه الجبوری، از مخالفان سرسخت دخالتهای رژیم ایران در استان دیالی بود و به‌همین دلیل هدف کینه مزدوران این رژیم قرار گرفت. شورای شیوخ عشایر ملی عراق این جنایت را که در خدمت منافع رژیم ایران است محکوم کرده و از جامعه بین‌المللی و نیروهای چندملیتی خواستار خلع ید از رژیم ایران و پایان دادن به دخالتهای تروریستی و اشغالگرانه آن در عراق می‌باشد».

انجمن دوستی وهمبستگی مردم عراق با مردم ایران طی اطلاعیه‌یی ضمن تسلیت به‌مناسبت شهادت شیخ کامل عمران عطیه الجبوری اعلام کرد: «شیخ کامل، رژیم ایران را مسئول وضعیت وخیم عراق و دامن‌زدن به درگیریهای قومی در عراق می‌دانست، به‌نحوی‌که در جلسه مشترک با هیأت پارلمان اروپا گفت: «آن‌چه رژیم ایران در عراق انجام می‌دهد، دخالت نیست بلکه اشغال کامل است» کمااین‌که در آخرین نامه‌اش به سران احزاب و فراکسیونهای ملی سیاسی عراق در روز شهادتش از توطئه‌های رژیم ایران و شکست حکومت مالکی در پیشبرد آشتی ملی پرده برداشت و به یکپارچگی صفوف عراقیان و تشکیل جایگزین عراقی ملی فراخواند».

دبیرخانه کنگره همبستگی مردم عراق در اطلاعیه خود نوشت: «کنگره همبستگی، شهادت شیخ کامل عمران عطیه الجبوری این شخصیت مردمی عراق را که دشمنی جز حاکمان تهران نداشت تسلیت می‌گوید. او مردی وطن‌پرست و شجاع بود که با جدیت و فعالانه برای یک عراق یکپارچه تلاش می‌کرد. وی خواستار وحدت مردم بود و هر نوع دخالت رژیم ایران در شئون عراق را همان‌طور که در بیانیه مردم عراق در مورد تهدیدات رژیم ایران آمده است، رد می‌کرد.

خانم مریم رجوی، شهادت شیخ کامل عمران عطیه الجبوری به‌دست فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران را به‌مردم عراق و به‌خانواده آن شیخ مجاهد و به مجاهدان آزادی در شهر اشرف، تسلیت گفت

خانم مریم رجوی، رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت ایران، شهادت شیخ کامل عمران عطیه الجبوری، رئیس انجمن دوستی و همبستگی عراق، به‌دست فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران را به خانواده آن شیخ مجاهد و به مجاهدان آزادی در شهر اشرف که یار صدیق دیگری را از دست دادند، تسلیت گفت. خانم رجوی شیخ کامل را از مظاهر بارز پایداری عراقیان و شیوخ غیرتمند عشایر این کشور در برابر موج شوم هجوم رژیم ولایت‌فقیه به‌عراق و قدیه عظیم مجاهدان اشرف در پایان رمضان و فطر توصیف کرد و برای آن فقید سعید شادی روح و برای بازماندگانش صبر و سلامتی آرزو کرد.

خانم رجوی گفت شهادت شیخ کامل هر چند برای همه عراقیان آزاده و شخصیتها و احزاب دموکراتیک این کشور دردناک است، اما در عین‌حال گواه اصالت و حقانیت راهی است که میلیونها عراقی در مقابله با رژیم آخوندی به‌عنوان تهدید اصلی دموکراسی، استقلال و تمامیت ارضی عراق برگزیده‌اند.

رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت افزود: اگر استبداد مذهبی حاکم بر ایران از گرایش فزاینده عراقیان به‌این جنبش نمی‌هراسید و اگر از بیزاری و خشم مردم عراق نسبت به‌خود وحشت‌زده نبود، چه نیازی به این همه خونریزی و شقاوت داشت؟ جنایات فجیعی مانند به‌شهادت رساندن شخصیتهای عراقی برجسته‌یی مانند آیت‌الله محمد موسوی قاسمی، آقای محمد حسین العوض نماینده مجلس عراق، آقای عبدالرحیم نصرالله دبیرکل جنبش عدالت و پیشرفت دموکراتیک. رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت تأکید کرد: امروز همه می‌دانند که سررشته همه جنایتها وخونریزیها در عراق در دست رژیم ولایت‌فقیه است. از انفجار مکرر مراقد مطهر ائمه شیعه در سامرا تا ویران‌کردن مساجد اهل سنت. از ترور شخصیتهای طراز اول سنی تا ترور شیوخ و اقطاب شیعه مخالف. از کشتار وحشیانه رهگذران در خیابانهای بغداد تا کشتار کارگران عراقی شهر اشرف و توپ‌باران مناطق مرزی آن.

خانم رجوی برای همسر و فرزندان شیخ کامل که در این یورش تروریستی مجروح شدند، شفای عاجل آرزو نمود و گفت بدون شک عراق مجروح و بلادیده از این همه مصیبت رها خواهد شد و همه خونها و رنجها به ثمر خواهد نشست.

اطلاعیه دبیرخانه شورای ملی مقاومت

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران در پاریس باصدور اطلاعیه‌یی درباره شهادت شیخ کامل عمران عطیه الجبوری، رئیس انجمن دوستی و همبستگی عراق، به‌دست فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران، این ترور جنایتکارانه را به‌شدت محکوم کرد. در این اطلاعیه آمده است:

شیخ کامل از مهرماه سال۸۲ به‌عنوان عضو انجمن دوستی و همبستگی عراقیان با مردم ایران و از آذر ماه سال۸۳ به‌عنوان رئیس این انجمن، در برانگیختن عراقیان علیه مداخلات تروریستی و بنیادگرایانه رژیم آخوندی در عراق، نقش برجسته‌یی ایفا کرد و از مهمترین و اولین شخصیتهای پیشتاز جنبش سیاسی و اجتماعی در عراق بود که به صدور بیانیه پنج میلیون و دویست هزار عراقی در حمایت از مجاهدین و ضرورت خلع ید از رژیم آخوندی در عراق انجامید.

شهید شیخ کامل عمران عطیه، معاون کنگره همبستگی، در حال دریافت لوح تقدیر از خواهر مجاهد صدیقه حسینی، مسئول اول مجاهدین در مراسم افتتاح بنای یاد بود همبستگی ـ سال ۸٦ ـ شهر اشرف

شهید شیخ کامل عمران عطیه در کنگره همبستگی در سال ۸۵ در شهر اشرف(ردیف اول نفر اول از سمت چپ)

طرح تروریستی رژیم آخوندی علیه جان دبیر کل شورای اسلامی عربی در بیروت، ناکام ماند

طرح تروریستی رژیم آخوندی و ایادی آن در لبنان علیه جان علامه محمد علی الحسینی، دبیرکل شورای اسلامی عربی در بیروت، ناکام ماند.

شورای اسلامی عربی در بیروت طی اطلاعیه‌یی بااشاره به توطئه‌های متعدد رژیم آخوندی علیه جان علامه سید محمد علی الحسینی اعلام کرد: بامداد روز شنبه ۲۱مهرماه علامه الحسینی به همراه خانواده و رانندهاش بهسمت جنوب بیروت حرکت کردند اما هنگام عبور از جاده جنوب و قبل از رسیدن به‌منطقه ابوالاسود، قسمت جلو بدنه خودرو دو تکه می‌شود و اگر عنایت خداوند نبود خودرو با سرنشینان چپ می‌شد و به شهادت ایشان و همراهانش منجر می‌شد. بعد از این که همه سالم از خودرو خارج شدند، روشن شد که دلیل این حادثه یک ماده اسیدی بوده که در ماشین ریخته شده است.

در این اطلاعیه آمده است: مدتی است که از تهدید به‌قتل مستقیم و غیرمستقیم توسط رژیم ایران و ایادیش در لبنان رنج می‌بریم و بعد از این اقدام جنایتکارانه تروریستی به اطلاعات رژیم ایران و نمایندگانش در لبنان می‌گوییم، سپاس خدایی را که کید شما را برملا نموده و به‌سوی خودتان بازگرداند و ابعاد سرکوبگری شما برای جهان آشکار شد و پرده کنار رفت و همه دانستند که شما دین ندارید و انسانیتی در شما نیست. همه هم‌وغم شما، حفظ رژیم آدمکشی است که بین کوچک و بزرگ و یا دینی یا دینی دیگر و مذهبی یا مذهبی دیگر فرقی نمی‌گذارد و جنایت عادت شما و تروریسم وظیفه شما و قتل ابزار شماست.

علامه سید محمد علی الحسینی، دبیرکل شورای اسلامی عربی، بعد از این حادثه خطاب به رژیم ایران و ایادی آن گفت: پیامتان به من رسید و هستم که تنها در میدان نبرد ایستاد درحالی‌که شعار می‌داد (هیهات مناالذله) این شعار من هم هست و به تروریسم رژیم ایران می‌گویم، به شما تن نخواهیم داد و از مواضعمان کوتاه نخواهیم آمد.

بهقرار اطلاع، خانم مریم رجوی رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت طی پیامی از سلامت آیت‌الله سید محمد علی الحسینی، دبیرکل شورای اسلامی عربی در بیروت و مصون ماندن ایشان از سوءقصد ایادی رژیم پلید آخوندی شکرگزاری و ابراز خوشوقتی کرد(سایت شورای عربی اسلامی بیروت ۲۲مهر۸٦).

رهبر حزب سوسیالیست پیشرو لبنان: حزب‌الله به عنوان بخشی از سپاه پاسداران رژیم ایران عمل می‌کند

ولید جنبلاط، رهبر حزب سوسیالیست پیشرو لبنان، در مصاحبه‌یی با روزنامه کویتی الانبا ۲۰مهر۸٦، تصریح کرد رژیم ایران همچنان به‌دخالتهای خود در لبنان ادامه می‌دهد و حزب‌الله به‌عنوان بخشی از سپاه پاسداران این رژیم عمل می‌کند.

وی افزود: رژیم ایران در صدد احیای امپراتوری گذشته است که از ایران شروع شده و تا عراق و سوریه و لبنان امتداد می‌یابد.

رهبر حزب سوسیالیست پیشرو لبنان هشدار داد سلطه رژیم ایران بر لبنان خطری برای کشورهای منطقه به‌ویژه کشورهای حاشیه خلیج فارس خواهد بود.

ولید جنبلاط افزود: اطلاعاتی داریم که نشان می‌دهد رژیم ایران احتمالاً به حزب‌الله اجازه خواهد داد تا به مقر نخست‌وزیری لبنان حمله و بیروت را اشغال کند.

در یک واکنش شتابزده، سفارت رژیم ایران در لبنان، ولید جنبلاط رهبر حزب سوسیالیست پیشرو لبنان را به‌دلیل مخالفتش با دخالتهای رژیم در لبنان مورد حمله قرار داد و اظهارات وی را تخیلات نامید.

گزارش گروه بین‌المللی بحران درباره نقش رژیم ایران و عوامل آن در ایجاد بحران در لبنان

گروه بین‌المللی بحران در تازه‌ترین گزارش خود درباره اوضاع لبنان به‌نقش رژیم ایران و عوامل حزب‌الله آن در ایجاد بحران در این کشور پرداخت.

در این گزارش که روز ۲۰مهر۸٦، در ۲۷صفحه و ۵فصل تنظیم شده، ازجمله آمده است:

حزب‌الله لبنان که با روی کارآمدن رژیم ایران تشکیل گردید نه‌تنها جنبشی ملی نیست بلکه اهداف این رژیم و سوریه را در لبنان پیش می‌برد. این گروه حتی حاضر است در راستای تأمین منافع رژیم ایران و سوریه به صورت یک جریان فرقه‌گرا باقی بماند. منافع این رژیمها برای این گروه بر منافع لبنان ارجح است.

در گزارش گروه بین‌المللی بحران تصریح شده که پس از جنگ سال گذشته لبنان، حزب‌الله نیروهای خود را برای آموزش به ایران می‌فرستد.

زندانیان سیاسی سراسر کشور در اعتراض علیه موج اعدام و سرکوب دست به اعتصاب غذا زدند

زندانیان سیاسی در سراسر کشور طی یک حرکت اعتراضی هماهنگ، علیه موج اعدام و سرکوبی توسط رژیم ضدبشری آخوندی از امروز ۱۸مهر دست به اعتصاب غذا زدند. این اعتصاب غذا به‌مدت ۳روز ادامه خواهد داشت.

در بیانیه‌یی که توسط جمعی از زندانیان در زندانهای اوین، گوهردشت، زندان مرکزی ارومیه، زندان مرکزی بیرجند، زندانهای دیزل‌آباد کرمانشاه، بندرعباس، اردبیل و اهواز صادر شده آمده است:

در آستانه روز جهانی علیه اعدام، این پدیده شوم و ضدانسانی، روزانه در شهرهای مختلف میهنمان به شیوه‌یی جنون‌آمیز جان انسانها را می‌گیرند، صحنه‌های زجرآور که تقریباً روزانه در نقاط مختلف کشورمان به اجرا در می‌آید، آن هم به‌صورت جمعی که گاه آمار آن تا ۳۰نفر در یک روز می‌رسد و طی سال جاری نمایش این صحنه‌های دردناک به‌صفحه‌های تلویزیون هم کشیده شده تا کودکان خردسال هم به عمد شاهد جان دادن این قربانیان باشند.

در بیانیه زندانیان سیاسی از سراسر کشور تأکید شده است: در حال حاضر بر همه عیان است که هدف از این جنایتها ایجاد رعب و وحشت است. البته ما در این سالیان شاهد جنایتهای بیشماری توسط این رژیم بوده‌ایم. از طرفی دیگر سرکوبها در ابعاد وسیعی در شهرها ادامه دارد و ما در زندانهای مختلف شاهد افزایش روزافزون تعداد زندانیان سیاسی هستیم. کارگران چندین ماه است که از گرفتن حقوق معوقه خود محروم هستند. و وقتی که برای به‌دست‌آوردن حقوق خود دست به‌تحصن و اعتصاب و اعتراض می‌زنند مورد هجوم نیروهای امنیتی و انتظامی قرار می‌گیرند. لذا ما جمع کثیری از زندانیان سیاسی محبوس در زندانهای مختلف ایران تصمیم گرفتیم به موج اعدامها و سرکوبها در شهرهای مختلف اعتراض کنیم و تنها وسیله اعتراض ما نسبت به‌جنایتهای این رژیم اعتصاب غذا است. هدف از این اعتصاب غذا مورد توجه قراردادن شرایط وحشتناک حاکم بر ملت ستمدیده ایران است.

زندانیان سیاسی سراسر کشور خواستهای خود را با عنوان «خواست تمامی ملت بزرگ ایران» به این شرح اعلام کردند:

۱ـ پایان‌دادن به اعدامهای جمعی در معابر عمومی شهرها و لغو حکم اعدام در ایران برای همیشه

۲ـ پایان دادن به شکنجه‌های جسمی و روحی و حملات سازمانیافته علیه ما زندانیان سیاسی در سراسر ایران. در هفته‌های اخیر شاهد حملاتی علیه زندانیان سیاسی در زندان گوهردشت بودیم. حمله به افشین بایمانی و بهروز جاوید، تهرانی در بهداری گوهردشت منجر به پارگی عمیق شکم آقای بایمانی گردید، بعد از آن مجدداً بایمانی مورد هجوم مسئولین زندان قرار گرفت که باعث شکستگی بینی وی شد. مسئولین زندانها از رعایت حداقل حقوق انسانی زندانیان سیاسی خودداری می‌کنند و قوانین قرون‌وسطی را بر این زندانها حاکم کرده‌اند. خانواده‌های ما تحت فشارها و تهدیدات و اهانتها و محدودیتهای وزارت اطلاعات و دادگاههای انقلاب و زندانیان هنگام ملاقات با ما قرار دارند.

۳ـ ما از حقوق به حق تمامی کارگران کشورمان و به‌خصوص کارگران نیشکر هفت‌تپه حمایت می‌کنیم، و مورد ضرب وشتم قرار دادن آنها را محکوم می‌نماییم.

٤ـ ما خواستار پایان‌دادن به‌سرکوب و دستگیری فعالان دانشجویی، کارگری، حقوق بشری، زنان، و تمامی آحاد ملت ایران که از سوی حکومت منزوی ملایان اعمال می‌شود هستیم.

دژخیمان رژیم در زندان گوهردشت به زندانیانی که در اعتصاب غذا بودند وحشیانه حمله کردند

بنا به گزارشهای دریافتی دژخیمان رژیم آخوندی در زندان گوهردشت کرج، به زندانیان سیاسی که در اعتصاب غذا بهسر می‌برند، وحشیانه حمله کرده و آنها را مورد ضرب و شتم قرار دادند.

این جنایت روز چهارشنبه ۱۸مهر، ساعاتی پس از آغاز اعتصاب غذای سراسری زندانیان سیاسی توسط مأموران حفاظت زندان صورت گرفت. دستور این حمله توسط دژخیم حسن زارع دهنوی معروف به قاضی حداد که مسئول پرونده زندانیان سیاسی است صادر شد و تحت نظارت رئیس زندان، معاونین وی و رئیس بند که جلادی بنام محمد مغنیان است، عملی گردید و پاسداری بنام ناصر امانیان این یورش وحشیانه را فرماندهی می‌کرد.

دژخیمان در جریان این حمله اندک امکانات و وسائل زندانیان سیاسی را تخریب و یادداشتهای آنان را ضبط کردند و شیشه بند را شکستند.

هدف از این حمله انتقام‌گرفتن از زندان سیاسی به‌خاطر شرکت در اعتصاب غذای سراسری و وادارکردن آنها به‌شکستن این اعتصاب بود.

همچنین براساس گزارشی که از ارومیه رسیده، جلادان رژیم ۲تن از زندانیان زندان مرکزی ارومیه را که در اعتصاب غذا بهسر می‌برند مورد ضرب و شتم قرار داده و آنها را به‌سلول انفرادی منتقل کرده‌اند.

از زندان اصفهان هم خبر می‌رسد که دژخیمان، زندانیان سیاسی را به‌خاطر شرکت در اعتصاب غذا تحت انواع فشارها قرار داده‌اند. اخباری از شیوع ناگهانی یک بیماری ویروسی در بندهای مختلف این زندان می‌رسد که به انتقال چند تن از زندانیان به بهداری زندان منجر شده است.

زندانیان در زندان اوین با شکنجه‌گران و دژخیمان درگیر شدند

روز ۲۱مهر، زندانیان زندان اوین با شکنجه‌گران و دژخیمان این زندان درگیر شدند.

به‌دنبال یورش وحشیانه دژخیمان زندان اوین و ضرب و شتم یک زندانی ساکن‌خورده، زندانیان در حمایت از این زندانی با دژخیمان درگیرشدند.

ضرب و شتم این زندانی ساکن‌خورده منجربه آسیب‌دیدگی شدید دست و پا و کمر وی شد که همین امر خشم زندانیان را برانگیخت.

گزارشها حاکی است در این درگیری، چهار تن از زندانیان مجروح و به بهداری منتقل شدند و شش تن دیگر نیز ، به بند انفرادی ۲٤۰زندان اوین منتقل گردیدند.

«ایـران آخونـدها: سرزمیـن وحشت»

کنفرانس مطبوعاتی کمیته پارلمانی بریتانیایی ایران آزاد

بیش از ۱۵۰نماینده از هر دو مجلس عوام و اعیان انگلستان در بیانیه‌یی از فراخوان خانم مریم رجوی رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت ایران برای توقف موج اعدامها در ایران حمایت کردند

این بیانیه در یک کنفرانس مطبوعاتی به‌مناسبت «روز جهانی علیه اعدام» که از سوی کمیته پارلمانی بریتانیایی برای آزادی ایران در یکی از سالنهای رسمی پارلمان انگلستان برگزار شد، اعلام گردید

از راست: لرد دالاکیا، برایان بینلی، باروننس ترنر، مهرافروز پیکرنگار، اندرو مکینلی، راجر گیل، لرد وادینگتون، آزاده ضابطی، هنری بیلینگهام

صبح روز چهارشنبه ۱۸مهر برابر با ۱۰اکتبر روز جهانی علیه اعدام، از سوی کمیته پارلمانی بریتانیایی ایران آزاد یک کنفرانس مطبوعاتی تحت‌عنوان «ایران سرزمین وحشت» در یکی از سالهای رسمی پارلمان انگلستان برگزار شد. در این جلسه که ریاست آن‌را آقای اندرو مکینلی از اعضای ارشد کمیسیون خارجی مجلس عوام انگلستان بر عهده داشت، تعدادی از نمایندگان از هر سه حزب اصلی انگلستان و از هر دو مجلس عوام و اعیان و همچنین خانم مهر افروز پیکرنگار از اعضای کمیسیون خارجه شورای ملی مقاومت ایران به سخنرانی پرداختند.

در این جلسه بیانیه بیش از ۱۵۰نماینده از مجلسین انگلستان در حمایت از فراخوان خانم مریم رجوی رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت علیه نقض حقوق‌بشر در ایران و برای توقف موج اعدامها در ایران، اعلام گردید.

در این بیانیه از جامعه بین‌المللی خواست‌شده تا نقض حقوق‌بشر توسط رژیم ملایان حاکم بر ایران را در سازمان ملل متحد محکوم کنند و ادامه روابط سیاسی و اقتصادی با آن‌را مشروط به بهبودی وضعیت حقوق‌بشر نمایند.

این بیانیه هم‌چنین از سازمان ملل و شورای حقوق‌بشر این سازمان خواسته است تا لزومهای کمیته پارلمانی بریتانیایی برای آزادی ایران گفتند که سیاست استمالت اتحادیه اروپا با رژیم تهران، آخوندها را برای نقض مکرر قطعنامه‌های شورای امنیت بر سر برنامه مخفی هسته‌یی و انجام اعدامهای جمعی به‌عنوان بخشی از سرکوب مخالفان سیاسی در جامعه که در تاریخ اخیر بی‌سابقه بوده است، جری کرده است.

کلیپهای ویدئویی شوکه‌کننده از وحشیگری پلیس و اعدامهای علنی در ایران که اخیرا توسط هواداران گروه اصلی مقاومت ایران، سازمان مجاهدین خلق ایران مخفیانه خارج شده است برای اولین بار در این جلسه نشان داده شد.

اندرو مکینلی، نماینده پارلمان از حزب کارگر به کنفرانس گفت: «اکنون ۶۰۰زندانی سیاسی در معرض تهدید اعدام در ایران قرار دارند. ۱۵۰پارلمانتر و ما انتظار داریم و از دولتمان و نمایندگان انگلستان در سازمان ملل متحد در نیویورک می‌خواهیم توجهات عمومی را به این اعدامها جلب کنند». او اعدام گسترده ۳۰۰۰۰ عضو و هوادار مجاهدین توسط رژیم در سال۱۹۸۹ را به‌عنوان نسل‌کشی توصیف کرد.

راجر گیل، نماینده محافظه‌کار گفت: «مذاکره با رژیم ایران بی‌معنی است» و افزود مقاومت ایران در پارلمان از حمایت چند حزبی برخوردار است. او ممنوعیت مجاهدین در انگلستان را غیرقانونی خواند.

برایان بینلی نماینده محافظه‌کار گفت: «در زمینه اعدام و شکنجه، رژیم ایران در ماههای اخیر حتی از آن‌چه که تاکنون می‌کرده فراتر رفته». او از دولت خواست از فعالیتهای مجاهدین حمایت کند و گفت تنها هدف این گروه برقراری یک ایران آزاد و دموکراتیک است.

وی افزود: «۱۵۰نماینده بیانیه‌یی را امضا کرده‌اند که از دولت انگلیس و اتحادیه اروپا می‌خواهد با مقاومت ایران و رئیس‌جمهور منتخبش خانم مریم رجوی مذاکره کند و در عین حال علیه رژیم تهران مجازات اعمال کند».

وزیر کشور محافظه‌کار سابق عالیجناب لرد وادینگتون در جلسه گفت: «به یک تغییر بنیادین در ایران نیاز است تا ما را از رژیمی که تهدیدی برای صلح جهانی است خلاص کند... پرداشتن محدودیتهای فعلی از روی مجاهدین برای صلح جهانی از پایه‌های اساسی است».

لرد وادینگتون گفت: «زنان تحت سرکوب ایران از کار قرار دهند.

در این بیانیه نمایندگان اعلام کردند با توجه به این که رژیم ایران، ۵۳قطعنامه ارگانهای مختلف سازمان ملل متحد در محکومیت نقض حقوق‌بشر را نادیده گرفته، باید پرونده جنایات این رژیم را برای اتخاذ تصمیمات لازم‌الاجرا به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع داد.

آندرو مکینلی عضو ارشد کمیسیون خارجی مجلس عوام انگلستان گفت: ما با امضای این بیانیه، از انگلستان و نمایندگانش در ملل متحد در نیویورک می‌خواهیم اقدامات قاطع علیه رژیم ایران اتخاذ کنند.

اندرو مکینلی: اگر دولت انگلستان خواهان صلح درخاورمیانه است باید از مخالفان شجاعی که در مقابل این رژیم ایستاده‌اند،حمایت کند

آندرو مکینلی، عضو ارشد کمیسیون خارجه مجلس عوام که ریاست جلسه را به عهده داشت خطاب به حاضران گفت: امروز ۱۰اکتبر، روز جهانی علیه اعدام است.ما در این‌جا گرد آمده‌ایم که از دولت انگلستان و اتحادیه اروپا و ملل متحد بخواهیم روی رژیم دیکتاتوری آخوندی فشار بگذارند. نقض حقوق‌بشر در ایران روی دیگر سکه صدور تروریسم و بنیادگرایی این رژیم در خاورمیانه است. ما به دولت انگلستان اعلام می‌کنیم اگر خواهان صلح در خاورمیانه است باید از مخالفان شجاعی که در مقابل این رژیم ایستاده‌اند حمایت کند. ما هم‌چنین به دولت انگلستان یادآوری می‌کنیم که این رژیم در یک اقدام هولناک بیش ۳۰هزارنفر را در ایران قتل‌عام کرده است و این اعدامها یک نسل‌کشی بیرحمانه محسوب می‌شود که در سالهای بعد هم‌چنان ادامه داشته و دارد.

راجر گیل: هیچ‌گونه دیالوگی با این رژیم امکانپذیرنیست

راجر گیل نماینده مجلس عوام از حزب محافظه‌کار انگلستان سخنران بعدی کنفرانس مطبوعاتی لندن، سیاست استمالت در قبال فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران را محکوم کرد و اظهار داشت هیچ‌گونه دیالوگی با این رژیم امکانپذیر نیست.

وی به حمایت گسترده از مقاومت ایران و مجاهدین در هر دو مجلس عوام و اعیان انگلستان اشاره نمود و خواهان خارج ساختن نام سازمان مجاهدین خلق ایران از لیست تروریستی شد.

برایان بینلی: از دولت انگلستان می‌خواهم که در فرستادن یک پیام قوی به رژیم ایران پیشقدم شود و نام مجاهدین را از لیست سازمانهای تروریستی حذف کند

برایان بینلی، عضو مجلس عوام از حزب محافظه‌کار انگلستان سخنران بعدی این کنفرانس در سخنان خود اظهار داشت: رژیم ایران حتی در مقایسه با استانداردهای سرکوبگرانه خودش مرزهای جدیدی را در نوردیده است و در چنین مرحله حساسی از تاریخ ایران و رویارویی این رژیم با جامعه بین‌المللی چه در زمینه اتمی، چه در زمینه تروریسم، نباید رنج و محنتی را که ملت ایران هر روزه متحمل می‌شوند، فراموش کرد.

وی در بخش دیگری از سخنان خود اظهار داشت: «من از دولت انگلستان می‌خواهم در فرستادن یک پیام قوی به رژیم ایران پیشقدم شود و در این مسیر، اولین گام حذف بلادرنگ نام سازمان مجاهدین خلق ایران از لیست سازمانهای تروریستی می‌باشد. سازمانی که تنها هدفش برقراری دموکراسی و آزادی در ایران است».

لرد وادینگتون: ایرانیان از این‌که قهرمانی مانند خانم رجوی دارند سربلند هستند و ما باید هرچه توان داریم در حمایت از ایشان انجام دهیم

لرد وادینگتون، نماینده مجلس اعیان از حزب محافظه‌کار و وزیر کشور سابق انگلستان در سخنان خود گفت: در ایران باید تغییرات بنیادین صورت گیرد و جهان از شر رژیم حاکم که تهدیدی برای صلح جهانی است رها شود. رفع ممنوعیت از سازمان مجاهدین از پایه‌های این تغییر می‌باشد.

وی سپس به نقش بی‌بدیل خانم مریم رجوی در هدایت جنبش مقاومت ایران اشاره کرد و گفت ایرانیان و به‌خصوص زنان ایران از این‌که قهرمانی مانند خانم رجوی دارند احساس سربلندی می‌کنند. او قهرمان آزادی مردم ایران است و ما باید هر چه در توان داریم ؛ در حمایت از ایشان انجام دهیم.

هنری بلینگهام: برچسب تروریستی به سازمان مجاهدین بی‌اعتبار است

هنری بلینگهام، نماینده مجلس عوام انگلستان ضمن اشاره به تظاهرات و اعتراضات اخیر اقشار مردم در ایران گفت ادامه این اعتراضات بیانگر شجاعت مردم ایران است.

وی ضمن بی‌اعتبار دانستن برچسب تروریستی به سازمان مجاهدین خلق ایران خواهان حذف این برچسب گردید.

باروننس ترنر: تروریستهای واقعی حاکمان تهران می‌باشند

باروننس ترنر نماینده مجلس اعیان از حزب کارگر و از معاونین سابق این مجلس ضمن محکوم‌نمودن نقض وحشیانه حقوق‌بشر در ایران و به‌خصوص سرکوب زنان گفت: در ایران حقوقی برای زنان وجود ندارد. متأسفانه در مورد نقض حقوق‌بشر در ایران در مطبوعات ما کمتر صحبت می‌شود.

باروننس ترنر قراردادن نام سازمان مجاهدین در لیست سازمانهای تروریستی را اقدامی اشتباه خواند و گفت تروریستهای واقعی حاکمان تهران هستند.

وی مقاومت و پایداری مردم ایران در برابر رژیم ضدبشری حاکم برایران را ستود و گفت ما باید به هر شکل که می‌توانیم از آنها حمایت کنیم.

لرد دالاکیا: به جنایات سران رژیم ایران باید در یک دادگاه بین‌المللی رسیدگی شود

لرد دالاکیا، معاون حزب لیبرال دموکرات در مجلس اعیان با نمایش فیلمی از اعدامهای وحشیانه در ایران گفت فیلمی که مشاهده کردیم بسیار شوکه‌کننده بود و من حمایت کامل خود را از کلیه فعالیتهایی که مقاومت ایران انجام می‌دهد اعلام می‌کنم. من معتقدم هیچ حکومت دموکراتیکی در جهان نباید با رژیمی که چنین رفتار خشونت‌باری را انجام می‌دهد رابطه داشته باشد. ما هرگز نباید با این رژیم دیکتاتوری که فاقد مشروعیت مردمی است مذاکره کنیم.

لرد دالاکیا هم‌چنین حمایت خود را از اعمال تحریمهای همه جانبه علیه رژیم آخوندی اعلام کرد واظهار داشت باید به جنایات سران رژیم ایران در یک دادگاه بین‌المللی رسیدگی شود.

مهرافروز پیکرنگار: سیاست استمالت غرب رژیم ایران را در سرکوب و صدور تروریسم و بنیادگرایی تشویق می‌کند

در ادامه کنفرانس مطبوعاتی انگلستان خانم مهرافروز پیکرنگار از اعضای کمیسیون خارجه شورای ملی مقاومت ایران طی سخنانی با اشاره به فیلمی که از اعدامهای وحشیانه در ایران نشان داده شد، گفت: آن‌چه ما در این فیلم مشاهده کردیم تنها نمونه بسیار کوچکی است از نقض حقوق‌بشر که در ایران تحت حاکمیت ملایان در جریان است. در حقیقت سیاست استمالت غرب، رژیم حاکم بر ایران را در سرکوب مردم ایران و صدور ترکیب مرگبار تروریسم و بنیادگرایی اسلامی به خاورمیانه تشویق نموده است. ما در شورای ملی مقاومت ایران از دولت انگلستان و سایر دولتهای اتحادیه اروپا خواهان ارجاع پرونده نقض حقوق‌بشر توسط این رژیم به شورای امنیت سازمان ملل متحد هستیم.

آخرین سخنران این کنفرانس خانم آزاده ضابطی از سخنران و کلای ایرانی بود که در سخنان خود به سرکوب زنان تحت حاکمیت رژیم آخوندی در مهیمنان اشاره نمود.

در پایان کنفرانس مطبوعاتی لندن، لرد وادینگتون یکبار دیگر بر حمایت کامل نمایندگان مجلسین عوام و اعیان انگلستان از مقاومت مردم ایران و رئیس‌جمهور

العرب: فراخوان پارلمانترهای بریتانیایی علیه رژیم ایران

العرب آنلاین: ۱۹مهر۸۶: یک گروه فراحزبی از قانونگذاران انگلیسی از هر دو مجلس، روز چهارشنبه نقض سیستماتیک حقوق‌بشر توسط رژیم ایران را محکوم کرده و از دولت انگلستان و اتحادیه اروپا خواستار اعمال تحریمهای جامع علیه رژیم تهران شدند. آنان بیانیه امضاشده بیش از ۱۵۰نماینده مجلس را در معرض دید عموم قرار دادند.

در یک کنفرانس مطبوعاتی در پارلمان به‌مناسبت روز جهانی علیه مجازات اعدام، نمایندگان و لردهای کمیته پارلمانی بریتانیایی برای آزادی ایران گفتند که سیاست استمالت اتحادیه اروپا با رژیم تهران، آخوندها را برای نقض مکرر قطعنامه‌های شورای امنیت بر سر برنامه مخفی هسته‌یی و انجام اعدامهای جمعی به‌عنوان بخشی از سرکوب مخالفان سیاسی در جامعه که در تاریخ اخیر بی‌سابقه بوده است، جری کرده است.

کلیپهای ویدئویی شوکه‌کننده از وحشیگری پلیس و اعدامهای علنی در ایران که اخیرا توسط هواداران گروه اصلی مقاومت ایران، سازمان مجاهدین خلق ایران مخفیانه خارج شده است برای اولین بار در این جلسه نشان داده شد.

اندرو مکینلی، نماینده پارلمان از حزب کارگر به کنفرانس گفت: «اکنون ۶۰۰زندانی سیاسی در معرض تهدید اعدام در ایران قرار دارند. ۱۵۰پارلمانتر و ما انتظار داریم و از دولتمان و نمایندگان انگلستان در سازمان ملل متحد در نیویورک می‌خواهیم توجهات عمومی را به این اعدامها جلب کنند». او اعدام گسترده ۳۰۰۰۰ عضو و هوادار مجاهدین توسط رژیم در سال۱۹۸۹ را به‌عنوان نسل‌کشی توصیف کرد.

راجر گیل، نماینده محافظه‌کار گفت: «مذاکره با رژیم ایران بی‌معنی است» و افزود مقاومت ایران در پارلمان از حمایت چند حزبی برخوردار است. او ممنوعیت مجاهدین در انگلستان را غیرقانونی خواند.

برایان بینلی نماینده محافظه‌کار گفت: «در زمینه اعدام و شکنجه، رژیم ایران در ماههای اخیر حتی از آن‌چه که تاکنون می‌کرده فراتر رفته». او از دولت خواست از فعالیتهای مجاهدین حمایت کند و گفت تنها هدف این گروه برقراری یک ایران آزاد و دموکراتیک است.

وی افزود: «۱۵۰نماینده بیانیه‌یی را امضا کرده‌اند که از دولت انگلیس و اتحادیه اروپا می‌خواهد با مقاومت ایران و رئیس‌جمهور منتخبش خانم مریم رجوی مذاکره کند و در عین حال علیه رژیم تهران مجازات اعمال کند».

وزیر کشور محافظه‌کار سابق عالیجناب لرد وادینگتون در جلسه گفت: «به یک تغییر بنیادین در ایران نیاز است تا ما را از رژیمی که تهدیدی برای صلح جهانی است خلاص کند... پرداشتن محدودیتهای فعلی از روی مجاهدین برای صلح جهانی از پایه‌های اساسی است».

لرد وادینگتون گفت: «زنان تحت سرکوب ایران از این‌که قهرمانی مانند خانم رجوی را دارند دلگرم می‌شوند. ... خانم رجوی یک قهرمان واقعی مردم ایران است. ما باید از ایشان به‌طور تمام عیار حمایت کنیم».

هنری بلینگهام نماینده محافظه‌کار گفت: «تظاهرات دانشجویان در ایران در زمانی که رژیم مخالفان را اعدام می‌کند بیانگر شهامت و شجاعت آنهاست». او خواستار حذف نام مجاهدین از لیست سازمانهای ممنوعه شد.

خانم مهرافروز پیکرنگار، عضو کمیسیون خارجه شورای ملی مقاومت ایران گفت: به اعتقاد ما زمان آن رسیده شورای حقوق‌بشر سازمان ملل یک گزارشگر ویژه برای نظارت‌بر نقض سیستماتیک حقوق‌بشر در ایران منصوب کند. ما هم‌چنین از اتحادیه اروپا می‌خواهیم پرونده حقوق‌بشر تهران را برای اعمال اقدامات لازم‌الاجرا علیه رژیم به شورای امنیت ارجاع دهد».

خانم پیکرنگار در توضیح انتخاب راههایی که جامعه جهانی برای مقابله با تهدیدات رژیم برای صلح جهانی پیش‌رو دارد گفت «نه استمالت از رژیم نه دخالت نظامی خارجی راه‌حل بحران ایران نیست. جامعه جهانی انتخاب سومی دارد: تغییر دموکراتیک در ایران توسط مردم ایران و مقاومتشان».

باروننس ترنر با تهاجم به رژیم تهران به‌خاطر سرکوب زنان گفت: «در ایران حقوق زنان وجود ندارد. غیرقابل قبول است که دولت ما مجاهدین را یک سازمان تروریستی بداند در حالی که تروریستهای واقعی در ایران هستند».

لرد دالاکیا، معاون حزب لیبرال دموکرات در مجلس اعیان گفت عمیقاً از نمایش فیلم اعدامها در ایران متأثر شده است.

او گفت: «هیچ دولت دموکراتیکی هرگز نباید از رژیمی با چنین وحشیگری استمالت کند. ما هرگز نباید با یک دیکتاتوری مذاکره کنیم. چون یک دیکتاتوری نماینده مردمش نیست و اتحادیه اروپا باید مجازاتهای اقتصادی علیه رژیم اعمال کند».

وی هم‌چنین گفت من یک تقاضا دارم. باید یک دادگاه بین‌المللی جنگی تشکیل شود و عدالت را در مورد کسانی که این جنایات را مرتکب شده‌اند به‌اجرا در آورد.

سایر شرکت‌کنندگان شامل آقای دیوید درو (نماینده حزب کارگر از استراود) و خانم آزاده ضابطی، رئیس مشترک کمیته ایرانی ـ بریتانیایی وکلا بودند. خانم ضابطی گفت: اگر زمانی مذاکره سازنده، یک انتخاب معتبر سیاسی محسوب می‌شد حالا یک مضحکه است. این سیاست شکست خورده جان انسانها را گرفته و می‌گیرد. مردم ایران با خونشان بهای بی‌عملی جامعه بین‌المللی را پرداخت می‌کنند.سخنرانان گفتند علاوه بر اقدام سازمان ملل متحد برای برنامه غیرقانونی غنی‌سازی اورانیوم تهران، انگلستان و اتحادیه اروپا باید پرونده حقوق‌بشر تهران را به شورای امنیت برای اعمال مجازاتهای جامع علیه رژیم ارجاع دهند.

سارکوزی: هیچ کس نباید جدیت فرانسه را بر سر تحریم رژیم ایـران زیر سؤال ببرد

نیکولا سارکوزی، رئیس‌جمهور فرانسه، خواستار اعمال تحریمهای شدیدتر علیه رژیم ایران شد، و تأکید کرد: «من در مورد چنین موضوع جدی سازش نخواهم کرد». وی که با روزنامه روسیسکایا گازتا، روزنامه رسمی روسیه مصاحبه می‌کرد، گفت: «میان تسلیم و جنگ ـ دو کلمه‌یی که متعلق به لغتنامه من نیست ـ یک رفتار مسئولانه وجود دارد و آن افزایش تحریمها، برای آوردن رژیم ایران سرعقل می‌باشد... هیچ کس نباید جدیت و قاطعیت فرانسه را بر سر این مسأله زیر سؤال ببرد».

خبرگزاری رویتر در روز ۱۶مهر۸۶، درباره این موضعگیری رئیس‌جمهور فرانسه، نوشت: «سارکوزی قبل از دیدار با پوتین، سخنانی قوی در قبال رژیم ایران ایراد کرد».

خبرگزاری فرانسه نیز در همین روز این موضعگیری را با عنوان «سارکوزی در آستانه بازدید از روسیه، خواهان تحریمهای بیشتر علیه رژیم ایران شد»، منتشر کرد.

وزیر خارجه فرانسه: ما می‌خواهیم مراکز کلیدی اقتصادی و مالی رژیم را هدف قرار بدهیم

برنارد کوشنر، وزیر امور خارجه فرانسه، با تأکیدبر این که تاکنون سه قطعنامه شورای امنیت علیه رژیم ایران، «به هیچ جایی راه نبرده‌اند»، خواهان اتخاذ اقدامات سخت‌تری علیه این رژیم شد و گفت: «ما می‌خواهیم مراکز کلیدی اقتصادی و مالی رژیم را هدف قرار بدهیم، نه مردم ایران را».

وزیر امور خارجه فرانسه در پاسخ به پرسش دیگری، گفت: «ما در اجلاس شورای امنیت به‌یمن حمایت فعال فرانسه، اتحاد گروه شش را حفظ کردیم، آلمان، انگلستان، فرانسه، روسیه، چین و آمریکا، به‌طور هماهنگ عمل می‌کنند. مسأله کلیدی این است که آیا ما باید تلاشهای سازمان ملل را با تحریمهای بیشتر اروپایی تکمیل کنیم یا خیر؟ در نیویورک، فرانک والتر اشتاین مایر، کاندولیزا رایس، دیوید میلی‌بند و خود من بر سر اقدامات تنبیهی مؤثرتر گفتگو کردیم.

خبرنگار اشپیگل در ادامه، پرسید: «آیا شما واقعاً گمان می‌کنید تحریمها از دستیابی رژیم ایران به تسلیحات هسته‌یی جلوگیری خواهند کرد؟» برنارد کوشنر، تأکید کرد: «مسلماً، سه قطعنامه شورای امنیت تاکنون به هیچ جایی راه نبرده‌اند و این دلیل بیشتری برای اتخاذ اقدامات سختتر می‌باشد. ما می‌خواهیم مراکز کلیدی اقتصادی و مالی رژیم را هدف قرار بدهیم، نه مردم ایران را. آیا تحریمها به تنهایی کافی خواهند بود؟ فکر نمی‌کنم. باید آنها را با پیشنهادهای سیاسی همراه کرد».

وی هم‌چنین درباره هشدار اخیر خود درباره احتمال وقوع جنگ علیه رژیم ایران، گفت: «من درک می‌کنم که این کلمه، آلمانها را نگران می‌سازد. اما نمی‌خواهم پشت ظرافتهای دیپلوماتیک پنهان شوم».

وزیر امور خارجه فرانسه در پاسخ به این پرسش که آیا ریسک اقدام نظامی یکجانبه آمریکا علیه رژیم ایران وجود دارد، گفت: «بسیاری گمان می‌کنند این، امکانپذیر است... البته ما به یک راه‌حل سیاسی نیاز داریم و نه نظامی».(سایت اشپیگل ۱۶مهر۸۶).

نزدیک شدن مواضع فرانسه و روسیه بر سر رژیم ایران

نیکولا سارکوزی، رئیس‌جمهور فرانسه، بعد از دیدار با ولادیمیر پوتین همتای روسی خود در مسکو اعلام کرد مواضع دو کشور در قبال رژیم ایران به‌هم نزدیکتر شده است.

سارکوزی در اولین سفرش به روسیه از زمان کسب سمت ریاست‌جمهوری، با اشاره به رژیم ایران، به خبرنگاران گفت: «مواضع ما بسیار به هم نزدیکتر شده».

به گفته رئیس‌جمهور فرانسه دو طرف بر سر مسأله رژیم ایران، «همگرایی‌هایی بسیاری» دارند.

خبرگزاری آسوشیتدپرس در روز ۱۸مهر در این باره گزارش داد: «نیکولا سارکوزی رئیس‌جمهور فرانسه که در پی افزایش فشار بر روی رژیم ایران است گفت که بر اختلافات با ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه بر سر چگونگی پاسخ به فعالیتهای هسته‌یی رژیم تهران فائق آمده است».

خبرگزاری فرانسه نیز در همین روز گزارش کرد: «ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه و نیکولا سارکوزی، طی اولین گفتگوی خود، یخ موجود در روابط طرفین را شکستند. رئیس‌جمهور فرانسه گفت که آنها در حل و فصل اختلافاتشان بر سر رژیم ایران و کوزوو پیشرفت داشته‌اند».

اقدامات دیوانه‌وار رژیم آخوندی در واکنش به سیاست جدید فرانسه

رژیم آخوندی از فرط غیظ نسبت به سیاست جدید فرانسه علیه تسلیح هسته‌یی و دخالتهای رژیم در عراق، اعلام کرد: نمایشگاه همدستی فرانسه در جنایات صدام را برگزار می‌کند.

خبرگزاری رسمی رژیم در روز ۱۶مهر۸۶، نوشت: «برپایی این نمایشگاه، واکنشی به اظهارات مقامهای فرانسوی در روزهای گذشته است و در این نمایشگاه اسناد، مدارک، عکس و فیلم از شرکتهای فرانسوی درجنایات صدام نمایش داده می‌شود... این اسناد نشان می‌دهد که فرانسه در کشتار مردم بی‌دفاع شهرهای ایران نقش داشته و در اواسط جنگ با در اختیار نهادن ۱۳سکوی متحرک موشک‌انداز در به خاک و خون کشیدن زنان و کودکان ایرانی در جنگ شهرها همدست صدام بوده و بیش از یک دهه با تسلیح صدام به انواع سلاحهای کشتار جمعی، زمینه جنگ‌افروزی و حیات صدام را فراهم کرده است».

ولی‌فقیه ارتجاع در خبرگزاری رسمی خود هم‌چنین به‌طور ناگهانی به یادآورده است: «صاحبان شرکتهای بزرگ فرانسوی به ویژه شرکتهای نفتی و تسلیحاتی این کشور از معاملات وسیع با صدام، سودهای سرشاری بردند. این شرکتهای فرانسوی ازجمله تأمین‌کنندگان مالی نیکولا سارکوزی در جریان انتخابات ریاست‌جمهوری اخیر فرانسه بوده‌اند»!

رژیم آخوندی در این خبر هیچ اشاره‌یی به معاملات خود با توتال و رشوه‌های کلان ۴۰میلیون دلاری به‌رفسنجانی و پسران که اخیراً در جریان تحقیقات قضایی در فرانسه فاش شد، ننمود.

رهنمود سخنگوی مجاهدین به‌ولی‌فقیه ارتجاع

سخنگوی دفتر اروپایی مجاهدین در اسلو، ترفند ولی‌فقیه علیل‌الفکر ارتجاع را در مقابله نمایشگاهی! با فرانسه، به سخره گرفت و به سیدعلی خامنه‌ای رهنمود داد: از آن‌جا که کشورهای اتحادیه اروپا و آمریکا و آفریقا و آسیا و اقیانوسیه، دیر یا زود ممکن است به‌اظهارات‌ی علیه رژیم مبادرت کنند، به‌خاطر مصالح نظام، به تعداد اعضای مجمع عمومی ملل متحد و یا لااقل به تعداد اعضای شورای امنیت، بایستی از این نمایشگاهها، حاضر و آماده داشته باشد تا عندالاحتیاج، از همدستیهای آنها در جریان جنگ ضدمیهنی در صحن مجلس ارتجاع یا بر سر قبر خمینی، پرده‌برداری شود!

سخنگوی مجاهدین هم‌چنین به سیدعلی روضه‌خوان گفت: باید یک سریال پاسدارپسند تلویزیونی هم در باره همدستیهای فرانسه و صدام ساخته شود و با شعار «مرگ بر منافقین و فرانسه» در جمعه بازارهای نظام به نمایش درآید.

دیک آرمی، رهبر سابق اکثریت کنگره آمریکا گنجاندن نام مجاهدین در لیست تروریستی را «دیوانگی» نامید

دیک آرمی رهبر سابق اکثریت کنگره آمریکا در مصاحبه‌یی با تلویزیون سی.ان.ان، گنجاندن نام مجاهدین در لیست تروریستی را «دیوانگی» نامید و خواستار پایان‌دادن به این نامگذاری شد.

مجری تلویزیون سی.ان.ان از دیک آرمی پرسید: آیا راه‌حل آن‌گونه که سناتور جان مک کین می‌گوید جنگ است.

دیک آرمی رهبر اکثریت کنگره آمریکا در سال۲۰۰۳ پاسخ داد: نخیر، فکر نمی‌کنم مردم آمریکا خواهان شنیدن چنین چیزی باشند. من هم خواهان شنیدن آن نیستم. همه گزینه‌ها در رابطه با رژیم ایران روی میز است.

آن‌گاه رهبر سابق اکثریت کنگره آمریکا به مجاهدین مستقر در شهر اشرف اشاره کرد و گفت: مخالفان ایرانی در قرارگاهی در شمال عراق مستقر هستند که افراد حفاظت شده می‌باشند. ما آنها را در لیست سازمانهای تروریستی قرار دادهایم.

مجری تلویزیون سی.ان.ان گفت: منظورتان مجاهدین است؟

دیک آرمی پاسخ داد: بله، کاری که در مورد آنها صورت گرفته دیوانگی است.... مجاهدین بهترین کسانی هستند که می‌توانند مردم ایران را از فرصتهای دستیابی به آزادی برخوردار کنند. اما ما یک چنین نیرویی را محدود ساخته‌ایم.

سازمان بین‌المللی «گروه عملیاتی اقدام مالی» نسبت به پولشویی و تأمین مالی تروریسم توسط رژیم ایران ابراز نگرانی کرد

سازمان بین‌المللی معروف به «گروه عملیاتی اقدام مالی» (FATF) که مرکز آن در پاریس است، نسبت به پولشویی و تأمین مالی تروریسم توسط رژیم ایران ابراز نگرانی کرد و اعلام نمود: این امر سیستم مالی بین‌المللی را به‌نحو قابل توجهی آسیب‌پذیر می‌کند.

هدف این سازمان بین‌المللی که ۳۴عضو دارد، توسعه و ترویج سیاستها، در سطح ملی و بین‌المللی، برای مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم است. اعضای آن ازجمله عبارتند از: آمریکا، فرانسه، انگلستان، آلمان، چین، ایتالیا، ژاپن، روسیه، سوئیس، کمیسیون اروپا و شورای همکاری خلیج فارس.

در بیانیه‌یی که توسط این سازمان منتشر شد، از رژیم ایران خواسته شده تا فوراً به نگرانیهایی که در زمینه پولشویی و تأمین مالی تروریسم وجود دارد پاسخ بدهد.

اعضای سازمان مذکور هم‌چنین به مؤسسه‌های مالی خود توصیه می‌کنند تا به‌منظور افزایش دقت در کار، ریسک ناشی از پولشویی و مبارزه با تأمین مالی تروریسم در ایران را مد نظر قرار دهند».

خبرگزاری آسوشیتدپرس در روز ۱۹مهر۸۶، طی گزارشی، تصریح کرد: «این گروه که تعیین‌کننده استانداردهای بین‌المللی در زمینه پولشویی و مسائل مالی ضد تروریسم است، با رژیم ایران و چند کشور دیگر تماس گرفته و نگرانی خود را در این زمینه ابراز کرده است. ریک مک دانل دبیر اجرایی «گروه عملیاتی اقدام مالی» گفت که سایر کشورها به این نگرانیها پاسخ داده‌اند؛ اما رژیم ایران به آنها پاسخ نداده». وی افزود: «گروه عملیاتی اقدام مالی مستمراً تلاش کرده تا با رژیم ایران رو به‌رو شود... تاکنون این امر غیر ممکن بوده است... و در چنین شرایطی و با توجه به تهدیدات موجود، ما گزینه‌یی جز ابراز علنی نگرانیهایمان نداریم».

به مناسبت ۱۰اکتبر روز جهانی لغو حکم اعدام

سلسله تظاهرات اعتراضی هموطنان در شهرهای مختلف اروپا و کانادا، آمریکا و استرالیا علیه اعدامهای بی‌وقفه در ایران

ایرانیان آزاده در روزهای ۱۴ تا ۱۸مهرماه۸۶ و به مناسبت روزجهانی لغو حکم اعدام در شهرهای استکهلم، بروس(سوئد) کپنهاگ و آرهوس(دانمارک)، لاهه (هلند)، کاسل (آلمان) بیرمنگهام (انگلستان)، سیدنی (استرالیا)، ونکوور (کانادا) و کالیفرنیا(آمریکا) علیه اعدامهای بی‌وقفه در ایران تجمعات اعتراضی برگزار کردند و جنایات وحشیانه در ایران را محکوم کردند.

استکهلم ـ سوئد

لاهه ـ هلند

کپنهاگ ـ دانمارک

لس‌آنجلس ـ آمریکا

بیرمنگهام ـ انگلستان

آرهوس ـ دانمارک

کاسل ـ آلمان

بروس ـ سوئد

سیدنی ـ استرالیا

ونکوور ـ کانادا

استکهلم

روز چهارشنبه ۱۸مهر برابر با ۱۰اکتبر، بنابه دعوت انجمنهای هوادارمجاهدین، ایرانیان آزاده در استکهلم در میدان سرگل گرد هم آمدند و اعدامهای بی‌وقفه در ایران را محکوم کردند وهمبستگی خود را با دانشجویان دلیردانشگاه تهران که باشعار مرگ بردیکتاتور در برابر احمدی نژاد ودیکتاتوری آخوندی به‌پا خاستند ابراز کردند.

هموطنان آزاده از فراخوانهای رئیس جمهور برگزیده مقاومت برای اتخاذ یک سیاست قاطع علیه حکومت آخوندی ونفی کامل سیاست شوم مماشات حمایت کردند و برخواست مبرم مردم ایران برای سرنگونی دیکتاتوری آخوندی و تغییر دموکراتیک بامریم رجوی تأکید کردند.

در این تجمع اعتراضی چندین صحنه از جنایات رژیم به نمایش درآمد و نمایشگاه‌عکسی از شهیدان و هم‌چنین قربانیان سرکوبهای خیابانی توسط رژیم آخوندی به‌تصویر کشیده شده بود. ازسوی تظاهرکنندگان هیأتی شامل اعضای خانواده‌های شهیدان و اعضای مقاومت به محل وزارت خارجه سوئد در استکهلم رفتند و مجموعه‌یی از اسناد جنایات آخوندها وخبرهای مربوط به سیاستهای ضد انسانی فاشیسم مذهبی را همراه با خواست مؤکد مردم ایران برای قطع هرگونه مماشات وهمکاری با این رژیم و محکوم کردن صریح جنایات آخوندها، به وزارت خارجه سوئد تسلیم کردند.

لاهه

در تجمع اعتراضی هموطنان در لاهه و در مقابل پارلمان هلند که در روز ۱۸مهر، ۱۰اکتبر برگزار شد، آقای فری ویفر از فعالان حقوق‌بشر و از مدافعان مقاومت ایران در سخنرانی خود موج اعدامها در ایران را توسط ملایان حاکم، محکوم کرد و خشم و انزجار خود را از صدور حکم اعدام تعدادی از نوجوانان زیر۱۸سال، ابراز داشت.

سخنران بعدی برنامه آقای یوهان فوکن از شخصیتهای مدافع حقوق‌بشر ضمن اشاره به آمار اعدامها توسط رژیم آخوندی و ابراز انزجار نسبت به آن گفت آمار اعدامی که اعلام می‌شود تنها بخش کوچکی از اعدامهای انجام شده توسط این رژیم است.

کپنهاگ

در تجمع اعتراضی ایرانیان آزاده در کپنهاگ، که در مقابل پارلمان دانمارک برگزار شد، هیأتی از سوی تظاهرکنندگان خواستهایشان را به پارلمان دانمارک ارائه داد.

آرهوس

در تجمع اعتراضی هموطنان در شهر آرهوس (دانمارک) در روز ۱۰اکتبر، روز جهانی علیه اعدام، شرکت‌کنندگان ضمن توزیع اطلاعیه‌هایی خواهان لغو فوری هرگونه اعدام و سنگسار شدند.

بروس

آکسیون اعتراضی ایرانیان آزاده در شهر بروس (سوئد) برای ششمین هفته در روز ۱۴مهر برگزار شد. در این تجمع اعتراضی، شرکت‌کنندگان موج اعدامهای اخیر در ایران را محکوم کردند.

ونکوور

روز جمعه ۱۴مهر هشتمین آکسیون اعتراضی علیه اعدامها در ایران توسط حامیان مقاومت در ونکوور برگزار شد. این آکسیون به مدت ۲ساعت در مرکز شهر ونکوور ادامه داشت.

بیرمنگهام

در تجمع اعتراضی هموطنان درشهر بیرمنگهام انگلستان آقای مالکوم فاولر عضو کمیته حقوق‌بشر کانون وکلای انگلستان ضمن محکوم‌کردن اعدامهای خیابانی در ایران، افکار عمومی جهان را به حمایت از مقاومت ایران فرا خواند. وی هم‌چنین از کشورهای اروپایی خواست تا مماشات با رژیم ایران را خاتمه دهند و تحریم جدی‌تری علیه حکومت آخوندی اعمال کنند.

کاسل

در شهر کاسل (آلمان) هموطنان علیه موج فزاینده اعدامها تجمع اعتراضی خود را روز ۱۴مهر در مرکز شهر برگزار کردند. در این تجمع اعتراضی، شرکت‌کنندگان عکسهای نکاندهنده‌یی از اعدامشدگان در دست داشتند و شعار می‌دادند «اعدامها در ایران را متوقف کنید»، «معامله با ایران را متوقف کنید».

سیدنی

درروز ۱۳مهر جمعی از ایرانیان آزاده و حامیان مقاومت ایران در شهر سیدنی استرالیا، به دعوت انجمن استرالیاییهای حامی دموکراسی در ایران، تجمع اعتراضی را در برابر دفتر وزارت امورخارجه استرالیا برگزار نمودند.

در این تجمع آقای سیروس سارنگ، مسئول کانون پناهندگان ایرانی در سیدنی در سخنان خود از دولت استرالیا خواست تا در نشست آتی کمیته سوم حقوق‌بشر سازمان ملل متحد پرونده ایران را به شورای امنیت ملل متحد برای نقض مستمر حقوق بشر ارجاع نمایند.

سپس آقای پیتر مورفی از سوی ائتلاف صلح و عدالت در سیدنی ضمن محکوم کردن نقض سیستماتیک جنایات رژیم ایران از دولت استرالیا و سازمانهای مدافع حقوق‌بشر خواست تا برای متوقف نمودن اعدامهای خودسرانه و سرکوب شدید زنان، جوانان، دانشجویان، به این کمیسیون انساندوستانه ملحق شوند و صدای اعتراض خود را به‌گوش جهانیان و مسئولان ذیربط برسانند.

جوانان شرکت کننده در این تجمع به جمع‌آوری امضا برای بیانیه علیه اعدامهای خیابانی در ایران نمودند.

در پایان این تجمع اعتراضی هیأتی از سوی تظاهرکنندگان به دفتر وزارت امورخارجه مراجعه کردند و نامه اعتراضی تظاهرکنندگان نسبت به استمرار اعدامهای وحشیانه در ایران و امضاهای جمع‌آوری شده را به این دفتر تحویل دادند.

لس‌آنجلس

روز سه‌شنبه هفدهم مهرماه، جامعه ایرانیان حامی مقاومت در جنوب کالیفرنیا اقدام به برگزاری یک تجمع اعتراضی در مقابل فدرال بیلدینگ در وست وود لس آنجلس نمودند. این آکسیون علیه موج فزاینده اعدامها و هم‌چنین در همبستگی با دانشجویان و هموطنانمان در دانشگاه تهران برگزار شد.

اعدامها در ایـران را متوقف کنید

بقیه از صفحه آخر

در انتهای برنامه چند شهروند آلمانی که از مواجهه با واقعیات ایران و ابعاد مقاومت در مقابل این جنایات تحت تاثیر قرار گرفته بودند، به‌صورت خودانگیخته به پشت میکروفن رفته و خواستار یک همبستگی عمومی با مقاومت ایران و قربانیان رژیم شدند.

گردهمایی بزرگ حقوق‌بشر در برلین مورد توجه رسانه‌های آلمانی قرار گرفت و از آن عکس و گزارش تهیه کردند.

فرامرز اسماعیل‌زاده و حمیدرضا طاهرزاده در گردهمایی برلین هنرنمایی کردند

قطعه‌یی از آثار مشهور یوهانس برامس در موسیقی کلاسیک در همبستگی با قربانیان بی‌گناه جنایات رژیم ایران اجرا گردید

سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا: دخالت نیروی قدس سپاه پاسداران در عراق کاملاً مشخص است

فرمانده نیروی چند ملیتی: سفیر رژیم در عراق عضو سپاه تروریستی قدس است

هفته گذشته ژنرال دیوید پتریوس، فرمانده نیروهای چندملیتی، اعلام کرد که حسن کاظمی، سفیر رژیم آخوندی در عراق، عضو نیروی تروریستی قدس است. این خبر واکنشهایی را به‌دنبال داشته است.

رژیم آخوندی این ادعا را رد کرد و دلیل خود را این گونه اعلام کرد که مجاهدین قبلاً این موضوع را اعلام کرده بودند.

روزنامه حکومتی قدس در شماره ۱۶مهر خود درباره اظهارات ژنرال پتریوس نوشت: «فرمانده نظامیان آمریکایی در عراق همسو با منافقین ادعا کرد: حسن کاظمی قمی سفیر کنونی ایران در عراق، از اعضای ارشد نیروی قدس سپاه پاسداران است».

روزنامه حکومتی جمهوری نیز در شماره ۱۶مهر۸۶، خود، نوشت: فرمانده نیروهای آمریکایی در عراق شنبه در ادعایی واهی اظهار داشت که سفیر ایران در بغداد عضو سپاه قدس است... پیش از این اعضای منافقین در ادعای مشابهی گفته بودند سفیر ایران در عراق با سپاه قدس در ارتباط است.

در پی ادعای رژیم، سفارت آمریکا در بغداد نیز به تأیید حرف ژنرال پتریوس پرداخت. مبرنی بانتاگو سخنگوی سفارت آمریکا در بغداد، گفت: اظهارات ژنرال دیوید پتریوس، فرمانده نیروهای چندملیتی در عراق مبنی بر این که کاظمی قمی سفیر رژیم ایران در بغداد، عضو برجسته نیروی قدس سپاه پاسداران می‌باشد، با موضع سفارت آمریکا در بغداد منطبق است.

وی که با تلویزیون الحره مصاحبه می‌کرد افزود: ژنرال پتریوس می‌داند که چه می‌گوید. او یک افسر ارشد است و نسبت به تمام کلماتی که درباره دست‌داشتن رژیم ایران در فعالیتهای خصمانه در عراق می‌گوید آگاه است.

سخنگوی سفارت آمریکا، گفت: سفارت آمریکا در بغداد، فعالیتهای خصمانه رژیم ایران در عراق را تأیید می‌کند. با تأسف شدید تاکنون ما هیچ‌گونه همخوانی بین حرفها و اعمال رژیم ایران در عراق ندیده‌ایم(تلویزیون الحره ۱۶مهر۸۶).

ژنرال ریچارد مایرز، رئیس ستاد ارتش آمریکا نیز گفت که در این حرف هیچ‌گونه شکی نباید کرد. وی تصریح کرد همان‌گونه که ژنرال دیوید پتریوس گفته است سفیر رژیم ایران در عراق، عضو نیروی قدس سپاه پاسداران است.

وی افزود: رژیم ایران در عراق دخالت می‌کند و با تأمین سلاح و مهمات برای شبه‌نظامیان نیروهای آمریکایی را هدف قرار می‌دهد. اکنون برای اولین بار یک فرمانده ارشد آمریکایی به‌طور رسمی، درباره یک دیپلومات رژیم ایران در عراق، اعلام خطر می‌کند.

تلویزیون فاکس‌نیوز در روز ۱۷مهر۸۶، پس از این مقدمه، اظهارات ژنرال پتریوس، فرمانده نیروهای چندملیتی در عراق را پخش کرد که به خبرنگاران در یک پایگاه نظامی در نزدیکی مرز ایران، گفت: نیروی قدس، سیاست در عراق را تعیین می‌کند. هیچ تردیدی نباید در این زمینه داشت. سفیر رژیم ایران نیز یک عضو نیروی قدس است. همان نیروی ویژه‌یی که آمریکا می‌گوید درحال دامن‌زدن به خشونت در عراق می‌باشد.

ژنرال ریچارد مایرز درباره اظهارات ژنرال پتریوس، گفت: «من از این که ژنرال پتریوس، چنین اظهاراتی را می‌کند، چندان غافلگیر نشدم. اطلاعات ما پیشرفت می‌کند و به گمان من، این اظهارات صحت دارد. اظهارات وی به معنای نگرانی وی می‌باشد. او امکان آن را داشته که شاهد دخالت رژیم ایران در عراق باشد؛ از این رو، او به‌خوبی می‌داند که چه می‌گوید».

ریچارد مایرز افزود: «زمانی که من در حال خدمت بودم این موضوع مطرح بود. ما می‌دانستیم که رژیم ایران در آن زمان در حال تأمین سلاح برای شبه‌نظامیان می‌باشد و ما مدارک آن را از طریق شماره سریال و سلاحها و سایر کشفیات دیگر به‌دست می‌آوردیم».

تلویزیون فاکس نیوز پرسید: با توجه به میزان دخالتی که رژیم ایران در عراق دارد و خساراتی که وارد می‌کند به‌نظر می‌رسد که این اظهارنظر به‌روشنی به معنای ضرورت مقابله سخت‌تری از جانب ژنرال پتریوس و ارتش آمریکا با رژیم ایران است. ریچارد مایرز در پاسخ گفت: اگر شما به تلاش تمامیت رژیم ایران برای اعمال هژمونی بر منطقه و اقداماتی که برای بی‌ثبات‌سازی آن انجام می‌دهد بنگرید، ضرورتاً به این نتیجه می‌رسید که جامعه جهانی باید تلاش کند پاسخ این گونه اقدامات رژیم ایران را بدهد.

رژیم ایران، در حال دخالت در جنوب افغانستان است، در لبنان نیز از طریق سوریه و حزب‌الله دخالت می‌کند. این رژیم تلاش می‌کند با دیدگاههای افراطی خود اوضاع را مختل سازد. سیاستی که به‌هیچ‌وجه سازنده نیست.

کاخ سفید نسبت به گسترش دخالتهای نیروی قدس سپاه پاسداران در عراق هشدار داد

گوردون جاندرو، سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا، گفت: «دخالت نیروی قدس سپاه پاسداران در عراق کاملاً مشخص است. در حال حاضر رژیم ایران به ویژه نیروی قدس وابسته به سپاه پاسداران آن کشور شبه‌نظامیان عراقی را آموزش می دهد و مهمات و ابزار انفجاری در اختیار آنها می‌گذارد که باعث کشته‌شدن سربازان آمریکایی مستقر در عراق می‌شود و ما خواستار آن هستیم که تهران به این اعمال خود خاتمه دهد».

گردون جاندرو که در یک کنفرانس مطبوعاتی سخن می‌گفت با اشاره به درخواست جلال طالبانی برای آزادی پنج دیپلومات ـ تروریست رژیم ایران که در اربیل توسط آمریکا بازداشت شدند، افزود: «آمریکا به مدارکی دسترسی دارد که نشان می‌دهد نه‌تنها این افراد با قاچاق مواد منفجره و مهمات به عراق و آموزش شبه‌نظامیان، جان سربازان آمریکایی و افراد ائتلاف را به‌مخاطره انداخته‌اند، بلکه اقدامات این افراد برای مردم عراق نیز سازنده و مثبت نبوده است. سخنگوی شورای امنیت ملی کاخ سفید، گفت: «ما می‌دانیم که عراقیهای بی‌گناهی به‌دست مأموران امنیتی و اطلاعاتی رژیم ایران کشته شده‌اند. نیروهای آمریکا و عراق به‌طور مستمر به‌دنبال عاملان نیروی قدس در عراق می‌گردند و ایالات متحده صریحاً گفته است که علیه آنها در خاک عراق اقدام خواهد کرد». گردون جاندرو همچنین با اشاره به سرکوب مردم ایران، گفت: «جای تأسف است که رژیم ایران با مردم خود این‌گونه رفتار می‌کند. ایرانیان باید از حق آزادی بیان و اجتماعات برخوردار باشند. ما می‌دانیم که مردم ایران در شرایط سختی به‌سر می‌برند و ما کاملاً از مبارزات آنها پشتیبانی می‌کنیم».

وی درباره برنامه هسته‌یی رژیم ایران نیز گفت: «آمریکا به‌همکاری با چین و روسیه و سازمان ملل متحد و سایر متحدانش در اروپا به‌منظور بحث و بررسی و ضرورت برقراری تحریمهای جدیدتر علیه رژیم ایران ادامه خواهد داد تا جایی که جامعه بین‌المللی یک صدا پیامی را به تهران مخابره کند».(تلویزیون صدای آمریکا ۱۶مهر۸۶).

نیویورک‌تایمز و تایمز لندن: اظهارات ژنرال پتریوس بیانگر تشدید تنش میان رژیم ایران و آمریکا است

روزنامه‌های نیویورک تایمز و تایمز لندن در شماره ۱۶مهر خود، اظهارات اخیر ژنرال دیوید پتریوس فرمانده نیروهای چندملیتی در عراق در مورد نقش نیروی قدس سپاه پاسداران در عراق را بیانگر تشدید تنش میان رژیم و آمریکا ارزیابی کردند.

نیویورک تایمز گزارش داد: «فرماندهی ارتش آمریکا در بغداد، روز یکشنبه انتقاد خود را در قبال رژیم ایران شدت بخشید و سفیر این رژیم را به عضویت مخفیانه در سپاه پاسداران متهم کرد، ارتش آمریکا همچنین دستگیری سه مرد را اعلام نمود که مأموران رژیم ایران و مسئول آدمربایی و قاچاق تسلیحات معرفی شدند». این روزنامه، افزود: «فرماندهان ارتش آمریکا، چندین‌بار گفته‌اند که نیروی قدس سپاه پاسداران رژیم ایران، مسئول فراهم‌کردن بمبهای کشنده برای شبه‌نظامیان ضدآمریکایی هستند که برای کشتن نیروهای این کشور به‌کار گرفته شده‌اند.

دولت بوش دسته‌بندی سپاه پاسداران را به‌عنوان یک گروه تروریستی مورد بررسی قرار داده است، اما به‌نظر می‌رسد که روز یکشنبه آمریکاییها برای اولین‌بار به‌طور علنی گفته‌اند که دیپلومات ارشد رژیم ایران، خود عضو سپاه پاسداران است. ژنرال دیوید پتریوس، فرمانده ارتش آمریکا در عراق، گفت: «ما به‌طور مطلق اطمینان داریم» که شماری از ایرانیان دستگیرشده توسط آمریکاییها در عراق، اعضای نیروی قدس بوده‌اند». نیویورک‌تایمز در ادامه، خاطرنشان ساخت: «هفته گذشته سرتیپ کوین گرگر، از سخنگویان ارتش آمریکا در عراق به خبرنگاران گفت یک ایرانی که روز ۳۰سپتامبر در کردستان عراق توسط نیروهای آمریکایی دستگیر شد، یک «عضو ارشد سپاه پاسداران» است که خود را به‌عنوان نماینده تجاری معرفی کرده است». نیویورک‌تایمز در گزارش خود همچنین تصریح کرده که سه‌نوشت ۵ بریتانیایی ربوده‌شده توسط عوامل رژیم ایران در عراق، هم‌چنان نامعلوم است.

روزنامه تایمز لندن با اشاره به این که ژنرال پتریوس تأکید کرده کاظمی قمی از اعضای نیروی قدس می‌باشد، نوشت: «رایان کراکر، سفیر آمریکا در بغداد، طی سال جاری دو بار بر سر راههای بانیات‌کردن عراق با کاظمی قمی گفتگو کرده است. اما این گفتگوها پیشرفت کمی داشته‌اند و پرزیدنت بوش بعد از آن گفته است، آماده «مقابله با فعالیتهای مرگبار رژیم تهران» می‌باشد. سخنان ژنرال پتریوس حاکی از تشدید جنگ لفظی است که نشان می‌دهد دخالتهای مستمر رژیم ایران در عراق... می‌تواند منجر به اقدام نظامی آمریکا در آن‌سوی مرز ایران بشود.

تایمز سپس با اشاره به دستگیری ۵تن از مأموران نیروی قدس رژیم ایران در اربیل توسط ارتش آمریکا، نوشت: «به‌رغم نشانه‌هایی که حاکی از احتمال مذاکره وزارت خارجه آمریکا برای آزادسازی آنان است. ژنرال ریموند اودیرنو، فرمانده شماره دو آمریکا در عراق، هفته گذشته به خبرنگاران، گفت: «از نقطه‌نظر نظامی، ما باید هم‌چنان آنها را نگه داریم».

رویتر: فرمانده نیروی چندملیتی در عراق اتهامات خود را علیه رژیم ایران افزایش داد

خبرگزاری رویتر روز ۱۵مهر۸۶، گزارش داد: «فرمانده نیروهای چندملیتی در عراق... اتهامات بیشتری را در مورد دامن‌زدن به‌خشونت در عراق متوجه رژیم ایران دانست و گفت که سفیر این رژیم در بغداد، عضو نیروی قدس سپاه پاسداران است. ژنرال دیوید پتریوس که روز شنبه در یک پایگاه آمریکایی- حدود ۳۰کیلومتری مرز ایران- صحبت می‌کرد گفت که رژیم ایران تسلیحات پیشرفته به شبه‌نظامیان در عراق می‌دهد.

وی در مصاحبه با گروه کوچکی از خبرنگاران، در پاسخ به این سؤال که آیا دولت ایران مسئول کشتار نیروهای آمریکایی است، گفت: «آنها مسئول فراهم‌کردن تسلیحات، آموزش و پول و در برخی موارد هدایت عملیاتی هستند که طبعاً به کشته‌شدن سربازان آمریکایی منجر شده‌اند... درباره ارتباط میان رژیم ایران و تجهیزات به‌کار گرفته‌شده در حملاتی که سربازان ما در آن کشته شده‌اند، هیچ شکی وجود ندارد.

ژنرال پتریوس، تأکید کرد: «سفیر رژیم ایران عضو نیروی قدس است. وی اکنون از مصونیت دیپلوماتیک برخوردار است و روشن است که به‌همین خاطر قابل پیگرد نیست».

رویتر افزود: «پتریوس لیست انواع تسلیحاتی را که به گفته وی رژیم ایران به شبه‌نظامیان عراقی می‌رساند، ارائه داد و گفت که این تسلیحات شامل موشکهای ضدهوایی مشابه استینگر که از روی شانه شلیک می‌شوند و موشکهای ۲۴۰میلیمتری هستند. این، علاوه بر تجهیزاتی است که برای ساختن بمبهای نفوذکننده جهتدار ای.اف.پی. به‌کار گرفته می‌شوند، ای.اف.پی یک بمب کنار جاده‌یی است که به‌طور خاص کشنده می‌باشد و منجر به‌قتل صدها تن از نیروهای آمریکایی در عراق شده است. پتریوس همچنین اشاره کرد که زرود دو تن از استانداران جنوب عراق در ماه‌اوت، با رژیم ایران در ارتباط بوده است. هر دو آنها توسط بمبهای کنار جاده‌یی کشته شدند. پتریوس گفت: «آنها در تردد برخی استانداران در استانهای جنوبی دست دارند». به گفته وی در یکی از این تردودها، به‌روشنی از بمبهای ای.اف.پی استفاده شده است. وی گفت: «این بمبها فقط از ایران می‌آیند و فقط توسط شبه‌نظامیان به‌کار گرفته می‌شوند، لذا به‌نوعی علامت تجاری شبه‌نظامیان افراطی به‌شمار می‌روند».

فرمانده نیروهای چندملیتی در عراق، هم‌چنین تأکید کرد که رژیم ایران در افزایش خشونت در بعقوبه در استان دیالی عراق دست دارد.

رژیم آخوندی در یک وقاحت مافوق تصور مدعی شد سلاحهای ایرانی کشف‌شده در عراق متعلق به‌مجاهدین است

رژیم آخوندی با وقاحت و بلاهتی مافوق تصور ادعا کرد، سلاحهای ایرانی که ژنرال پتریوس می‌گوید توسط این رژیم به عراق آورده شده، از سوی مجاهدین خلق وارد و سپس در اختیار نیروهای آمریکایی قرار گرفته است!

یکی از سرکردگان گشتاپوی فاشیسم مذهبی به‌نام امیر موسوی که تحت عنوان «مضحک «کارشناس امور استراتژیکی» با تلویزیون الجزیره سخن می‌گفت، در باره افشاگریهای ژنرال پتریوس گفت: نیروهای آمریکایی می‌خواهند که نیروهای غیرقانونی در عراق را مسلح کنند و طرح این اتهامات علیه ایران می‌تواند بهانه‌یی برای این کار باشد.

کارشناس استراتژیکی نظام افزود: در عراق از زمان جنگ ایران و عراق یعنی در دوره صدام حسین سلاح ایرانی وجود دارد، در آن‌جا جنبش مجاهدین خلق ایران نیز هستند که ممکن است سلاحهای ایرانی را وارد کنند و به نیروهای آمریکایی تحویل بدهند و این کار مشکلی نیست.

کارشناس استراتژیکی نظام بایک فقره بلوف آخوندی هم‌چنین ادعا کرد: سپاه پاسداران که از نظر آمریکا یک نیروی تروریستی است ۱۲میلیون نفر است!

سخنگوی دفترارویایی مجاهدین دراین باره گفت:

اولاً: جای شکرش باقیست که کارشناس استراتژیکی نظام برخلاف سازمان اطلاعات ۳۶میلیونی که خمینی مدعی آن بود، به سپاه ۱۲میلیونی رضایت داده است! اگر امام ملعون پاسداران و حزب شیطان زنده بود، امروز حتماً از اطلاعات وسپاه ۸۰میلیونی دم می‌زد!

ثانیاً: این که مجاهدین سلاحهای ایرانی را وارد خاک عراق نموده و سپس به نیروهای آمریکایی تحویل داده باشند تا ژنرال پتریوس بگوید که رژیم آخوندی این کار را کرده است، فقط بازگو کننده ترشحات زیرعمامه‌یی، آخوندهای شیاد فرودستمی است.

سخنگوی مجاهدین افزود: ضمناً تجربه طولانی مدت گذشته، حکایت از آن داشت که مجاهدین، قبل از این که سلاحی را از ایران وارد عراق کنند، محل مصرف آن را در داخل ایران به‌خوبی می‌دانند!

عده‌یی از تروریستهای رژیم در عراق و اردن کشته، مجروح و دستگیر شدند

ارتش آمریکا طی بیانیه‌یی اعلام کرد در جریان یک تهاجم در بغداد ۱۰تن از شبه‌نظامیان وابسته به نیروی قدس سپاه پاسداران کشته، مجروح یا دستگیر شدند.

خبرگزاری فرانسه در روز ۱۷مهر۸۶، نوشت: در این تهاجم که در شهرک صدر صورت گرفت، ۵تن از شبه‌نظامیان کشته، سه تن مجروح و ۷تن دستگیر شدند.

هدف از این تهاجم دستگیری فرمانده یکی از گروههای ویژه بود که در آدمربایی و حمله با بمبهای ضدزره در بغداد نقش داشت.

دستگیری در اردن

مرکز اطلاع رسانی سومر روز ۱۳مهر۸۶، به‌نقل از منابع اطلاعاتی اردن فاش ساخت شماری از اعضای جوخه‌های مرگ وابسته به سپاه بدر، گرفتار در اردن دستگیر شده‌اند. این جوخه‌های مرگ توسط سفارت رژیم ایران اداره و هدایت می‌شدند. به‌گفته این منابع پاسدار علیرضا افشار، معاون وزیر کشور رژیم ایران در تأمین مالی این جوخه‌های مرگ مشغول آدمربایی، بازدرکردن سلاح و مهمات، به‌ویژه بمب از ایران به عراق، و بردن شبه‌نظامیان عراقی به ایران برای آموزش بودند. خبرگزاری فرانسه افزود: «اشیگنگ می‌گوید اعضای گروههای ویژه «شاخه مخفی شبه‌نظامیان شیعی» هستند که به سپاه پاسداران وابسته است.

ادامه کشتار در عراق

تلویزیون الحره در روز ۱۷مهر۸۶، خبر داد: بر اثر دو انفجار در استان صلاح‌الدین عراق ۱۴تن کشته و ۳۰تن زخمی شدند. یکی از این انفجارها رهبران شورای نجات استان صلاح‌الدین را هدف قرار داده است.

تلویزیون الحره در خبر دیگری در روز ۱۹مهر، خبر داد: افراد مسلح ناشناس در شهرستان خالص در استان دیالی عراق به یک اتوبوس که به‌سمت کرکوک در حال حرکت بود، آتش گشودند که منجر به کشته‌شدن ۵نفر و زخمی‌شدن ۶نفر دیگر گردید.

همچنین در روز ۱۹مهر بر اثر یک حمله خمپاره‌یی به‌پایگاه ویکتوری در نزدیکی فرودگاه بغداد، دو نفر از اعضای نیروهای ائتلاف کشته و ۴۰نفر مجروح شدند.

خبرگزاری آسوشیتدپرس در روز ۱۹مهر۸۶، ضمن مخابره این خبر افزود: پایگاه ویکتوری مرکز فرماندهی نیروهای آمریکا درعراق می‌باشد که به‌خوبی سنگربندی‌شده و به‌ندرت با چنین تلفات سنگینی مواجه می‌گردد.

خبرگزاری افزود: در جریان یک حمله مشابه در روز ۲۰شهریور بر اثر شلیک یک موشک به این پایگاه، یک نفر کشته و ۱۱نفر زخمی شدند. در پی این حمله ارتش آمریکا گفت موشک مورد استفاده، یک راکت ۲۴۰میلیمتری بوده که توسط رژیم ایران در اختیار شبه‌نظامیان شیعی قرار گرفته است. فرماندهان آمریکا گفته‌اند آموزش و تسلیحاتی که توسط رژیم ایران در دسترس قرار می‌گیرد به شبه‌نظامیان کمک می‌کند تا حملاتشان را ارتقا دهند.

عدنان دلیمی: دخالتهای رژیم ایران در عراق جز خراکاری و ویرانگری به‌بار نیاورده است

دکتر عدنان دلیمی، رهبر جبهه توافق عراق، از رژیم ایران خواست دست از دخالت در عراق برداری. وی که با روزنامه الزمان بین‌المللی مصاحبه می‌کرد، تصریح کرد که دخالتهای رژیم ایران در عراق جز خراکاری و ویرانگری به‌بار نیاورده است. الزمان از وی پرسید: آیا به دیدار از ایران فکر می‌کنید؟ عدنان دلیمی در پاسخ گفت: دو بار از طرف سفیر رژیم ایران دعوت شده‌ام اما این دعوت را رد کرده‌ام... علت این امر دخالتهای رژیم ایران در عراق و کمک آن به تروریسم و شبه‌نظامیانی است که در جهت ایجاد بلوا و بی‌ثباتی در اوضاع داخلی عراق عمل می‌کنند. رژیم ایران می‌خواهد اختلافات خود با آمریکا را به پهنه عراق بکشاند. ما به رژیم ایران هشدار می‌دهیم که این رفتار را متوقف کند. الزمان پرسید: موضع دولت عراق را در قبال توپ‌باران مناطق مرزی عراق توسط رژیمهای ایران و ترکیه چگونه می‌بینید و موضع جبهه توافق در این رابطه چیست؟ دکتر عدنان دلیمی پاسخ داد: تا آن‌جایی که به موضع دولت عراق برمی‌گردد می‌توانید این سؤال را از رئیس آن نوری مالکی بکنید. اما تا آن‌جایی که به جبهه توافق بر می‌گردد ما علیه هرگونه دخالت در امور عراق هستیم.

مداخلات رژیم آخوندی در عراق

فاکس نیوز: دیدار احمدی‌نژاد و مالکی برای ایجاد یک ائتلاف مخوف

تلویزیون فاکس‌نیوز آمریکا روز ۱۴مهر۸۶، فاش کرد پاسدار احمدی‌نژاد هنگام سفر به‌نیویورک، به‌طور مخفیانه در مسجدی در این شهر با نوری مالکی ملاقات کرده است.

این منبع افزود: محل ملاقات مسجدی در محله کوئینز نیویورک بود و مسائل مطرح‌شده سری و برای ایجاد ائتلافی مخوف بود. فاکس‌نیوز یادآوری کرد: نوری مالکی که روابط حسنه‌یی با رژیم ایران دارد احمدی‌نژاد را برادر خود توصیف کرده است.

رئیس پارلمان عراق: دخالتهای رژیم ایران در عراق و کمک آن به شبه‌نظامیان غیرقابل‌انکار است

محمود المشهدانی، رئیس پارلمان عراق، روز ۱۶مهر تصریح کرد دخالتهای رژیم ایران در عراق و کمک آن به شبه‌نظامیان غیرقابل‌انکار است. وی گفت: آن‌چه باعث شکل‌گیری شبه‌نظامیان شده است دخالتهای آشکار رژیم ایران است. مردم عراق باید با انحلال شبه‌نظامیان و مقابله با فعالیتهای آنها، به دخالتهای رژیم ایران در عراق پایان دهند.

شخصیتهای سیاسی و نیروی ملی استان صلاح‌الدین: راه‌حلی جز جایگزین ملی برای نجات عراق وجود ندارد

در کنفرانسی در استان صلاح‌الدین عراق، دخالتهای رژیم آخوندی در عراق و فتنه‌گریهای آن محکوم شد.

در این کنفرانس شخصیتهای سیاسی و نیروی ملی استان صلاح‌الدین، با شعار «راه‌حلی جز جایگزین ملی برای نجات عراق وجود ندارد» دخالتهای رژیم ایران در عراق را محکوم کرده و خواستار وحدت ملی میان احزاب مهن‌پرست عراق شدند.

به گزارش تلویزیون صلاح‌الدین در روز ۱۴مهر۸۶، این کنفرانس روز دوشنبه در سالن جلسات معاونت پزشکی در شهر تکریت برگزار شد و شمار زیادی از شخصیتهای سیاسی و نمایندگان نیروها و احزاب سیاسی این استان در آن شرکت داشتند.

عامر عایش، رئیس کنفرانس، گفت: «ما در این کنفرانس به‌طور مشخص روی دخالت آشکار رژیم ایران در امور داخلی عراق متمرکز می‌باشیم. دخالت این رژیم در تمامی زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی، ضربات و خسارتهای سنگینی به کشور عراق وارد کرده است. رژیم ایران ضرر و زیان بسیار زیادی به شهروندان عراقی طی این مدت وارد کرده است».

وی افزود: «هدف از این کنفرانس افشای این دخالتهای منطقه‌یی می‌باشد. ما این کنفرانس را نقطه شروعی برای کنفرانسهای دیگر قلمداد می‌کنیم که بعد از عید فطر با مشارکت همه نیروهای سیاسی و اجتماعی استان آن را ادامه خواهیم داد و امیدواریم که این ایده، سراسر عراق را فراگیرد».

مدیر اداره پشتیبانی عراق وابسته به‌کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد، نسبت به وضعیت وخامتبار تمامی سطوح که در بین آنها لیسانس و دکترا وجود دارند به‌چشم می‌خورند. ۱۸درصد از راندهشدگان شیعه و ۷۹درصد آنان سنی هستند. آمار مذکور تنها مختص استان سلیمانیه است و تعداد آوارگان در اربیل و دهوک و مناطق اطراف آن، بیش از این میزان است. نماینده پارلمان عراق از وضعیت وخامت‌بار آوارگان و نیاز عاجل آنان به‌مواد غذایی و خدمات پزشکی خبر داد(تلویزیون العراقیه ۱۵مهر۸۶).

براساس آمار کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد، آمار کوچ داده‌شدگان به بیش از دو میلیون و ۵۰۰هزار نفر رسیده است

کرده و تأکید می‌کند به دلیل کنترل و محدودیتهایی که دولت عراق بر روی دستیابی به آمار و ارقامها ایجاد کرده، ارزیابی از وضعیت انسانی در عراق در قیاس با گذشته دشوارتر می‌باشد. ایوانا فوکو مسئول بخش حقوق بشر سازمان ملل در عراق گفت: این گزارش با توجه به استمرار اعمال شکنجه و قتل و سرکوب آزادیها، وضعیت حقوق بشر در عراق را وخامت بار ارزیابی می‌کند.

آواره‌شدن خانواده‌ها بر اثر گلوله‌باران کردستان عراق

رئوف عثمان، نماینده پارلمان عراق از فراکسیون کردی، آماری از خانواده‌های عراقی که به اثر خشونتهای فرقه‌یی از خانه و کاشانه خود گریخته و به استان سلیمانیه عراق رفته‌اند ارائه داد.

وی گفت: «۳۷۷۳خانوار به این منطقه کوچ کرده‌اند. در میان این افراد ۵۴۰۰ دانشجوی دختر و پسر از مردم عراق که صدها هزار تن از آنان در اثر خشونتها ناگزیر از شهرهای خود رانده شده‌اند، هشدار داد.

تلویزیون الجزیره در روز ۱۸مهر۸۶، ضمن انتشار این خبر، گفت: براساس آمار کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل، آمار کوچ داده‌شدگان به بیش از دو میلیون و ۵۰۰هزار نفر رسیده است. کودکان این افراد به مدرسه راه نمی‌یابند و شرایط زندگیشان بسیار سخت است.

۱۱استان از ۱۸استان عراق از پذیرش این پناهندگان، به‌دلیل کمبودهایی که دارند استقبال نکردند و برخی از استانها از کمکهای غذایی و آموزشی به‌کسانی که امکانات ورود به‌این استانها برخوردارند ممانعت می‌کنند. گزارشگر الجزیره از نجف گفت: در این شهر ارزش زندگی و حرمت شخص عراقی ازبین رفته است. امراض زیادی میان آنها شیوع پیدا کرده و وضعیت جادرهایی که دارند از پوشاندن دردهایشان عاجز است.

نمایندگی سازمان ملل متحد در بغداد در یک کنفرانس مطبوعاتی تصویر تیره و تاری از وضعیت حقوق بشر در عراق ارائه داد

نمایندگی سازمان ملل در بغداد ـ یونامی ـ طی گزارشی نسبت به وخامت وضعیت حقوق بشر و استمرار خشونتها در عراق اعلام خطر کرد.

تلویزیون الحره در روز ۱۹مهر، گفت:

گزارش نمایندگی سازمان ملل که در یک کنفرانس مطبوعاتی در بغداد ارائه شد، تصویر تیره و تاری از وضعیت حقوق بشر در عراق ارائه می‌دهد و تأکید می‌کند آن‌چه که اوضاع را در عراق پیچیده‌تر می‌کند، همانا ضعف سیستم قضایی و استمرار خشونتها در این کشور می‌باشد. در این گزارش هم‌چنین نسبت به عواقب خطرناک کوچ اجباری هشدار داده شده و آمده است: آمار کوچ و آواره‌شدن عراقیان به‌دلیل استمرار خشونت روزانه افزایش پیدا می‌کند. تهدید مستقیم به مرگ و آدمربایی در بسیاری از مناطق مختلف عراق وجود دارد. این گزارش که از ۵۰صفحه تشکیل شده وضعیت انسانی در عراق را بسیار وخیم توصیف می‌کند، تأکید می‌کند به دلیل کنترل و محدودیتهایی که دولت عراق بر روی دستیابی به آمار و ارقامها ایجاد کرده، ارزیابی از وضعیت انسانی در عراق در قیاس با گذشته دشوارتر می‌باشد. ایوانا فوکو مسئول بخش حقوق بشر سازمان ملل در عراق گفت: این گزارش با توجه به استمرار اعمال شکنجه و قتل و سرکوب آزادیها، وضعیت حقوق بشر در عراق را وخامت بار ارزیابی می‌کند.

رژیم ایران، به دولت نوری مالکی فشار می‌آورد تا شوراها را منحل سازد

شماری از رؤسای شورای نجات در سراسر عراق، اعلام کردند: رژیم ایران، به دولت نوری مالکی فشار می‌آورد تا این شوراها را منحل سازد. به‌گزارش تلویزیون الشرقیه، رؤسای شورای نجات گفتند: «این اقدام رژیم ایران پس از آن صورت گرفت که شورای نجات، در استانهای عراق، توان خود در برقراری ثبات و امنیت را به اثبات رساندند».

این رؤسا تأکید کردند دولت عراق درصدد عملیات نظامی علیه عشایری است که در دو منطقه الدوره و السیدیه، برای مبارزه با القاعده بسیج شده‌اند، زیرا که دولت عراق هراس دارد که این عشایر با توجه به حمایتی که از نیروهای آمریکایی دریافت می‌کنند به مراکز قدرت در این دو منطقه تبدیل شوند.(تلویزیون الشرقیه ۱۶مهر۸۶).

معاون ریاست‌جمهوری عراق: یتیمان در عراق به‌یک قشر تبدیل شده‌اند

طارق الهاشمی معاون ریاست‌جمهوری عراق از سازمانهای غیردولتی عراق، خواست تا آمار قربانیان خشونت در عراق را تنظیم کنند، چرا که تلویزیون مالکی تا کنون نتوانسته است چنین کاری را انجام دهد.

به گزارش تلویزیون الشرقیه در روز ۱۴ مهر۸۶، طارق الهاشمی که در مراسم گرامیداشت یتیمان در ماه رمضان در کرخ بغداد حضور یافته بود، گفت:

سازمانهای غیردولتی باید توجه جامعه جهانی را به یتیمان که در عراق به یک قشر تبدیل شده‌اند، جلب کنند چرا که فاجعه‌یی که امروز عراق را فراگرفته متنوع، بغرنج و پیچیده می‌باشد و نیاز به‌همت ویژه‌یی دارد.

وضعیت تولید، واردات، صادرات و مصرف داخلی گاز ایران

پارس جنوبی

نقطه عزیمت تصمیم‌گیری دولت پاسداران، در عقد قراردادهای تولید و صادرات گاز با خارجیها، گشایش تنگنای سیاسی است که خود به‌وجود آورده است. این دولت اجرا و تحقق قراردادهای نفت و گاز را فرع بر این هدف تلقی می‌کند و برآنست که، به‌لحاظ سیاسی، همین که قراردادهای طولانی‌مدت گاز و نفت با شرکتهای خارجی به‌امضا برسد، دست دولتهای متبوع شرکتهای طرف قرارداد، به‌لحاظ سیاسی در حنا گذاشته می‌شود و این دولتها در عمل مجبور می‌شوند یا به آنها فشار سیاسی وارد نیاورند و یا تحریم و فشار سیاسی خود را محدود کنند. از این رو به‌رغم معلق‌ماندن اجرای قراردادهای جدیدی که امضا کرده‌اند، تقلا می‌کنند هرچه بیشتر امضای شرکتهای تابعه کشورهای صنعتی نوخاسته آسیا و کشورهای صنعتی اروپا را پای قراردادهای جدید بگذارند. در عقد این قراردادها مهم برای آنها برقراری نوعی توازن و تعادل سیاسی با خارج است. تعادلی که به‌زعم آنها درصورت اجرای این قراردادها، میخ آن محکم می‌شود!

یزدان حاج‌حمزه

ایران علاوه بر آن‌که یکی از کشورهای نفتخیز مهم جهان است، از نظر ذخایر گازی انرژی نیز مقام دوم را در جهان دارد. تمرکز این منبع عظیم انرژی مورد نیاز جهان در ایران را نمی‌توان به‌خودی خود به‌حساب دارایی و نعمتی گذاشت که جامعه ایران از آن برخوردار است. جامعه ایران از این امکان بالقوه در شرایطی می‌تواند برخوردار شود که در کار مدیریت و بهره‌برداری از گاز و نفت ایران و واقعیت انکارناپذیر نادیده گرفته نشود: نخست آن‌که برای کشور انرژی‌خیز توسعه‌نیافته‌یی مثل ایران در اقتصاد جهانی‌شده کنونی، همزیستی مسالمت‌آمیز با جامعه جهانی شرط لازم برای بهره‌مندشدن جامعه از ثروت گاز و نفت، توسعه اقتصاد کشور و تأمین منافع ملی ایران است. دوم آن‌که امنیت جریان گاز و نفت از ایران و سایر کشورهای حوزه خلیج فارس به بازار بین‌المللی، به‌خصوص برای قدرتهای صنعتی تا آن‌جا اهمیت پیدا کرده که این قدرتها سیاست خارجی خود را بر آن استوار کرده‌اند و بر این اساس با حاکمیت کشور انرژی‌خیزی مثل ایران، تنظیم رابطه می‌کنند. به این اعتبار، مادامی که حاکمیت ایران بهره‌برداری آزاین ثروت را به‌خدمت پیشبرد جاه‌طلبیهای سیاسی، آشوبگری و ادعاهای برون‌مرزی خود بگیرد، مادامی که نسبت به‌رهنمود همیشه معتبر دولت ملی دکتر مصدق دمودرد شیوه بهره‌برداری از ثروت نفت و گاز ایران بی‌اعتنا بماند، فضای بین‌المللی زیست جامعه ایران تنگ و تنگتر می‌شود، کشور در تاآرامی و بی‌ثباتی غوطه‌ور می‌گردد و به‌تبع آن فاجعه فقر و محرومیت مردم ایران گسترده‌تر و عمیقتر می‌شود. این واقعیت تلخ در شیوه بهره‌برداری از ذخایر گاز کشور و موقعیت کنونی ایران در بازار بین‌المللی و بازار داخلی گاز بارز شده است.

الف ـ موقعیت ایران در بازار بین‌المللی گاز

۱ـ امکاناتی که از دست رفت!

طی سالهای حاکمیت رژیم ضدتاریخی ولایت‌فقیه، حق ۵۰درصدی ایران در بهره‌برداری از ذخایر انرژی دریای خزر پایمال گردید و فرصت تاریخی ترانزیت نفت و گاز منطقه خزر از خاک ایران سوخته شد. طی این سالها اگر کشور ما از حاکمیتی ملی برخوردار بود ما می‌توانستیم پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نیز حق ۵۰درصدی خود بر ذخایر دریای مازندران را حفظ کنیم و از مزایای انتقال گاز و نفت حوزه دریای خزر از مسیر ایران به آبهای بین‌المللی برخوردار شویم. اما بر اثر ماجراجوییهای برون‌مرزی رژیم ایران هم حق مالکیت ما در دریای خزر از بین رفت و هم مسیر طولانی و پرهزینه آذربایجان ـ گرجستان ـ ترکیه، به‌جای مسیر اقتصادی و منطقی ایران جایگزین انتقال نفت و گاز خزر به آبهای بین‌المللی شد. در سالهای اخیر برخی از دولتهای اروپایی به‌رژیم ایران پیشنهاد دادند که به ازای دست‌برداشتن ازجاه‌طلبیهای اتمی خود، شرکتهای نفتی آنها که طرف قرارداد نفت و گاز قزاقستان و ترکمنستان هستند، انتقال نفت و گاز این دو کشور آسیای مرکزی به آبهای بین‌المللی را از خاک ایران انجام دهند که مؤثر واقع نشد! و حالا در شرایطی که ناسازگاری رژیم ایران با جامعه جهانی به ستیز و درگیری منجر شده، کشوری که صاحب دومین ذخیره گازی جهان است و در زیر آب و خاک آن انباری از ۲۹هزار میلیارد متر مکعب گاز کشف شده است، در بازار بین‌المللی گاز موقعیتی به‌شرح زیر دارد:

۲ ـ ایران هم‌چنان واردکننده گاز است!

بنا بر گزارش منابع رسمی رژیم ایران در تیرماه۸۶، روزانه ۱/۴۳میلیون لیتر گاز مایع از خارج وارد ایران می‌شود تا جوابگوی کمبود تولید مصرف داخلی گاز مایع باشد. میزان واردات ـ صادرت گاز غیرمایع کشور با خارج نیز در نقطه سربه‌سر قرار دارد و در سال گذشته به ازای واردات حدود شش میلیارد متر مکعب گاز از ترکمنستان، حدود هفت میلیارد متر مکعب گاز ایران به‌صورت منقطع و نامنظم به ترکیه صادر شده است.

(روزنامه سرمایه ۱۹مهر۱۳۸۶)، به‌نقل از منابع رسمی). تولید گاز در ایران هنوز آن‌قدر ناکافی است که رژیم نمی‌تواند در تمام مدت سال پاسخگوی قراردادهای صادراتی خود باشد و طی سه ماهه زمستان که مصرف داخلی بالا می‌رود در عمل صادرات گاز ایران به‌خارج متوقف می‌شود. به‌همین حساب کارگزاران رژیم برای مدت ۹ماه از سال قرار تحویل گاز به‌خارج را تنظیم می‌کنند.

۳ـ افزایش تولید گاز در عمل متوقف شده است:

درگیریهای سیاسی بین‌المللی رژیم ایران، آن بخش از قراردادهای بزرگ سرمایه‌گذاری خارجی برای استخراج گاز را که هنوز به‌مرحله اجرا نرسیده، به‌حالت تعلیق درآورده است. تعلیق اجرای قرارداد استخراج گاز ایران از فاز ۱۱پارس جنوبی و تعلیق قرارداد ساخت کارخانه تولید گاز مایع در بندر عسلویه توسط شرکت فرانسوی توتال نمونه بارز این واقعیت است. اجرای قرارداد استخراج گاز از ذخایر پارس شمالی ایران توسط یک شرکت چینی نیز به‌تعویق افتاده و در شرایط سیاسی کنونی، اجرای این قرارداد در چشم‌انداز نیست. آن بخش از شرکتهای خارجی نیز که پیش از این اجرای قراردادهای استخراج گاز ایران را شروع کرده‌اند، در فضای سیاسی کنونی تعلل می‌کنند و به‌کندی کار را جلو می‌برند.

رژیم ایران، این تنگناها را درحالی به‌جان خریده که روی کاغذ در «سند چشم‌انداز» خود برنامه‌ریزی کرده طی ۲۰سال، حدود ۳۰۰میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در صنعت گاز کشور صورت گیرد (روزنامه سرمایه ۱۸مهر۸۶).

٤ـ اجرای قراردادهای جدید صادرات گاز ایران یا متنفی شده و یا به حالت تعلیق درآمده است

برنامه‌ریزی رژیم ایران برای صادرات گاز به خارج، در اساس به‌بهره‌برداری از ذخایر گازی پارس جنوبی مشروط شده است. تا به‌حال پروژه‌های مربوط به‌فازهای ۱و ۳و۴پارس جنوبی به‌بهره‌برداری رسیده و گاز حاصل از این پروژه‌ها در داخل کشور مصرف می‌شود. به‌گفته «مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران»، گاز حاصل از فازهای دردست‌اجرای بعدی تا فاز ۱۰پارس جنوبی نیز به‌مصرف داخل خواهد رسید. با این وجود کارگزاران رژیم، به اتکای بهره‌برداری از فازهای بعدی پارس جنوبی که هنوز اجرای آنها شروع نشده، برای صادرات گاز ایران به‌خارج سه فقره قرارداد با توافقنامه بزرگ و جدید با مشتریهای خارجی امضا کرده‌اند که هر سه آنها تحت تأثیر ستیزه سیاسی رژیم، به‌حالت تعلیق درآمده و یا متنفی شده است. نخستین قرار و مدار صادرات گاز ایران که تحت تأثیر مقابله سیاسی رژیم با شورای امنیت قرار گرفته صادرات گاز ایران به هند است. پس از مدت دهسال نشست و برخاست و امضای توافقنامه با دولت هند برای صادرات گاز ایران به این کشور، «شانا» خبرگزاری نفتی رژیم روز ۱۹مهر۸۶ از ملغی‌شدن این توافقنامه‌ها خبرداد و اعلام کرد که «هند تا پایان ماه آینده رسماً به‌پروژه گازی ترکمنستان ـ هند می‌پیوندد» و به‌جای واردات گاز از ایران، از ترکمنستان گاز وارد می‌کند. درصورت قطعیت این خبر چشمداشت رژیم به‌جانبداری هند در دعوای هسته‌یی‌اش با خارج که روی این پروژه استوارشده بود نیز منتفی می‌شود. مورد دوم به‌توافق اولیه و نیمبند این رژیم بایک شرکت نفتی اتریشی، برای انتقال گاز ایران از مسیر ترکیه به اروپا برمی‌گردد. این توافقنامه نیز در شرایطی که قدرتهای اروپایی به‌سمت تحریم خاص رژیم ایران توسط اتحادیه اروپا می‌روند، چشم‌انداز تحقق ندارد. سومین مورد به قرارداد بزرگ فروش ۲۵سال گاز مایع ایران به‌چین برمی‌گردد که قرار بود از محل قرارداد تولید گاز و ساخت تأسیسات گاز مایع توسط شرکت توتال تأمین شود. با تعلیق قرارداد توتال، امکان صادرات گاز مایع ایران به‌چین نیز به‌حالت تعلیق درآمده است.

نقطه عزیمت تصمیم‌گیری دولت پاسداران، در عقد قراردادهای تولید و صادرات گاز با خارجیها، گشایش تنگنای سیاسی است که خود به‌وجود آورده است. این دولت اجرا و تحقق قراردادهای نفت و گاز را فرع بر این هدف تلقی می‌کند و برآنست که، به‌لحاظ سیاسی، همین که قراردادهای طولانی‌مدت گاز و نفت با شرکتهای خارجی به‌امضا برسد، دست دولتهای متبوع شرکتهای طرف قرارداد، به‌لحاظ سیاسی در حنا گذاشته می‌شود و این دولتها در عمل مجبور می‌شوند یا به آنها فشار سیاسی وارد نیاورند و یا تحریم و فشار سیاسی خود را محدود کنند. از این رو به‌رغم معلق‌ماندن اجرای قراردادهای جدیدی که امضا کرده‌اند، تقلا می‌کنند هرچه بیشتر امضای شرکتهای تابعه کشورهای صنعتی نوخاسته آسیا و کشورهای صنعتی اروپا را پای قراردادهای جدید بگذارند. در عقد این قراردادها مهم برای آنها برقراری نوعی توازن و تعادل سیاسی با خارج است. تعادلی که به‌زعم آنها درصورت اجرای این قراردادها، میخ آن محکم می‌شود!

ب ـ وضعیت توزیع و فروش گاز در داخل کشور

براساس یک گزارش رسمی، طی سال گذشته (سال۸۵) ۱۱۷میلیارد متر مکعب گاز طبیعی در ایران تولید شده و نزدیک به ۱۰۹میلیارد متر مکعب گاز در داخل کشور مصرف شده است. این عملکرد نشان‌دهنده ۱۰/۲درصد رشد در بخش تولید و ۱۱/۷درصد رشد در بخش مصرف است. با بر همین گزارش ۸۰درصد مصرف داخلی گاز ایران به‌بخش مصرف خانگی اختصاص داشته است. مصرف‌کننده ۲۰درصد بقیه گازی که در داخل کشور توزیع می‌شود بخش صنعت و نیروگاههای تولید برق بوده‌اند (این گزارش درمورد میزان تزریق گاز ترش به چاههای نفتی کشور برای حفظ فشار سفره‌های نفتی اطلاعی نداده است).

بحران تأمین مصرف داخلی گاز

نصرالله یونسی «مدیر مهندسی شرکت ملی صادرات گاز» در مورد کاهش تولید و افزایش مصرف داخلی گاز به‌تازگی اعلام کرده: «متوسط مصرف داخلی گاز در بخشهای خانگی، تجاری، صنعتی و نیروگاهی بالغ بر ۳۳۰میلیون متر مکعب در روز گزارش شده که نسبت به تراز مصوبات مصرف افزایش داشته و این در حالی است که تولید گاز طبیعی کاهش ۵/۶درصدی را نشان می‌دهد».

در فصل سرما مصرف گاز در کشور با رشدی حدود ۱۰درصد مواجه می‌شود و کمبود تولید چنان‌که در سال گذشته نشان داد تأمین نیاز گاز خانگی در فصل زمستان را مختل می‌کند و به قطعی گاز در برخی از شهرها و افت فشار در اقصی نقاط کشور منجر می‌شود. در سال‌جاری به جهت کاهش تولید و افزایش مصرف گاز انتظار می‌رود در بخش مصرف خانگی گاز مردم با مشکلات شدیدتری مواجه شوند. مدیریت «شرکت ملی گاز ایران»، در شرایطی از تأمین مصرف خانگی گاز در زمستان عاجز است که به‌گفته مدیرعامل این شرکت در این فصل تحویل گاز به‌نیروگاههای برق را به کمتر از یک سوم تابستان می‌رساند (به گزارش همین منبع میزان تحویل گاز به نیروگاهها از ۱۰۵میلیون متر مکعب به ٤۰میلیون متر مکعب در روز می‌رسد). این کارگزار رژیم برای کاهش مصرف گاز در خانه‌ها سیاست نقره‌داغ‌کردن مردم را در نظر گرفته و در پاسخ به سؤالی درمورد مشکل تأمین گاز در زمستان امسال می‌گوید: «امیدواریم با توجه به پلکانی‌شدن نرخ گاز در سال جاری شاهد کاهش مصرف باشیم». به‌گفته او، تمام استانهای کشور به‌لحاظ آب و هوا به‌پنج گروه تقسیم شده و برای کسانی که طبق الگو مصرف می‌کنند، قیمت مصرف گاز ۱۰۰ریال برای هر مترمکعب خواهد بود و مصرف بیش از آن به‌نوع استان متفاوت و شامل جریمه پلکانی قیمت می‌شود» (روزنامه سرمایه ۱۸مهر۸۶).

نشانه‌های درماندگی و سرگردانی مدیریت بخش انرژی در دولت پاسداران، به‌صورتهای دیگری نیز بارز شده است. مدیریت درحالی‌که کشور هنوز واردکننده گاز مایع است، برای صرفه‌جویی در مصرف بنزین، از یکسو دستور داده کارخانه‌های خودروسازی دولتی خط تولید خود را به تولید خودرو با موتور گازسوز تغییر دهند و از سوی دیگر دستور دوگانه‌سوز (گازی ـ بنزینی) کردن تاکسیها و برخی دیگر از خودروهای بنزین‌سوز موجود را نیز صادر کرده است. این دستور درحالی صادر شده که در پمپ بنزینها امکان لازم برای تحویل گاز مایع به‌خودروهای گازسوز موجود نیست و در بازار ایران لوازم گازسوزکردن نظیر مخزن گاز مایع، به‌اندازه کافی، یافت نمی‌شود (ضمن آن‌که در نصب مخزن تحت فشار گاز مایع در صندوق عقب خودروها رعایت مسائل ایمنی نمی‌شود و خطر انفجار این مخازن با خودرو حمل می‌شود!)

بحران مدیریت بخش انرژی، نشانه‌یی از بحرانی‌شدن مدیریت امنیتی دولت پاسداران در اداره اقتصاد کلان کشور است و نتیجه بلافصل بحران مدیریت اقتصادی ایران گسترش فقر و ناهنجاریهای اجتماعی است. ایران را دریابیم.

اعتراضات کارگری

ادامه اعتصاب کارگران دلیر نیشکر هفت‌تپه

صبح روز ۱٦مهر هزاران تن از کارگران دلیر کارخانه نیشکر هفت تپه خوزستان در محل کارخانه دست از کار کشیده و به اعتصاب طولانی‌مدت خود ادامه دادند.

کارگران گفتند: «بطور مستمر از طرف مأموران امنیتی تهدید و تحت فشار قرار گرفته و با تلفنهای ناشناس تهدید می‌شوند اما به هیچ‌وجه حاضر به عقب‌نشینی نشده و تا رسیدن به‌خواستهایشان به اعتصاب و تظاهرات خود ادامه می‌دهند.

روز ۱۷مهر نیز بیش از ۳۵۰۰تن از کارگران اعتصابی در مقابل دفتر مدیرعامل کارخانه نیشکر هفت‌تپه تجمع کردند و خواستار رسیدگی به مشکلات خود گردیدند. کارگران معترض گفتند، به دلیل سیاستهای دولت، با بحران معیشتی روبه‌رو شده‌اند.

تعداد زیادی از همسران کارگران اعلام کردند در صورت عدم رسیدگی به‌خواستهای کارگران، به همراه فرزندانشان در مقابل فرمانداری رژیم در شهرستان شوش تجمع خواهند کرد.

کارگران اعلام کردند، تا زمانی که از طرف دولت، تضمین کتبی برای دریافت کل مطالباتشان دریافت نکنند، هرگز به سر کار بازنخواهند گشت و به تجمعاتشان ادامه خواهند داد.

خاطرنشان می‌شود روز ١٤مهرماه جاری و در هشتمین روز اعتصاب کارگران کارخانه نیشکر هفت‌تپه خوزستان، خانم مریم رجوی رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت ایران، به‌اعتصاب گران درود فرستاد و سایر کارگران و جوانان مناطق مختلف کشور را به‌حمایت از کارگران اعتصابی فرا خواند.

رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت گفت، ارمغان رژیم ضدبشری آخوندی برای مردم ایران جز فقر و سرکوب و تباهی نبوده است. سرمایه‌های ملی و در آمدهای کلان نفتی ایران طی سه دهه یا صرف سرکوب داخلی، پروژه‌های اتمی، هزینه‌های نظامی و صدور تروریسم و بنیادگرایی شده و یا به حسابهای بانکی سردمداران رژیم و خانواده‌هایشان در کشورهای خارجی سرازیر شده است.

کارگران اعلام کردند به‌رغم تهدیدات وزارت اطلاعات و نیروی انتظامی و دستگری و تبعید برخی از کارگران، برای گرفتن حق خود مصمم هستیم.

تجمع کارگران کارخانه کنف رشت در اعتراض به عدم دریافت چهار ماه حقوق

جمعی از کارگران کارخانه کنف کار شهرستان رشت روز ۱۸مهر۸٦، در مقابل استانداری رژیم در گیلان تجمع اعتراضی برگزار کردند. کارگران تجمع‌کننده اعلام کردند که حدود چهار ماه است حقوق به آنها پرداخت نشده است.

تجمع کارگران نساجی خوی در اعتراض به عدم دریافت ۳ ماه حقوق

روز ۱۸مهر بیش از ۱۵۰نفر از کارگران نساجی خوی به‌منظور پیگیری مطالبات عقب‌مانده و برای تعیین‌تکلیف وضعیت شغلی خود در مقابل فرمانداری رژیم در این شهر تجمع اعتراضی برگزار کردند. کارگران معترض گفتند: «۳ماه است حقوق نگرفته‌ایم، وضعیت شغلی کارگران مشخص نیست و از طرف دیگر اغلب کارگران در تأمین مخارج روزانه زندگی خود با مشکل مواجه هستند.

تجمع کارگران شرکت پارسیلون خرم‌آباد در اعتراض به عدم دریافت چند ماه حقوق

روز ۱٦مهر۸٦، کارگران زحمتکش شرکت پارسیلون خرم‌آباد برای دومین روز متوالی مقابل استانداری رژیم در این شهر تجمع کرده و نسبت به پرداخت‌نشدن حقوق و مزایای چند ماه گذشته اعتراض نمودند.

تجمع‌کنندگان هم‌چنین نسبت به نبودن امنیت شغلی و تعطیلی کارخانه اعتراض نمودند.

در دومین روز تجمع اعتراضی بیش از ٤۰۰تن از کارگران زحمتکش کارخانه پارسیلون خرم‌آباد، مأموران سرکوبگر انتظامی و امنیتی کارگران را به‌محاصره درآورده و به تهدید آنها پرداختند. اما کارگران مقاوم بر خواستهای خود پافشاری کردند.

اعتراضات دانشجویی

تحصن دانشجویان محروم‌شده از تحصیل دانشگاه علامه طباطبایی تهران

دانشجویان محروم‌شده از تحصیل دانشگاه علامه طباطبایی تهران، در اعتراض به احکام سرکوبگرانه کمیته انضباطی، روز سه‌شنبه در مقابل درهای دانشگاه تحصن کردند. متحصنین پلاکاردهایی حمل می‌کردند که بر روی آنها نوشته شده بود: براساس کدام قانون دانشجو را به خانه‌اش راه نمی‌دهند؟ و «سلب حق تحصیل جرم است». بر اساس گزارش خبرنامه دانشجویی امیرکبیر در روز ۱۸مهر، نیروهای حراست دانشگاه علامه طباطبایی با یورش به دانشجویان مانع از برگزاری تجمع آنان می‌شدند. مأموران سرکوبگر نیروی انتظامی در دانشکده مستقر گردیده و دانشجویان را مورد ضرب و شتم قرار دادند.

بیانیه دانشجویان دانشگاه صنعتی شیراز علیه احضار دانشجویان

دانشجویان دانشگاه صنعتی شیراز با صدور بیانیه‌یی در روز ۱٦مهر علیه احضار دانشجویان توسط کمیته سرکوبگر انضباطی اعتراض کردند.

در بیانیه دانشجویان دانشگاه صنعتی شیراز آمده است: «هنوز یک هفته از سخنرانی احمدی‌نژاد در دانشگاه کلمبیا که در آن از احترام به دانشجویان سخن رانده بود نگذشته که کمیته انضباطی دانشجویان دانشگاه شیراز طی اقدامی عجیب و کاملاً همزمان سخنان رئیس‌جمهور، اقدام به احضار ۷تن از فعالان دانشجویی این دانشگاه کرد. این فعل، مهر تأییدی دیگر است بر عدم صداقت مسئولان کشور که نه تنها هیچ‌گونه آزاداندیشی، انتقاد و دگراندیشی را برنمی‌تابند... بلکه حتی تاب تحمل تجمعات کوچک دانشجویی را هم ندارند.

تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه آزاد گناباد در اعتراض به کمبود خوابگاه

دانشجویان دانشگاه آزاد گناباد در روز ۱۹مهر۸٦، در اعتراض به‌کمبود جا در خوابگاه دانشجویی، تجمع اعتراضی برگزار کردند. دانشجویان تجمع‌کننده که بیش از ۲۰۰نفر بودند، نسبت به عملکرد مدیریت این دانشگاه نیز اعتراض کرده و خواستار حل مشکلات خود شدند.

رئیس کمیته ملی فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل اندونزی خواستار آزادی فعالان سندیکایی در ایران شد

رئیس کمیته ملی فدراسیون جهانی کارگران حمل ونقل اندونزی خواستار آزادی فعالان سندیکایی و اتحادیه‌یی در ایران تحت حاکمیت آخوندها شد و گفت: دستگیری این فعالان باید متوقف شود!

وی که به‌نمایندگی از طرف دبیرکل فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل به ایران سفر کرده بود در مصاحبه با رادیو آلمان گفت: ما گزارشهای خود را به «ای.تی.اف» فدراسیون جهانی کارگران حمل ونقل و هم چنین اعضای سندیکا شهروندی بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری می‌دهیم و درصورتی که شاهد پیشرفتی در پروسه آزادی منصور اسانلو رئیس هیأت مدیره کارگران سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و ابراهیم مددی عضو دیگر هیأت مدیره سندیکا نباشیم، فشارهای لازم را به رژیم ایران وارد خواهیم کرد.

وی افزود: «موفق به دیدار با خانواده‌های منصور اسانلو و ابراهیم مددی شده و توانسته است نامه حمایت فدراسیون جهانی کارگران حمل ونقل را به خانواده زندانیان سندیکای اتوبوسرانی و هم چنین اعضای سندیکا برساند(سایت رادیو آلمان ۱۸مهر۸٦).

ابراهیم مددی

منصور اسانلو

دو جوان دلیر در اهواز یک افسر نیروی انتظامی رژیم را به هلاکت رساندند

خبرگزاری فرانسه در روز ۱۷مهر۸٦، گزارش داد یک افسر نیروی انتظامی که اتومبیلش خراب شده بود، توسط دو موتورسوار در شهر تاآرام اهواز به ضرب گلوله از پای درآمد. ستوان علی‌اکبر جعفری توسط دو نفر که به‌ظاهر برای کمک به او نزدیک شدند، کشته شد. این خبرگزاری افزود: طی دو سال گذشته اهواز شاهد ناآرامیهای خشونتباری بوده است.

درگیری دستفروشان محروم ایلام با مأموران سرکوبگر رژیم

روز ۱۹مهر۸٦، جمعی از دستفروشان محروم شهر ایلام، در مقابل یورش وحشیانه مأموران سرکوبگر انتظامی رژیم برای جمع‌آوری وسایلشان به مقاومت برخاسته و با آنان درگیر شدند. بنا به گزارشهای رسیده از ایلام، روز ١٤مهرماه، شهرداری شهر ایلام در یک اقدام گسترده و هماهنگ شده با نیروی انتظامی رژیم، اقدام به‌جمع‌آوری دستفروشان چهارراه سعدی شهر ایلام نمود.

به‌دنبال یورش مأموران سرکوبگر انتظامی و شهرداری رژیم، دستفروشان که تنها راه تهیه مخارج زندگیشان از این طریق می‌باشد، برای ممانعت از جمع‌آوری وسایلشان توسط نیروی انتظامی، به‌مقابله با آنان برخاستند.

به‌دنبال این درگیری که سه ساعت به‌طول انجامید، نیروی انتظامی رژیم در مقابل مقاومت دستفروشان محروم ایلام ناگزیر نیروی بیشتری را به محل اعزام کرد تا با سرکوبی دستفروشان مانع از گسترش این حرکت اعتراضی شوند.

جوانان خشمگین در تهران در جریان مسابقه فوتبال خسارت سنگینی به اتوبوسهای شرکت واحد وارد نمودند

جوانان خشمگین در تهران در جریان مسابقه فوتبال روز یکشنبه ۲۲مهر میان تیمهای پرسپولیس و استقلال در اعتراض به محدودیتهای کمسابقه که درجریان مسابقه برقرار شده بود خسارت سنگینی به اتوبوسهای شرکت واحد وارد نمودند. به گفته شاهدان تنها در منطقه ۱۰تهران، به بیش از ۳۰درصد اتوبوسها خسارت وارد شده است.

رژیم آخوندی در وحشت از شعله‌ور شدن خشم و اعتراض جوانان علیه این رژیم با استفاده از مسابقه فوتبال تیمهای استقلال ـ پرسپولیس تدابیر سرکوبگرانه گسترده‌یی اتخاذ کرده بود.

روزنامه حکومتی اعتماد در شماره ۱۹مهر خود به‌نقل از یکی از کارگزاران رژیم در شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، نوشت: «تماشاگرنماها تمیز نیروهای نامحسوب اتوبوسرانی و نیروی انتظامی شناسایی و به‌دادگاه معرفی می‌شوند و خسارات وارد شده از آنها اخذ می‌شود».

وی افزود: «هم‌چنین در زمان برگزاری مسابقه فوتبال و در بین دو نیمه از مسابقه از طریق بلندگوها و تلویزیونهای داخل استادیوم، عواقب تخلفات برای تماشاگرنماها بازگو و تکرار می‌شود».

به گزارش تلویزیون حکومتی «نیروی انتظامی برای برقراری امنیت» مسابقه فوتبال «هم در داخل و هم در بیرون استادیوم برنامه ویژه» داشت. در همین رابطه یکی از سرکردگان نیروی انتظامی اعلام کرده بود: «در اتوبوسهایی که مردم را به استادیوم می‌رساند، نیروی انتظامی با لباس فرم و یک نیروی امنیتی با لباس‌شخصی وجود دارد و هر کس تخریبی انجام دهد برخورد بسیار جدی با آنها می‌کنیم».

دبیرخانه شورای ملی مقاومت طی اطلاعیه‌یی که در روز ۲۱مهر صادر نمود اعلام کرد: ترس و وحشت روزافزون رژیم ضدبشری آخوندی از شرکت مردم در یک بازی فوتبال بیانگر افلاس و درماندگی رژیم در مقابله با خیزشهای کارگران، دانشجویان، معلمان، زنان و جوانان می‌باشد که در ماههای اخیر ابعاد بی‌سابقه‌یی بخود گرفته است.

رئیس کمیسیون امنیت مجلس ارتجاع فاش ساخت تلفات انسانی ناشی از مصرف مواد مخدر برابر با شمار قربانیان جنگ ضدمیهنی است

علاءالدین بروجردی، رئیس کمیسیون امنیت مجلس ارتجاع، از یک آمار نکاندهنده پرده برداشت و اعتراف کرد در حاکمیت آخوندها تلفات انسانی ناشی از مصرف مواد مخدر برابر با شمار قربانیان جنگ ضدمیهنی است.

وی روز ۱٦مهر، گفت: هر روز بر تعداد جوانان آلوده به موادمخدر افزوده می‌شود. مواد مخدرهای جدید دیگر «مثقل و وافور» نمی‌خواهد، بلکه قرصها و روان‌گردانهایی است که به‌راحتی تولید و توزیع شده و خانمان‌برانداز است.

این عضو مجلس ارتجاع افزود: سن استفاده و مصرف موادمخدر به سطح دبیرستان و پایین‌تر رسیده و این معضل هشداری بسیار جدی است.

وی برای پرده‌پوشی نقش آخوندهای ضدبشر و وحشت روزافزون رژیم ضدبشری آخوندی از شرکت مردم در یک بازی فوتبال بیانگر جامعه رحم نمی‌کند نباید رحم کرد و این‌که متخلفان دستگیر و روانه زندان شوند حلقه معیوبی است و باید کاری کرد که این افراد دیگر جرأت خلاف در جامعه را نداشته باشند.

جنایتهای پاسدار هزار تیر احمدی‌نژاد از زبان شاهدان عینی در شکنجه‌گاههای سراسر ایران

مقاومت ایران،پس از روی کار آمدن پاسدار احمدی‌نژاد، بر اساس اطلاعات و شهادتهای مختلف زندانیان سیاسی، که سالها در زندانها و شکنجه‌گاههای سراسر ایران، از نزدیک سمپاته‌ترین انواع شکنجه‌های پاسداران و بازجویان رژیم را تجربه کرده‌اند، و خود شاهد تیرباران هزاران تن از فرزندان پاکباز این میهن در زندانها بوده‌اند، گماشته ولی فقیه را که به‌دستور خامنه‌ای از صندوقهای رأی‌سازی او برای پست ریاست جمهوری رژیم سر برآورد، پاسداری جنایتکار که مستقیماً دست‌اندرکار سرکوب و شکنجه و ترورسم آخوندها بوده معرفی کرد. به همین دلیل احمدی نژاد پاسدار هزار یعنی کسی که هزار تیر خلاص به تیرباران شدگان زده معروف است.

البته این دژخیم بیرحم در کمال دجالگری خود را یک معلم معرفی می کند که آزارش به مورچه هم نرسیده است. وی در جریان یک سخنرانی که در تاریخ ۵ اردیبهشت ماه سال ۸۵ از تلویزیون رژیم پخش شد، گفت: «احمدی‌نژاد یک معلم مدرسه است. بسیار هم صلحدوست است. تا امروز هم آزارم به مورچه نرسیده و انشاالله به هیچ جاندار و بی‌جانی هم نخواهد رسید».

اگرچه جنایت، قتل، شکنجه و کشتار جزء ذاتی این رژیم و سردمداران آن است، و طبیعی است که سردمداران این رژیم به‌رغم این گونه دجالگریهای مافوق تصور از میان جاني‌ترین مهره‌ها انتخاب می‌شوند، اما شهادتهای شماری از مجاهدین شهر اشرف که خود شخصاً شاهد جنایات پاسدار احمدی‌نژاد در زندان اوین بوده‌اند، صحنه‌های دیگری از جنایات پاسدار هزار تیر شکنجه‌گر جلاد زندانهای رژیم را افشا می‌کند، پاسدار هزار تیری که از اسامی مستعار متعدد در شعبه‌های مختلف بازجویی و شکنجه استفاده می‌کرد. مثلا به گفته زندانیان سابق او در شعبهٔ ۴زندان این نام خودش را گلپایگانی گذاشته بود که بازجویان به او گلپا می‌گفتند و در بند ۲۰۹ و بهداری خود را میرزایی ، یا دکتر و یا مهندس میرزایی می‌نامید.

شاهدان این جنایات در پی توطئه و دور جدید جنگ روانی رژیم آخوندی علیه مجاهدین، آمادگی خود را برای شهادت در هر دادگاه بین‌المللی در باره جنایات علی احمدی نژاد که درشمار جنایات ضدبشری است، اعلام کرده اند.

آری دیکتاتوری زیر پردهٔ دین آنچنان که پدر طالقانی گفته بود، خطرناکترین نوع دیکتاتوری است و یکی از وجوه چنین دیکتاتوری آنچنان که در شهادتنامه‌های مجاهدین زندانی شاهدیم، مداری جدید و مافوق تصور از جنایت در شکنجه گاههاست. بر اساس شهادت شمار زیادی سیاسی، و میان دژخیمان البته کسانی بودند که به لحاظ ویژگیهای فردی و میزان لذتی که از شکنجه و جان دادن انسانهای در بند می‌بردند، در رأس دژخیمان قرار می گرفتند و به‌همین دلیل هم از سوی ولی فقیه رژیم مقام و منصبهای بالاتری به‌دست آوردند. محمود احمدی‌نژاد یکی از این دژخیمان بوده است. در این باره به اظهارات تعدادی از زندانیان سیاسی که اینک در شهر اشرف به مبارزه خود علیه رژیم ضدبشری آخوندی ادامه می‌دهند توجه کنید:

شکنجه یک پدر ۶۰ ساله توسط احمدی‌نژاد

حمید اکبریان در این باره می گوید:

پدر پیری را که بیش از ۶۰ سال سن داشت به اتاق شکنجه آورده بودند وی قدی کوتاه و هیکلی لاغر و به‌شدت نحیف داشت به‌ناتگزی در خانه مسکونی‌اش دستگیر شده بود میرزایی(پاسدار احمدی‌نژاد) از او اطلاعات فرزندش را می‌خواست آن پدر به‌طور مستمر تکرار می کرد که ماههاست از فرزندش خبر ندارد. ولی پاسدار احمدی‌نژاد پشت سرهم از او سؤال می کرد و آدرس پسرش را می‌خواست. نهایتاً گفت یا حرف می‌زنی یا به حرفت می‌آورم. هرچه آن پدر پیر می گفت که اطلاعی ندارد دست از سر او برنداشت. او را روی تخت شکنجه وسط اتاق خواباند و چندین ضربه مستمر کابل به او زد. با هر ضربه که بسیار محکم بود، صدای فریاد دلخراش پدر پیر بلند می‌شد و تا مغز استخوان پدر پیر بلند می‌شد. طولی نکشید که پدر از هوش رفت وضع جسمی وی چنان وخیم شد که دیگر نتوانستند شکنجه را ادامه بدهند و او را با همان حال از اتاق شکنجه بردند.

ابداع شکنجه‌های جدید توسط پاسدار احمدی‌نژاد

پاسدار جنایتکار احمدی‌نژاد از زجر کشیدن زندانیان و مجاهدین لذت می‌برد و همواره در پی کشف روشهای جدید شکنجه بود. او ابداع کننده چندین روش جدید شکنجه در زندانهای رژیم است. شمار روشهای شکنجه در سیاهچالهای آخوندها به بیش از ۱۷۰نوع می‌رسد.

حمید حبیبی در این باره می گوید:

«یک روزصبح وقتی محمدرضا نوری را به سلول برگرداندند، تمام لباسش خونی بود و از شدت درد اجازه نمی‌داد کسی به بدنش دست بزند. وقتی پیراهنش را درآوردیم دیدیم که تمام بدنش آثاری مثل ضربات چاقو دارد. نمونه این نوع شکنجه را تا آن زمان ندیده بودیم. محمدرضا گفت بازجو یک چیزی مثل ناخن‌گیر ولی بزرگتر در دستش بود که گوشت ویوست رابا هم می‌برید. این شکنجه ابداعی احمدی‌نژاد بود»

شکنجه اعضای خانواده در برابر هم برای شکستن روحیه زندانی

شکنجهٔ اعضای خانواده در برابر چشمان یکدیگر، از جمله شکنجهٔ کودک در برابر چشمان مادر یا پدر و شکنجهٔ زن یا مرد در برابر چشمان همسرش، ازجملهٔ روشهای ضدانسانی است که در طول تاریخ تنها برخی از دیکتاتورها آن را به‌کار برده‌اند. اما این شکنجه در رژیم آخوندی به گونه‌یی بسیار گسترده استفاده می‌شود. از این ضدانسانی‌تر هنگ حرمت زن در برابر همسرش می‌باشد. به گفتهٔ زندانیان سیاسی، به ویژه پاسدار احمدی‌نژاد در این نوع جنایت استاد بوده است.

یوسف پور اصغریان از زندانیان سیاسی که خود سالها در زندان اوین، بوده است در این باره می گوید:

«من در آن زمان در بند ۲۰۹ زندان اوین بودم و طی ۱۶هفته‌یی که جهت بازجویی می‌رفتم شاهد ۳مورد اعمال شکنجه‌های فجیع توسط بازجو میرزایی (احمدی‌نژاد) بودم. مورد اول و دوم آن مربوط به زوج جوانی به‌نام نسرین و محمد جنگزوه است. میرزایی (احمدی‌نژاد) با شلاق‌زدن خانمی به‌نام نسرین و همسرش مجاهد شهید محمد جنگزاده می‌خواست اطلاعات آنها را بگیرد. میرزایی (احمدی‌نژاد) به‌همراه یک دژخیم دیگر که سلمان صدایش می‌کردند، نسرین را جلوی همسرش تحت شکنجه و آزار و اذیتهای بیشرمانه قرار می‌داد تا روحیه هردوی آنان شکسته و به‌این وسیله آنان را وادار به اعتراف نمایند. این زوج مجاهد هردو با پرونده‌یی که احمدی‌نژاد برایشان ساخت به جوخه تیرباران سپرده شدند».

به شهادت رساندن زندانیان در زیر شکنجه

به شهادت رساندن مجاهدین و مبارزین در زیر شکنجه امری معمول در شکنجه‌گاههای رژیم آخوندی بود که براساس فتواهای خمینی جلاد و هم‌چنین حاکم شرعهای جنایتکار او انجام می‌شد.

حمید حبیبی در این باره شهادت می دهد:

«بعد از دستگیری در یکی از روزهای سال ۶۰ زمانی که درشعبه ٤ اوین بازجویی می‌شدم، شاهد بودم که خواهر مجاهدی که او را به اسم کوچک پروانه صدا می‌کردند توسط ۲ نفر از بازجویان شعبه ٤ به نامهای گلپا (که همان احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور ملاهاست) و بازجوی دیگری به‌نام مجیدی مورد شکنجه‌های بیشرمانه و وحشیانه قرارداشت. شکنجه‌گران و همدست دژخیمش کار بازجویی از این خواهر را که صبح همان روز دستگیر شده بود، ازحوالی عصر شروع کرده و تا نیمه‌های شب بی‌وقفه ادامه دادند. مرا بعد از چند ساعت اول از اطاق شکنجه بیرون بردند ولی از پشت در شعبه کماکان صدای ضربات شلاق (کابل) و ناله وفریاد آن خواهر را می‌شنیدم. تا این که بعداز چند ساعت گلپا (احمدی‌نژاد) سراسیمه از اطاق شکنجه بیرون آمد و به سمت یکی از اطاقها رفت و بعد از مدت کوتاهی همراه دژخیم دیگری وارد اطاق شکنجه شد. از پشت در صدای دعوا و جرّ وبحث بازجوها می‌آمد و دیگر صدایی از آن خواهرم به گوش نمی‌رسید. مشخص بود که آن خواهرقهرمان را زیر شکنجه به شهادت رسانده‌اند. سپس با آوردن برانکارد پیکر بی‌جان وی را از اطاق شکنجه خارج کردند.

شکنجه نوجوانان کمتر از هجده سال

حمید اکبریان که ۸سال را در زندان اوین و در زیر شکنجه‌های دژخیمان گذرانده نمونه‌یی از شکنجه‌های بیسابقه در مورد نوجوانان کمتر از ۱۸سال را نیز بیان می کند و می‌گوید:

«یکبار نیمه‌های شب بود که به شدت در اطاق شکنجه بهم کوبیده شد و برادری جوان (حدود ۱٦ تا ۱۷ ساله) را به وسط اتاق پرت کردند. وی نیمه برهنه بود و از نیم تنه به بالا لباسی به تن نداشت و پاسدار جنایتکار احمدی‌نژاد با یک شلنگ قوی لاستیکی که قطر آن بیش از یک اینچ بود و مثل کابل بود ولی با انعطاف بیشتر وی را به‌شدت مورد شکنجه قرار داد و با هر ضربه آن بر پیکر این نوجوان در روی بدن و سینه و پشت وی اثر آن به‌صورت یک خط کلفت و قرمز در لحظه ظاهرمی‌شد که از شدت ضربه و سنگینی وسیله مورد نظر بود، به‌صورتی که در فاصله کوتاهی با حدود ۱۰ تا ۱۲ ضربه تیره، محمود احمدی‌نژاد که در زندان او را میرزایی صدا می‌کردند، دریچه اتاقها را باز می‌کرد، و چیزی به زندانیان می گفت بعداز بازکردن دریچه اتاق ما یک حالت لرزان و ترسان گفت برای هر کدام از این اتاقها یک نارنجک کنار گذاشته‌ایم، و بلافاصله دریچه را بست و رفت.

ما از اتفاقات بیرون خبر نداشتیم، ولی از رفت و آمدها و جست و خیز پاسداران در محوطه زندان و بالای ساختمان و روی پشت بام می‌فهمیدیم، که در خارج از زندان خبرهایی هست. چون به‌شدت ترسیده بودند. هم‌چنین صدای شلیک و تیراندازی را می‌شنیدیم، ساعت چهار بعدازظهر بود، پاسدار هزار تیر محمود احمدی‌نژاد، به همراه یک بازجوی دژخیم به‌نام مصطفی رمضانی و یک پاسدار شکنجه‌گر بند به‌نام محسن در اتاق ما را باز کردند، سه نفر از زندانیها از جمله من را جدا کردند، همین که در اتاق را بستند، چشمبندان را زدند و ما را زیر ضربات مشت و لگد قرار دادند، به‌حدی که ما تعادلمان را ازدست داده بودیم، ما را از توی بند کشان‌کشان به زیر هشت (اتاق نگهبانی بند) بردند. بازهم آنجا میرزایی(پاسدار احمدی‌نژاد) من را زیر مشت و لگد گرفت و به‌داخل یک اتاق چهار در چهار، پشت اتاق نگهبانان و پاسداران بند پرتاب کرد. بعداز دقایقی صدایی شنیدم که از من می‌پرسید جرمت چیست، (فهمیدم آخوند گیلانی است).گفتم فروش نشریه مجاهد. گیلانی گفت کی دستگیر شدی، گفتم سال ۵۹، همان موقع صدای لاجوردی را شنیدم که بلافاصله گفت: مصاحبه می کنی یا نه.

دژخیم لاجوردی همیشه منتظر مصاحبه ما بود. بعد وقتی به لاجوردی اعتراض کردم برگشت رو به میرزایی که همین پاسدار احمدی‌نژاد باشد، گفت ما با اینها کار داریم، این منافق را ببر بیرون.

من را به راهروی بردند که ابعادش حدود ۱۰۰متر در سه متر بود، تعداد زیادی زندانی در این راهرو نشسته بودند، در فرصتی که پاسداران زندان ندیدند، چشمبندم را مقداری بالا زدم. دیدم که دو طرف راهرو زندانیان زیادی با چشمبند نشسته‌اند، تعدادی هم که شکنجه شده بودند، روی زمین دراز کشیده بودند. هر لحظه به تعداد نفرات اضافه می‌شد. دنبال دو نفری بودم که از سلول ما را باهم آورده بودند و می‌خواستم بدانم که آیا آنها کسی از این نفرات را می‌شناسند یا نه؟ ناگهان یکی از بچه‌هایی را که در خارج زندان می‌شناختم، به‌نام وحید دیدم، خودم را به بهانه‌یی به او رساندم. وقتی خودم را به او شناساندم، خبرهای بیرون از زندان را برایم گفت و تعریف کرد که در شهرها بین مجاهدین و پاسداران درگیری بوده و تعداد زیادی در این درگیریها شهید شده و الان هم بقیه دستگیرشدگان را برای اعدام می‌برند.

حدود ساعت هشت شب بود که همه را سی نفر سی نفر به صف کردند. من در صف سی نفر دوم یک نیز وحید بودم. وقتی از ساختمان و محل بندهای زندان اوین خارج شدیم و وارد محوطه زندان شده و به‌طرف پشت بند یک ما را بردند، از آنجا که من از سال ۵۹ در زندان بودم و آن‌موقع بدون چشمبند تردد می‌کردم، آنجا را خوب می‌شناختم، وقتی پیچیدیم پشت بند یک، احساس کردیم که دیگر اعدام قطعی است. یکی از بچه‌ها شروع کرد دعای اللهم انصرالمجاهدین را با صدای بلند خواندن پاسدار احمدی‌نژاد که کنار صف ما حرکت می‌کرد، به زدن زندانیان با کابل پرداخت. و از هیچ اذیت و آزاری علیه زنان و مردان زندانی کوتاهی نمی‌کرد. زندانیهای مجاهد شروع کردند به خواندن سرود. پاسداران برای جلوگیری از خواندن دستجمعی سرود توسط زندانیانی که در آسانه اعدام بودند، تیراندازی هوایی کردند.

.... به محض این‌که سی نفر اول بطرف پشت ساختمان پیچیدند و قبل از رسیدن ما، ناگهان صدای لاجوردی دژخیم بلند شد، که گفت : آقای مهندس میرزایی آن سه نفر را بکش بیرون.

در همین لحظه چند پاسدار آمدند و من را از صف خارج کردند، فکر می کردم چرا مرا از صف خارج کردند.مرا بستند به یک تیرک. با سه قطعه بند چرمی مرا از سه قسمت بدنم، پیشانی، سینه و بالای زانو به تیرک محکم کردند.

بعداز یک رجز چند چشمبند ما را باز کردند. دیدم که سی نفر از بچه‌ها که صف اول بودند،پشتشان به دیواره تپه اوین، و بفاصله ۱۵ متری آنها هم تعدادی پاسدار ژ۳ بدست به‌خط شده بودند. پروژکتورهایی که بالای ساختمان بند یک اوین نصب کرده بودند آن محوطه را روشن کرده بود. من به‌وضوح چهره تک‌تک زندانیان را می‌دیدم. چهره پاسدارهایی که آنجا بودند را هم می‌دیدم. چهره این جلاد خون‌آشام، این پاسدار هزارتیر محمود احمدی‌نژاد را هم بوضوح می‌دیدم، لحظاتی در همین حال و هوا بودم، که لاجوردی فرمان شلیک داد. در یک لحظه دیدم که این سی نفر مثل گلبرگهای بهاری به زمین ریختند. تعدادی از آنها درخون خود می‌غلتیدند و دست و پا می‌زدند. در همین حالت بود که خیلی از آنها که هنوز نایی داشتند با آخرین ذرات وجودشان شعار مرگ بر خمینی درود بر رجوی را سر می‌دادند. پاسدار جنایتکار، هزارتیر، محمود احمدی‌نژاد که به او میرزایی می گفتند، به‌همراه سرجوخه اعدام مجتبی جنایتکار به بچه‌هایی که هنوز در خون خود می‌غلتیدند و هنوز زنده بودند، تیرخلاص می‌زدند.

بهیگاه نمی‌توانم آن حالت را توصیف کنم. سری دوم را آوردند. همان‌جا، در این صف یک لحظه چشمم به وحید افتاد. دیدم که با او داشتم جلو چشمم زنده شد. نفهمیدم چقدر گذشت، من داد و بیداد می‌کردم. دوباره دستور شلیک دادند. بازهم بچه‌ها به زمین افتادند. تعدادی با تمام وجودشان شعار می‌دادند. درود بر رجوی. باز هم تیر خلاص‌زدن توسط این پاسدار هزارتیر،به‌همراه آن جلاد شروع شد. گاهی چشمم به دلیل فشاری که از دیدن این صحنه‌ها احساس می‌کردم، تار می‌شد و نمی‌توانستم ببینم....

به سمت سی نفر سوم شلیک کردند. لحظه‌یی بود که خواهر مجاهدی، روی زانو بود، توی همین حالت شعار می‌داد درود بر رجوی، سلام بر آزادی، مرگ بر خمینی، پاسدار دیگر با تمام وجودش شعار می‌دادند. درود بر رجوی. باز هم تیر خلاص‌زدن توسط این پاسدار هزارتیر،به‌همراه آن جلاد شروع شد. بعد من را بردند به سلول خودم. سایر زندانیان می‌گفتند تا ۱۰ سری سی تایی دیشب صدای گلبارهای متعدد و تیر خلاص شنیده اند. پاسدار سلولها دیشب به‌ما می گفت خیال نکنید که دارند تیر آهن خالی می کنند، بلکه دارند اعدامتان می کنند.

گوشه‌یی از جنایتهای پاسدار احمدی‌نژاد در دیگر زندانهای ایران

پاسدار هزار تیراحمدی‌نژاد نه تنها در زندان اوین، بلکه در زندانهای خراسان، آذربایجان کرمانشاهان و کردستان و بسیاری استانهای دیگر در شکنجه و کشتار زندانیان سیاسی شرکت داشته است.

بهمن طلوع که خود درزندان ارومیه بوده در این باره میگوید

شهریور سال ٦٢ هنگامی‌که در حیاط شکنجه‌گاه سپاه ارومیه در نوبت شکنجه بودم، از زیر چشمبند، احمدی‌نژاد که به اسم میرزایی معروف بود را دیدم. او مجاهد شهید عنایت‌الله باخویش اهل بایل را با خود داخل اتاقی برد و حکم اعدامش را برایش خواند. عنایت شروع به شعار دادن کرد و گفت مرگ بر ارتجاع-مرگ بر خمینی- درود بر رجوی. احمدی‌نژاد او را با کتک به پشت اتاقها برده و بعد از چند دقیقه صدای چندتیر کلت آمد و عنایت‌الله باخویش را اعدام کردند.

میرزایی یعنی احمدی‌نژاد، در شهریور ماه ٦٢ در شکنجه‌گاه ارومیه با یک نفر دیگر آمدند و مرا به زیرزمین تازه‌ساخته‌شده بردند. احمدی‌نژاد خودش روی پشت من نشست و پتو را توی دهنم گذاشته و به شکنجه‌گران دیگر که به نامهای سعید و منصور بودند می‌گفت تا من نگفتم شلاق را قطع نکنید. در واقع احمدی‌نژاد کار شکنجه‌گران دیگر را نیز کنترل می‌کرد.

یک بار در شکنجه‌گاه ارومیه خودم دیدم که احمدی‌نژاد دژخیم، مشغول شکنجه یکی از برادران مجاهد به نام کریم قریشی است و بریشت او نشسته و بقیه اکیپ او کریم را شلاق می‌زنند.

هنگامی که از زندان کنار دریاچه ارومیه مرا به شکنجه‌گاه سپاه منتقل کردند. درابتدای ورود مرا به اتاقی بردند. پاسداری که مرا به آن اتاق برده بود، برای لحظات کوتاهی چشمبند مرا برداشت. دیدم حاکم شرع جنایتکار آذربایجان غربی به نام ایمانی دریالای اتاق نشسته و میرزایی یعنی همین زبیس جمهور هزار تیر رژیم، در کنار او و بقیه بازجوها در دو طرف آنها نشسته‌اند. به محض این‌که من آنها را دیدم با صدای بلند احمدی‌نژاد گفت چشمبند را ببند! و دوباره مرا به سلول منتقل کردند.

محل ثابت احمدی‌نژاد، ارومیه نبود یک بار یکی ازهمین بازجوها به نام امیر هنگام بازجویی گفت الان میرزایی نیست او کارش اینجا نیست یا منصور (که او هم از شکنجه‌گران کردستان بود) به کردستان رفته است کار مهمی پیش آمده!

بهرام جعفری نیز که چهار سال در زندان ارومیه اسیر بوده می گوید:

«من از زمستان ٦١ تا مرداد ٦٥ در زندان ارومیه بودم.

سال ٦١ تشکیلات زندانیان مجاهد زندان ارومیه، رژیم را عاصی و وحشت‌زده کرده بود. کلیه زندانیان مقاوم را برای بازجویی به سپاه برده بودند و رژیم به‌شدت به‌دنبال اتهام این تشکیلات بود. به همین دلیل سال ٦٢ یک اکیپ ۲۰نفره از وحشی‌ترین شکنجه‌گران را از تهران آوردند که رئیس آنها میرزایی بود. میرزایی همان روز اول با یک اکیپ ۱۰-۱۲ نفره با سلاح به بند ۱۲ ریختند که غیرممکن بود چون پاسداران با سلاح به زندان وارد نمی‌شدند. میرزایی بالای تخت رفته و تمام بچه‌ها را گوشه‌یی جمع کرده و عربده می‌کشید که همه‌تون را می‌کشیم و نابودتون می‌کنیم.

بعد هم همه زندانیان را همراه با زدن مشت و لگد به حیاط زندان بردند و شروع به بازرسی تمام بند کردند و همه چیز را بهم ریختند دیوارها را کنده بودند. دنبال سند و مدرک و رادیو بودند.

از همان روز اول بردن بچه‌ها به بازجویی شروع شد و هر روز عصر چند نفر را برای بازجویی می‌بردند که پروسه این بازجوییها تقریباً دو ماه طول کشید که محصول این پروسه این بود که تعدادی از زندانیان ازجمله یونس سعیدرضایی و علیرضا ملکی اعدام شدند. تعدادی هم از جمله خسرو آسیابان و حسن حسنپور زندانیان حکم گرفتند که در جریان قتل عام سال ٦٧ اعدام شدند.

من میرزایی را ۲-۳ بار دیدم که هر بار هم همراه با اکیپش به زندان می‌آمد و از اخودشان شنیده بودم که کارشان و مأموریتشون سرکوب زندانیهاست و قبل از ارومیه در تهران و تبریز و کرمانشاه این کار را کرده بودند»

سخنرانی احمدی‌نژاد در دانشگاه تهران: «احمدی‌نژاد یک معلم مدرسه است. بسیار هم صلحدوست است. تا امروز هم آزارم به مورچه نرسیده و انشاالله به هیچ جاندار و بی‌جانی هم نخواهد رسید».

ـ حمید اکبریان: بازجوی من پاسدار هزارتیر احمدی‌نژاد بود که آن موقع با نام مستعار میرزایی خودش را معرفی می‌کرد

ـ بهمن جنت صادقی: در ۲۸مهرسال ٦۰ (۲۷ سپتامبر ۱۹۸۱) زندانیان سیاسی را که در صفهای سی نفره تقسیم شده بودند، جلو چشم ما تیرباران کردند، احمدی‌نژاد که او را با نام میرزایی صدا می‌کردند و سرجوخه اعدام به‌نام مجتبی، به زندانیان تیر خلاص می‌زدند

حمید حبیبی: احمدی‌نژاد درسال ٦۱ به اسم مستعارمیرزایی بازجویی ازمجاهدین را عهده دار بود حتی شبهای جمعه که سایر بازجوها کار را تعطیل می‌کردند او برای ایذاء بیشتر در زندان کار بازجویی و شکنجه را ادامه می‌داد

ـ یوسف پور اصغریان : «در بند ۲۰۹ زندان اوین بودم و طی ۱٦هفته‌یی که جهت بازجویی می‌رفتم شاهد ۳مورد اعمال شکنجه‌های فجیع توسط بازجومیرزایی (احمدی‌نژاد) بودم.»

از کفر تا ایمان به پیشرفت تکنولوژی در نظام آخونـدی!

یدالله یزدی

روایت است که در روزگاران قدیم وزیری از بازار شهر گذر می‌کرد به ساعت میوه‌فروشی خود آمد و از او هندوانه‌یی سرخ به‌شرط چاقو خواست هندوانه فروش تلنگری بر هندوانه‌یی نهاده پس از انتخاب آن‌را برش داده در جلو وزیر نهاد. هندوانه‌یی به‌غایت گلگون و خوش‌طعم و آبدار. مهارت میوه‌فروش حیرت وزیر را برانگیخت و این‌بار هندوانه‌یی زرد رنگ از وی طلب کرد همان ریل تکرار شد و این‌بار هندوانه‌یی زرد در مقابل چشمان حیرت‌زده وزیر شکافته شد این ریل چند بار به درخواستهای مختلف به همان دقت قبلی صورت گرفت و تحسین وزیر را برانگیخت و ضمن دادن انعام فراوان به او گفت کلمات خوب کار می‌کند ولی افسوس که آن را در هندوانه به کار گرفته‌ای! بی‌آن که قصد قیاس یک کاسب خوب و زحمتکش با سران رژیم جنایتکار در میان باشد، این حکایت به ابداع تازه‌ترین شیوه‌های داستان‌سرایی و شیطان‌سازی رژیم از مجاهدین نزدیک است. به‌تازگی رسانه‌های رژیم آخوندی به یکباره و همه با هم داستان مشترکی را نقل می‌کنند که گویا دوربینهای مدار بسته حرم امام خمینی تصاویری را ضبط کرده‌اند که: «یک زن ۲۳ساله و یک نوجوان ۱۳ساله {جنسیت نامشخص} در حال جمع‌آوری اطلاعات بوده‌اند» و بعد از حادثه نیمه شعبان در کربلا «نزدیک مشترکی که نوری مالکی نخست وزیر عراق با وزیر کشور و دفاع داشت موضوع دستگیری اعضای منافقین مطرح شد که بعداً مشخص شد که آتش بیار اصلی معرکه بوده‌اند». (تلویزیون رژیم و خبرگزاری مهر آخوندی)

این که یک هندوانه‌فروش برحسب تجربه سالیان بتواند از هر ثزاد هندوانه، نوع خوب وسرخ و شیرین و بدارش را شناسایی کند، اصلاً عجیب نیست.

ولی تکنولوژی فیلمبرداری وقتی به‌دست آخوند و پاسدار می‌رسد، نا گهان دچارجهشهای خیره کننده می‌شود!

تصورش را بکنید که آخوندها دوربین فیلمبرداری برای کنترل اماکن مقدسه ساخته‌اند که به خاطر علاقه خاصی که به عراق دارند آنها را اول در کربلا آزمایش کرده‌اند. این دوربینها نه فقط تشخیص می‌دهند که یک زن دقیقاً ۲۳ ساله بوده است، بلکه حتی «منافق» بودنش را هم تشخیص می‌دهند. در زمینه تشخیص سن وسال دقیق هستند نوجوان همراه آن زن ۲۳ساله «منافق» را هم تشخیص می‌دهند ولی در تشخیص جنسیت به‌خصوص نو جوانان خیلی کودن هستند!

شاهکار تکنولوژی آخوندی این است که جنسیت یک نوجوان ۱۳ساله را تشخیص نمی‌دهد ولی می‌فهمد که او زیارت نمی‌کند، بلکه دارد اطلاعات جمع می‌کند که بعداً علیه نیروی قدس سپاه توطئه کنند!

چند روز بعد هم لاریجانی دبیر شورای عالی امنیت رژیم در دو مصاحبه پیاپی (۹و ۲۱ شهریور) ادعا کرد پنتاگون از سازمان مجاهدین خلق ایران خواسته است به جای طرحی به مدت یک سال و نیم برای سرنگونی رژیم و طرحی برای انفجار لوله‌های نفت طی ۲-۳ هفته ارائه کند!

حسابش را بکنید رژیمی که می‌تواند آن دوربینهای هوشمند را بسازد و در کربلا نصب کند تا آن خبرها را برایش جعل کنند، حتماً می‌تواند وسیله گیرنده ـ فرستنده ویژه‌یی هم درست کند که مذاکرات مجاهدین با سران پنتاگون را هم ضبط و به تهران مخابره کند. لابد می‌گویید این که دیگر اختراع جدیدی نیست که مثلاً میکروفونی بگذارند و استراق سمع کنند! درست می‌گویید ولی اشتباه می‌کنید! چون رشد صنعت و پیشرفتهای علمی ـ تکنولوژیک رژیم ولایت فقیه را دست‌کم گرفته‌اید، آنها وسیله‌یی ساخته‌اند که این گزارشهای اطلاعاتی را به‌خصوص باب طلب سران رژیم، تولید می‌کند؟ بعضی به زبان بی‌زبانی از این طریق به پنتاگون می‌گویند که با انفجار لوله‌های نفت و انواع درگیریهای مرزی مشکل نداریم. گلوله‌باران مناطق مرزی کردستان عراق هم برای این است که قشقرق آخوندی پا کیتم و بگوییم از این مساله جزئی ناراحتیم، اما تا اعماق و مغز استخوانمان از جای دیگری می‌سوزیم و پیام ما برای سران پنتاگون و کاخ سفید این است که تو را به خدا مثل تمام ۴دهه گذشته هوای ما را داشته باشید . شما که خودتان خوب می‌دانید یکسال ونیم آینده دوره و مرحله تعیین تکلیف ماست، تو را به تمام مقدسات اسکباری! نگذارید مجاهدین با سیاست و استراتژی و هوشیاری انقلابی و رابطه‌های مردمی خودشان در ایران وعراق سرنگونی ما را زمینه سازی و محقق کنند!

کسانی که می‌گویند رژیم آخوندی حاکم بر ایران در هیچ زمینه‌یی رشد نداشته اگر کمی انصاف به خرج دهند از مطلق بودن این نظریه کوتاه خواهند آمد چرا که رژیم در صنعت دجالگری از چنان رشد چشمگیری برخوردار بوده که نفرت هر آدم منصف و حتی غیرمنصفی را در دنیا بر انگیخته است. در اوایل انقلاب فیلم‌سلطنتی که استاد چیره‌دست این صنعت یعنی خمینی دجال که هنوز زمین از لوث وجودش پاک نشده و در عتاب بود، روزی‌نامه‌های رژیم هر روز خبر از کشف وسائل لهو و لعب و وافور و تریاک و...در خانه‌های نیمی مجاهدین را می‌داد، این اخبار دستپخت رژیم حتی برای افراد عادی و غیرسیاسی این سؤال را مطرح می‌کرد که اگر مجاهدین واقعاً ادعایی بلندتری آخوندها همراه نمی‌شوند که از صدور آن تا ذیلش اهل منقل و وافور و فسق و فجورند؟ پس چرا اپوزیسیون او شده‌اند؟ چرا مجاهدین که چنان تشکلات و حمایت مردمی دارند که محرمانه‌ترین اسرار خیانتها و جنایات و مفاسد آخوندها را افشا می‌کنند چطور از پس نابودی وسائل دجالگری بلندتری آخوندها برنمی‌آیند؟ البته این‌همه هیچ تناقضی در اذهان مردم شریف و آگاه ایجاد نمی‌کرد چرا که طرفین دعوا برایشان شناخته شده بودند.

این ویژگی خمینی و شاگردان خلف اوست که چیزهایی در کارگاه دجالگری ابداع می‌کنند که کاملاً جدید و آکنده هستند ودر یک زمینه کلمه‌شان خیلی خوب کار می‌کند.

به قول سخنگوی مجاهدین: «کافی است دولتهای عربی دست از حمایت رژیم پلید آخوندی و سرکوب و محاصره و محدود کردن و ضبط امکانات مجاهدین بردارند، در این صورت مجاهدین خلق و خلق قهرمان ایران در کوتاهترین مدت بند از بند رژیم آخوندی خواهند گسست. همان مجاهدان آزادیتان که خمینی را وادار به خوردن زهر آتش‌بس و سپس دق‌مرگ کردند».

برگردیم به مقایسه هندوانه‌فروش دوره‌گرد و دروغبافیهای رژیم آخوندی، بیچاره هندوانه‌فروش زحمتکش تمام هم و غم و هوش و تجربه‌اش را به‌کار می‌گیرد تا هندوانه‌اش تو زرد! نباید و زندگیش را بگذراند.

اما آخوندها چکار می‌کنند؟ وقتی می‌گویند در غنی‌سازی به مدار صنعتی رسیده‌ایم، و تا امروز هیچ کس هیچ گزارش روشنی از نطنز و اراک نیاورده که واقعاً چه می‌گذرد؟ راست یا دروغش پای خودشان و حتماً چوبش را انشاالله با قطعنامه‌های پی در پی می‌خورند. اما دروغگویی و رذالت «غنی‌شده» محصولی است که داریم هر روز آن را به چشم می‌بینیم و به گوش می‌شنویم! دیگر چرا باورش نکنیم؟ مدار و سطح صنعتی و کمال و پیشرفت تکنولوژیک رژیم به کجاها که نرسیده است؟

اگر دهشاهی ایمان شما به مقام ولایت و معجزاتش پارسنگ بر نمی‌داشت، پیش پای خودتان دروریبهای «هوشمند» نصب شده در کربلا و نجف و میکروفونهای «دردمند» نصب شده در پنتاگون و کجا و کجا لنگ می‌انداختید و دیگر این همه خود را گرفتار کفر و زندقه نمی کردید!

«پـرواز دل به‌سوی خدا می‌بـرد مرا...»

ناهید همت آبادی

سالهای خیلی دور وقتی یک روز ـ انگار بعد از هزارسال ـ از حصار تب تنهایی و بیتابی مزمن آزاد شدم، عزم کردم پس از آن بی‌هیچ واهمه ازمرگ یاحسرت بی‌حاصلی زندگی از دست شده، نه به مسجد بروم نه کنیسه وکلیسا و اگر هم به تصادف گاهی باز گذارم به‌چنین خانه ویا صومعه‌هایی افتد، محض دیدار و نماشای رنگ فیروزیی کاشیها ومعرقهای رواق مسجد و سپس گوش سپردن به آواز دل‌انگیزمؤذن و نوای روح‌نواز ارگ غول‌آسای کلیسا باشد یا خیره‌شدن به تکاپوی عبور نور خورشید از جدار شیشه‌های رنگی روزنه‌های سقف محراب آن‌هم آن‌گاه که آشفتگی روح و تنم در ورطه غرقاب غریبانه قرن و فقدان رفاقتها، سهم آرامش خود را ناچار در جاذبه زیباییهای طبیعت وهنر و سپس غرقه‌شدن دردایره شادی معصومی می‌جست که گمان می‌کردم این‌گونه خدا را نیز آسانتر می‌شد یافت، به اندازه طاقت قلب به او عشق ورزید و هم از او به ضرورت گاهی گله وشکوه نمود. مشکل این بود اما که خدای گمشده خود را من باید طی سالهای شاد جوانی وسپس روزهای بی‌آرام دلشدگی، تنهایا واسطه پدر و مادری آزاده ولی بسیار دوگانه و بسی سرسخت در باور و ایمان بشناسم و همین باعث می‌شد تا ذهنم پیوسته با احساسی سخت دو سویه مشغول شود و مرا به دو اندیشه و دو فلسفه گوناگون سوق دهد ضمن این‌که البته این فرصت ناب را نیزبه من می‌داد که در آزادی کامل، هوس بی‌نام ونشان وحریصانه خود را دریافتن رو خدا و شناختن او که برایم سالهای سال دل‌مشغولی دایم بود، دنبال کنم تا اگر او را هرجا وبهرقیمت که شده بازیابیم وهمو باشد که در رؤیای فرزانگی خویش آزرویش را داشتم ، اصلا از او دل نکنم وتا روز قیامت نیز رهایش نکنم و با پرسشهای پیچ درپیچ دچارسرگیجه و دردسرش سازم. به‌این ترتیب من سالهای نوز و دراز در میان دو باور، دو ایمان وبسا تردید جانکاه در تب‌وتاب، تلاطم وبلاتکلیفی مأیوسانه سرکردم ونمی‌دانستم پدرم یا مادر کدامیک با مناسک، آداب عبادت واعمال خود به خدا نزدیکتر است. وقتی که پدر سرتاسر سال با نان و غذا و زمستانها بایتیمی از هیزم و زغال توی آلونکهای پرانده‌و فقرا می‌پلکید تا سفره خالی آنها را با لقمه‌یی نانی گرم ـ در حد توان ـ ، اجاق خاموش وسردشان را با قطعه سوزانی هیزم وقلبهای غریبانه پرغمشان را روشن شمع نیم‌سوخته تماشاکردم، مبهوت آن‌همه جذبه وسکوت، مفتون فهم چگونگی وجود خدا شدم. هرساله صبح عاشورا نیز وقتی از خانه بیرون می‌زد وتا دو روز باز نمی‌آمد، برای همه اهل خانه این مسأله بسیار عادی بود جز من که در بحبوحه جادوی جوانی وسرگردانی سالهای تنهایی، مدتهای مدید نمی‌دانستم با انبوهی سهم غذا به سراغ گودنشینها رفته تا سوگواران زمین را به‌قول خودش در روز سوگواری عظیم زمان سیر کند و با آن ایمان قلبی و نیاز روحی تاب درکنار مردم محروم بیگناه که رنجبور فقر و رنج آنان بود، سرکند. افسوس اما که فقط روزهای آخرزندگی‌اش گاهی وقتها دراین باره با او حرف زده تازه آنهم بیش ازآن‌که پرسشگری متین وجستجوگرباشم، پرخاشگری لجوج ومتعصب بودم اما همان موقع هم ـ با دردی که قلبش را از تأثر بسیار از ظلم رفته به مردم تا وطنه مرگ متورم کرده بود ـ به کنایه و با بغض گره‌خورده در گلو می‌گفت می‌خواستم یکبار هم که شده درزندگی به‌جای طعم نان خشک درآب خیس شده، مزه و طعم غذای ظهر عاشورا را بچشند. آن‌وقت سرش را نکیه می‌داد به پشتی، دستش را روی سینه پرتپش دردمند می‌گذاشت ودر آن حال که از گوشه چشمان بستهش قطره‌های اشک به‌تاوب روی جلیقه کهنه می‌چکید، آهسته به‌من سفارش می‌کرد پس ازمرگ، چشم‌انتظارانش رافراموش نکنم و آنها را تنهانگذارم.

حالا دل غمگین ویبفرار ما بین که در حسرت مرگ آن نازنین و زندگی ناگزیر در غربت این زمانه بی‌حیای غریب، هوس کرده در اوج بلوغ رنج ازجنون جهان ـ مثل او ـ اما با جسارت و جرأت هنوز به‌جا مانده ازجوانی دور، به جبران کبحریهای بی‌اجتناب جانفرسا وبیشتر با انگیزه از جذبه بی‌انتهای پدر به حقیقت یگانه محض و حرمت بی‌حد او به شأن انسان وزندگی مثلا کاری کند «کارستان» و چنان‌چه مناسب شرایط جاری هولناکی هم باشد که گوزرازان آدمخوار بر مردم آوار کرده‌اند، بی‌شک آرزوی دیرپای پدر نیز برآورده خواهد شد یعنی یکسره‌به انبارکنان فقره آتش سوزان افتاده و ریشه وبن هر جرثومه فقر و فساد سرتاسر سوخته و خاکستر خواهد گردید طوری که پس از آن دیگر هیچ زنی یامردی به تمنای یک لقمه نان، تن خودبانکدیی ازبدن خود رانآهم در خاک بارور ثروتمندی مثل ایران نفروشد ویچه‌های «کارتن خواب» خیابانی، واژه زندگی را تنها درهذیان تب و رؤیای محبت گمشده هجی نکنند. راستش گمان نکنم باچنین وضع هولناک ناهنجار، پدرم نیز اگر هنوز زنده بود با دیدن فاجعه وبن هر جرثومه فقر و فساد سرتاسر سوخته و خاکستر خواهد گردید طوری که پس از آن دیگر هیچ زنی یامردی به تمنای یک لقمه نان، تن خودبانکدیی ازبدن خود رانآهم در خاک بارور ثروتمندی مثل ایران نفروشد ویچه‌های «کارتن خواب» خیابانی، واژه زندگی را تنها درهذیان تب و رؤیای محبت گمشده هجی نکنند. راستش گمان نکنم باچنین وضع هولناک ناهنجار، پدرم نیز اگر هنوز زنده بود با دیدن فاجعه وبن هر جرثومه فقر و فساد سرتاسر سوخته و خاکستر خواهد گردید طوری که پس از آن دیگر هیچ زنی یامردی به تمنای یک لقمه نان، تن خودبانکدیی ازبدن خود رانآهم در خاک بارور زنوینازی می‌نشست و با همین نقطه اتکا وکولهباری ازمهر و غذا فقط به آلونکها سر می‌زد، بلکه به احتمال زیاد ـ باشناختی که با هزار افسوس و صد دریغ خیلی دیر ـ وتنها در اواخرعمرش از او بدست آوردم، بی‌شک مغموم وبی‌قرار از تکرار تاریخی چنین مصیبت‌بار، هم رنج خود از جنایات جاری برمردمی را که بسیار دوستشان می‌داشت بی‌لحظه‌یی درنگ در وسعت فلک فریاد می‌کشید و هم با تواضع بی‌همتا و غرور ناشی از ایمان قلبی تاب به مردم و خدا، به قیامت و قیام برمی‌خاست. هرصبح عاشورا نیز تنها سراغ گودنشینان را نمی‌گرفت وبا دیدن و لمس «شام غریبان» ملتی دردند و دردمند نیز فقط به‌افروختن مظلومانه شمعی چند به‌جای برافروختن آتش قهر و قیام راضی و دلشاد نمی‌گردید بلکه بی‌تردید پس از آن‌که هزاران بار به‌درستی و یقین راههای اعتقادی خود را با انگیزه و باور به عمل پیموده و به‌تجربه آن را محدود و ناکافی یافته‌بود، ناگزیرآخرسر با همان باور دیرین به‌نیکویی و خدمت به خلق محروم و انجام آداب خاص عبادت به‌درگاه خدا، به راهی دیگرگونه درجادیی سخت عجیب، پرخم وپیچ اما نه موقت و جدید می‌گرویند تا فراتر از تقسیم سهم غذا و ناچیز غذا در میان فقرا و دلجویی بی‌تأثیر زودگذر از آنها، یکجا به پرانداختن ریشه هرعامل فقر، قحطا، ظلم و جنایت منجر گردد و بساط ستم جلادان و جنون جهل، تزویر و نادانی را اول از خاک وطن براندازد آن‌گاه در سرتاسرگیتی نیز شاید روزی برسد که ارزش انسان به فرزانگی او باشد نه رنگ پوست، نوع اندیشه ومذهب یا ثروت وقدرت.

در تکرار خاطرات دور و گذر از هزارتوی پیته‌پسته زمان نباید سهم آخر را به مادرم می‌دادم زیرا نه فقط درحافظه‌ام بلکه انگار هنوز در برابر چشمانم نیز با آن جثه اثیری کوچک، پیش ازگرگ ومیش صبح و اذان سحر، جیره روزانه کبوترها را کنار حوض حیاط و ریزدانه‌های سهم گنجشگها را روی هره پاشویه حیاط خلوت می‌پاشد تاوقت دانه برچیدن، کسی مزاحمشان نشود و دچار ترسشان نکند. بعد هم مسحور تماشای آب نوشیدن آنها که پس از بسیار دانه برداشتن و سیرشدن، نوکهای کوچکشان را به‌کرات توی پاشویه فرو می‌برند و با نوشیدن هر قطره آب سرهایشان را طوری روبه بالا می‌گیرند که پرهای نازک زیرگلویشان پف می‌کند، شاد و معصومانه می‌خندد و می‌گوید انگار در آن بالاها به‌دنبال خدا می‌گردند وبدر هربار نق می‌زند که از جنجال صبحگاهی گنجشگها و جدال دائم آنها با کلاغها که دانه‌هایشان را می‌قاپند، بدخواب و تمام روزکسل می‌شود. گوش کلیسا یا خواندن یک آیه قران که بی‌هیچ شبهه وشک همه اینها را نیز مظهر عشق و خدا می‌داند، پیش از هر وقت و زمان دیگر سر شوق می‌آید و با شیفتگی بی‌همتا و همان سادگی و تیزی چهچهه گنجشکها، زیر لب زمزمه سرمی‌دهدومی‌خواند: «با بال شوق ذره به خورشید می‌رسد»، که من اول از معنای آن اصلا سردرنمی‌آوردم و بیشتر در تنهایی ناخواسته غرق می‌شدم و از این‌که نمی‌فهمیدم خدا را در خنکای زیرزمینی با حوض وفواره کوچک که پدر در آنجا با او به رازونیاز می‌پرداخت و سپس در کلبه‌ها و آلونکها باید جستجو و پیداکنم یا در آشیانه و آواز شب‌پره‌ها، شعرها و سرودهای کلیسا یا در آسمانی ـ که مادر اغلب سر به‌سوی آن برمی‌داشت و در آن بالادست با خدا حرف می‌زد و

تقاشی از استاد بهرام عالیوندی

مادرم اما اصلاً به این حرفها بدهکار نیست، بی‌اعتنا به اعتراض پدر و سرخوش ازتماشای پرنده‌هایش، به مناسک و آداب نماز رو می‌آورد و پس از وضو، دعای نماز را هم عمداً طوری با صدای بلند و کشدار می‌خواند که همه اهل خانه را برای برپایی نمازصبحگاهی بیدار کند تنها من خودخواه و بس جسور از سرگستاخی ولجبازی، سالها نه هرگزگوش به دعوت او به عبادت سپرده‌ام و نه به آداب عشق‌ورزی او با پرنده‌ها، گلها و ستاره‌ها اعتنا یاجو کرده‌ام. تا پیش از ظهر همیشه خود را به دروغ به کسالت و خواب می‌زنم شاید تمام روز بی‌معتهای مزاحم اهل خانه بتوانم در رؤیای مالیخولیایی خود سیروسلوک کنم. صدای ساز او اما که ازکنج اتاق زاویه تا دم ظهریکدریز طنین‌انداز می‌شود با آن‌که تارهای قلبم رامی‌نوازد و آوارگی روحم را کمی تسکین می‌بخشد اما وقتی که عصرها لابه‌های غیرقابل رؤیت لجنهای سطح کاشیهای فیروزیی حوض حیاط را طوری با وسواس می‌شوید‌که ماهیهای کوچک قرمز و طلایی وقت بازیگوشی توی پاشویه حوض، پولکهای تنشان از سائیده شدن به کاشیها زخمی یا خونین نشود، وقتی شبها دور از چشم همه، شبوبها و پر شب‌پره‌ها را می‌بوید و گاهی برای جفت تو یافته بلدرچین یک آشیانه چوبی می‌سازد، مات و مبهوت دلم می‌لرزد، از حرص و حسادت می‌خواهم گریه کنم و آهسته به‌خود می‌گویم این زن سودایی سر به‌هوا یک جادوگر افسانه‌یی است. کفر نابالغ این زن مان من و او آخر سر دریای جذابی و جنون خواهد گسترد وقتی هنگام نماز مغرب و عشا جانمازش را همه وقت غیر از روزهای بارانی سرد، کناروحض کاشی روی سجاده‌یی بانقش حرم وشبنم گلها می‌اندازد و چنان فارغ از اطراف نماز خود را با تمرکز می‌خواند که انگار به جهانی دیگر در کشف و شهود نایل آمده‌است و من درعالم کودکی خام پیوسته خیال می‌کردم هنگام نماز روحش از تن یکسره سوی خدا رفته و بعداً به‌زمین برمی‌گردد. وقت وی‌وقت با پرداختن به هر جلوه زیبای طبیعت، گوش سپردن به موسیقی و آواز درد دل می‌کرد ـ ، دچار چنان تردید و دوگانگی رنج‌آوری می‌شدم که نه تنها شور و شادی جوانیم را تباه می‌کرد بلکه پیوسته طوری مرا به دو سویی کشید که بی‌هیچ دلبستگی و انگیزه زندگی، در سر درگمی وروزمرگی مطلق دست‌وپا می‌زدم و آرزومی‌کردم خدایان گزیده پدر و مادر را اصلا نمی‌شناختم و به اراده خود معبود آسمانی دلخواه‌ام را که نمی‌دانستم چگونه باید باشد، جستجو و پیدا می‌کردم شاید مثل خدای خانواده دستاویزی شود برایم که دوست بدارم، عبادت خدا و خلق هر دو را یکجا به‌جا بیاورم یااگرهیچ‌یک از اینها دست ندادد، لااقل آخرسر بی دوگانگی وتضاد زجرآور دائم، در خموشی وآرامش روزمرگی بتوانم زندگی را تا انتها روی دوش خود حمل کنم. راستش اما از آن‌جاکه ـ خوب یا بد ـ بهرحال آدمی یک‌دنده ولجوج و به‌طرزی بیمارگونه کنجکاو بودم ـ و چه پنهان که هنوز هم گاهی هستم ـ ، چندی در وادی مذهب، عرفان و هنر پرسه زدم و در سفرهای دوروردار شب و روز و پس از دیدار و تماشای «عجایب صدگونه بسیارعجیب» جوری از تأثیر باورها و اعتقادات مذهبی در روح و اندیشه بشر که به خلق آثار و شاهکارهای بی‌همتای هنری راه برده‌بود، دچار شگفتی وبهت تاتمام شدم که آرزو کردم خود نیز بیازمایم با همین انگیزه و دستاویز می‌توانم استعداد و خلاقیت پنهان شده را بارز کرده و تجسم بخشم یا چون پدر و مادرم آدمهایی معتقد و با ایمان اما نه هنرمند بودند باید از سر لجبازی با آنها هم که شده ازخدای دلخواه‌شان که هریک از راه عبادت و اعمال خاص خود او را ستایش می‌کرد، دائم ایراد بگیرم و اگر جرأت داشته باشم گاهی از را حتی نفی کنم. مدتها بعد اما از سفرهای هوسبازانه بی‌مقصد هم خسته و سرخورده شدم، آن‌گاه از سرکنجکاوی، بی‌ترس در بادیه‌ها با روستاها با مردم بی‌پیرایه و ساده در الفت و دوستی همراه گشتم و ساعتهای فراوان درکومه وکپرهای گر گرفته ازهرم آفتاب بیابان یا سرمای زمهریر زمستان با آنها سرکردم. در دشتهای سرسبز پریشان از باد و بوران، از شکیبایی معصوم سیاه‌چادرها متعجب ماندم وبسیار درس آموختم گاهی حتی هنگام کوچ تابستانی‌شان باآنها همراه شدم وسرانجام در جهانی دگرگونه وسرسخت، زندگی را متفاوت از خانه و آرامش مأنوس شناختم و به‌همان اندازه که با آن اخت شدم کمی زیر به آن دل بستم باآن‌که هنوز گاهگاهی آرزوی لمس خنکای زیرزمینی که تشنگهای فواره حوض کوچکش، ماهیهای طلایی راپه شیطنت وامی‌داشت، هوس بوییدن پیچکهای یاس زرد و سفید وقتی که غروب تابستان باغچه و حیاط را آب می‌دادند و رایحه گرمای زمین با عطر اقاقیها می‌آمیخت و بیش از هر چیز... گاهی هم گوش سپردن به پژواک گنگ آیات نماز بی‌چشمداشت مادر، دلم را به نکاپومی‌انداخت وهوا می‌زد بسرم که پس از هر سفر طولانی با گریز ناگزیر دوباره مثل یک پرنده دست‌آموز خانگی به آشیانه قدیمی خود برگردم و رخوت و رؤیای بکر روزگار جوانی را دیگربار تکرار کنم. اماچون خود خواسته هیچ‌یک از اینها اصلا دست نداد و به‌تجربه دریافتم که نیمه‌یی از «من» در پیچاپیچ هولناک و سرگیجه‌آور جادوها و کورم‌راههایی که با هزار هراس و تردید پیموده‌ام، یا در برخورد با هزارگونه انواع آدمها گم شده‌است و آن نیمه مغرور و لجوج آلوده به سهو و سهل‌انگاری نیز چنان مهبوت جلوه‌های جوراجور و بسیار جهان لایتناهی شده است که انگار از اول لاوجود بوده ویا مرده به‌دنیا آمده است.

حالا پس از آن‌همه سال گمی با خود فکر می‌کنم آیا همراه شدن و آمیختن با مردم ساده و پاکدلی که اوضاع پذیرفته زندگی جاری خود و بروز هرحادثه‌یی را فقط خواست خدا می‌دانستند، دیدار فرزانه زنان یا مردانی که فوتن وآزاده فقط نیروهای مافوق طبیعت راممتنر دانسته وستایش می‌کردند و مهمتر از همه دانشمند عجیبی که روزی به‌تصادف گفت به‌من هر چه اسرار هنرها وعلوم را می‌کاود، بیشتر رمز هستی و خدا را می‌بیند، ذهن و اندیشه من را متحول کرده و تغییر داده یا آن نادیده‌نادرکه بعد از مرگ پدر، مادرم یکروزگفت به‌من یکفر هست که در پنهان و عیان، در حرف وعمل پیش از هر کس در راهش صادق وثابت قدم است، بی تمنا و ریا هم خدا را می‌پرستد، هم در آیین و مسلکی بی‌شبه خویش، آداب عبادت را پشتوانه بی‌چون و چرای گفتار و رفتار در خدمت به خدا و خلق می‌داند و به رازداران از قول مولایش «علی» روزی گفته : «انسان قبله‌گاه خداوند است» و برای آموختن این رسم به انسانها، از سنت و آداب دست‌وپاگیر روزمره دست شسته و روزنه عادات گرفتاری مرسوم و علائق را بر خود بسته تا در کومه‌های سوت و کور و کپرهای سرد و متروک، شعله جاودان و سرکش آقایی جانبخش و جهانگیر را چنان مشتعل کند که آدمهای بی‌انگیخته از مهر خدا مانند پدرم، زندگی را ناگزیر یکسویه فقط صرف تقسیم غذا و لقمه کوچک نان در کپرها و آلونکها نکنند و ایمان ارزنده و انگیزه نامه بشری صرف آموختن و آموزش وبروز خلاقیت درفرازی دیگرگونه و نوگردد. از مادرم اما راستش سالهاست اصلا بی‌خبرم ونمی‌دانم هیچ آیا باز هنوز شور و انگیزه پیشین را دارد تا به پیشواز موعود،آن نیم بیت دلخواهش را با آواز زیر و زیبا مثل روزهای دور تکرارکند: «بال شوق ذره به خورشید می‌رسد...» تا آن‌موقع خدای ناکرده اما اگر او زنده نباشد یا اصلاً نتواند که بخواند، بیت دوم این شعر را من نیز سالها در مذهب خویش پنهان از همگان، جانشین همه آداب عبادت کرده و آن را در عمل باروز ساختمام وچنان‌چه چند صباحی زندگی هم هم‌چنان مهلت دهد لابد تا آنوقت از لجبازی وبکدندگی مزمن هم دست برداشته‌ام که در آن صورت با نیم دلی صدایی که هنوز باقی مانده برایم اما باقوت قلب ویقین خواهم خواند: «پرواز دل به‌سوی خدا می‌برد مرا...» و تا روز قیامت آن را تکرارخواهم کرد.

یـادداشت

منوچهر هزارخانی

«برهان قاطع» آخوندها

«چرا خواستار تحریم سخت‌تر رژیم از طرف کشورهای دیگر هستید؟ مگر نمی‌دانید که دود چنین تحریمهایی فقط به چشم مردم بی‌گناه کشور می‌رود؟ به آخوندهای حاکم که ضرری نمی‌رسد، همه پولهای نفت در اختیار آنهاست. قوتش، در شرایط تحریم، مایحتاجشان را به چند برابر قیمت از بازار سیاه ـ و به احتمال بسیار، از دلالان همان تحریم‌کنندگان ـ می‌خرند. آنها که در این میان له می‌شوند و از بین می‌روند مردم بی‌گناه ایران اند!»

این دلسوزی شبداته برای «مردم بی گناه» از موضع «مخالف رژیم»، شگرد تازه آخوندها، و به یک معنی نسخه تجدیدنظر شده همان «تبدیل مخالف به متنقد و متنقد به موافق» است که زمانی خاتمی با آن معرکه می‌گرفت. حالا مزدوران رژیم با خدمتگزاران بی‌چیره و مواجبش این نسخه جدید را درگوش ایرانیان وز نی کنند. لابد واسطه‌ها و دلالهایش هم با همین زبان «واقعبینگرا» باطرف حسابهای خارجی حرف می‌زنند.

نتیجه اخلاقی این داستان؟ کاملاً روشن است: برای نجات «مردم بی‌گناه ایران» از فشار خردکننده تحریمها، هم سودآگران جهانی باید به ممانات با رژیم ضدبشری ادامه دهند و هم ایرانیان منتفر از ولایت فقیه، ولو برای اثبات مهندوستی خود، باید مدافع بانذ مافیایی حاکم شوند. جالتاحاتین چنین استدلالی در افکار، این مزیت را دارد که هم بریده‌های ذهنی را بدون احساس ناراحتی یا عذاب وجدان، جذب رژیم می‌کند و هم برای «تجار محترم» جهانی راهگشای بازی دلپذیری می‌شود که نتیجه‌اش، طبق اصطلاح خودشان، برد ـ برد است.

اما در این برهان قاطع آخوندی یک نکته بسیار جزئی و ناقابل وجود دارد که به عمد در ابهام گذاشته شده است: بازی مورد نظر رژیم با نتیجه برد ـ برد (برد آخوندها ـ برد سوداگران جهانی) هزینه سنگینی دارد؛ این هزینه را چه کسی باید بپردازد؟ جز کارگران جان به لب رسیده ایرانی؟ جز معلمان زحمتکش و مظلوم ایرانی؟ جز زنان ستمدیده و تحت سرکوب ایرانی؟ جز دانشجویان شجاع و مبارز ایرانی؟ خلاصه جز همه آزادیخواهان و عدالت طلبانی که قربانیان روزمره طاعون ولایت فقیه بوده‌اند و هستند؟ در این صورت، آیا برای نجات مردم بی‌گناه ایران از فشار تحریمها، باید به توصیه «اسلام عزیز» خواستار استثمار و سرکوب مضاعف آنها شد؟

طرح این سؤال البته به پرسشهای دیگری، به ویژه در مورد اتخاذ یک سیاست درست مقاومت، راه می‌برد که مهمترینش این است: اگر فرض یک بازی بین آخوند حاکم و سوداگر جهانی با نتیجه برد ـ برد قابل تصور است، آیا چنین فرضی را می‌توان در درگیری مقاومت و آخوندها هم متصور دانست؟ اگر نه، یعنی اگر مقاومت به سازش با حکومت آخوندی (و به طور کلی‌تر با حکومت دینی) تن در نمی‌دهد، پس این دعوا فقط یک برنده می‌تواند داشته باشد. در چنین صورتی تنها سیاست درست برای مقاومت تلاش همه‌جانبه برای سرنگونی رژیم ولایت فقیه و استقرار یک حکومت لائیک و دموکراتیک به جای آن است. جنبش مقاومت ما تا کنون در این راه گام برداشته است. این سیاست درست، عقلانی و منطبق با خواستهای فروخورده مردم را باید از این پس هم، بی‌ذره‌یی تزلزل، ادامه داد و «برهان قاطع» آخوندی را با قاطعیتی دوچندان بر فرق آخوندها کوبید.

تقـویـم سـالهـای سخـت

رحمان کریمی

جدال با ظلمت ظا لم
آفتابی را بایسته
که هیچ تیر ابر سهمگینی
پوشیده اُنس مدارد هرگز .

به تجربه
با استخوانهای شکسته در راه
به منزلگاه خورشیدی رسیدم
که شعله‌های سیلابی عشق را
در زخمه‌های سرخ تجربه
تقویم کرده است.

چه بیهوده
لگد بر آفتاب می‌کوبند
و چشمه‌ساران خورشیدی اُنس را
تعقیب.
در سرشت ظلمت است که در قیرگون بخت خویش
تعویق مرگ خود را
با شمارت تازه‌یی
تعجیل می دهد.

پنجم اکتبر ۲۰۰۷

به‌یـاد یکی از سـرداران آزادی میهن کلنـل محمدتقی خان پسیـان

مزار کلنل محمد تقی خان پسیان در مشهد

کلنل محمد تقی خان پسیان، در سال ۱۲۷۱ شمسی در محله سرخاب تبریز به دنیا آمد. وی تحصیلاتش را در زادگاهش آغاز کرد و در سال ۱۳۲۴هجری قمری به تهران آمد و وارد مدرسه نظام شد.

در سال ۱۲۹۹ شمسی پس از سپری کردن مراحل مختلف و بارز شدن شجاعت و فرماندهی‌اش به‌خصوص در شکست قوای روسیه در جریان جنگهای جهانی اول که به ایران تجاوز کرده بودند، در زمان صدارت مشیرالدوله ریاست ژاندارمری خراسان را بر عهده گرفت. افکار آزادیخواهانه او برایش در میان مردم نفوذ و اعتبار فراوانی به‌دست آورد. کلنل پسیان با توجه به نفوذ بیگانگان در ایران و ناسامانی اوضاع کشور، برای خارج شدن ایران از زیر نفوذ انگلیس و بهبود وضع مردم، مبارزه با حکومت مرکزی را آغاز کرد و بدین ترتیب قیام افسران در استان خراسان به وقوع پیوست. در این قیام، کلنل پسیان امور استان را کاملا در دست گرفت و قوای تحت فرمانش با نیروهای طرفدار دولت مرکزی جنگیدند. سرانجام در یکی از این درگیریها، محمد تقی خان پسیان، این مبارز خستگی‌ناپذیر در تاریخ دهم مهرماه در سن ۳۱ سالگی کشته شد و سرش را از بدن جدا کردند. با کشته شدن او، قیام افسران خراسان علیه ظلم و جور دولت مرکزی نیز فروکش کرد. در روز ۱۶ مهر ماه ۱۳۰۰ شمسی با حضور گسترده مردم پیکر کلنل آزادیخواه، با اجرای تشریفات نظامی درکنار آرامگاه نادرشاه در مشهد به خاک سپرده شد. پس از مدتی در یک اقدام کینه‌توزانه قوام‌السلطنه و رضا خان، دستور به جابه‌جایی پیکر پسیان از باغ نادرشاه را صادر کرده و حتی قبر او را محو کردند. پس از سالها با روی کار آمدن دکتر مصدق و به دنبال درخواستهای مردمی دوباره پیکر پسیان به کنار آرامگاه نادر انتقال یافت.

پسیان خدمات بسیار ارزنده‌یی به خراسان نمود از جمله بهبود وضعیت ناسامان اقتصادی و سیاسی خراسان - گرفتن مالیات از سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ خراسان - جمع‌آوری سلاحهای غیرمجاز در شهر - تشکیل کمیته عدالت برای رسیدگی به شکایات مردم - تشکیل کمیته مبارزه با مواد مخدر در خراسان - ایجاد انبار گندم مدرن (سیلو) - ایجاد سه مدرسه دولتی - تاسیس بانک - تشویق صادرات ایران - ایجاد تفریحگاههای سالم موسیقی و فرهنگی و دهها خدمات عمرانی و فرهنگی دیگر.

پایداری کلنل پسیان به عنوان یک افسر آزادیخواه که قلبش برای آزادی و استقلال میهنش می‌تپید و شهادت قهرمانانه‌اش تأثیرات بسیار وسیع اجتماعی در سطح کشور و به خصوص در همان منطقه گذاشت. به طوری که برخلاف تصور دشمن که می‌پنداشت با شهادت پسیان جنبش او نیز از بین خواهد رفت هواداران پسیان بر فعالیتهای خود افزودند. رضاخان مجبور شد برای سرکوب آنان «حسین آقا مبرینج» (سرلشکر حسین خزاعی) را به مشهد اعزام کند. او قیام هواداران پسیان را با شدت سرکوب کرد و تعدادی را دستگیر و تعدادی را تیرباران کرد. اما باز هم شور آزادیخواهی شدت گرفت.

قیام پسیان و روح آزادیخواه و وطنپرست او هم‌چنین تأثیر زیادی روی شاعران و موسیقیدانان آن دوره گذاشت و اشعار و ترانه‌های بسیاری برای او سروده‌اند و خوانده‌اند.

عارف، ترانه‌سرای آزادی که با عقاید مهن‌پرستانه کلنل پسیان آشنا بود، به او پیوست و به عنوان یکی از مشاوران نزدیک رهبر قیام، در راه تحقق آرمانهای وی صمیمانه تلاش کرد امیدهای عارف درباره نجات و پیشرفت کشور، همه در وجود کلنل پسیان متبلور شده بود که با شهادت کلنل نقش برآب می‌شود. عارف، در سوگ کلنل پسیان فرار داشت. محمدتقی بهار (ملک‌الشعرا) درباه نحوه شهادت پسیان نوشته است: «از طرف شوکت‌الملک والی قائنات و سردار معزز والی بجنورد و خوانین زعفرانلوی قوچان به حمایت دولت علامات مخالفت با کلنل بروز کرد و شجاع‌الملک رئیس ایل هزاره و قسمتی خوانده شد و در سالهای بعد در ارکستر گلها به رهبری روح‌الله خالقی توسط بنان دوباره‌خوانی گردید.

علاوه بر عارف، شاعر بزرگ ملی، ایرج میرزا نیز از کسانی بود که به‌شدت تحت تأثیر کلنل پسیان قرار داشت. محمدتقی بهار (ملک‌الشعرا) درباه نحوه شهادت پسیان نوشته است: «از طرف شوکت‌الملک والی قائنات و سردار معزز والی بجنورد و خوانین زعفرانلوی قوچان به حمایت دولت علامات مخالفت با کلنل بروز کرد و شجاع‌الملک رئیس ایل هزاره و قسمتی از ایل تیموری به ریاست شوکت‌السلطنه و سید حیدر و طوایف بریری و سالارخان بلوچ علائم خلاع آشکار کردند و دولت، کلنل را در صفحه خراسان طاغی و سرکش معرفی کرد.» («تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران» ملک‌الشعرای بهار)

سرِ بریده کلنل محمدتقی خان پسیان، روی سرِ سرهنگ و قاتل او فرج‌الله خان که با سلاح ظاهرا دیده میشود

پسیان گفته بود: مرا اگر بکشند قطرات خونم کلمه ایران را ترسیم خواهد کرد و اگر مرا بسوزانند خاکسترم نام وطن را تشکیل خواهد داد.

آستان قدس، تیـــول جنایتکاری دزد!

علی خلخال

برای رفع خستگی هم که شده یک لحظه به شیوه پیروان آئین (بودیسم) چشمها را روی هم بگذارید و ذهن را متمرکز کرده ونحوه راه رفتن «شلنگ ـ تخته» را در ذهن تمرین کنید. واقعاً سخت است، اما جهت تمدد اعصاب توصیه می‌شود!

بدهیتی او به‌خاطر قد و قواره‌اش که هنگام راه رفتن شلنگ ـ تخته‌اندازی می‌کرد نبود. بلکه خدای ناکرده اگر چشمتان با چشمان گرد جغدگونه و بینی معوج عقابی‌اش قلاب می‌شد ضربان قلبتان چند برابر می‌شد. هرروز یادگیک کتاب جلد تیماجی که بعدها فهمیدم جامعه‌المقدمات است از کوچه شیخ محمد تقی راسته بالا خیابان به سمت بست حضرتی می‌رفت.

در این راسته خیابان آدمهای عجیب وغریبی رفت وآمد می‌کردند. در میان آنها چهره‌های زرد تهرانی با مخلوطی از طلبه‌های رنگ و رورفته عهد قاجاری واقعاً تماشایی بود.

یکی از این چهره‌ها که همیشه ما اورا به «آل» تشبیه می‌کردیم،همین شلنگ تخته‌انداز جغد چهره بود...با یک نیمته بلند مندرس و یک عرقچین سیاه و یک جفت کفش ارسی. روزانه دوبار از این راسته رفت‌وآمد داشت.

جریانات سالهای ۴۲ که سپری شد یک شب گفتند که پشت منزل حاج حسن آقا فی‌یک دهه روضه آخر ماه صفر برگزاری‌شود، ما هم رفتیم و فقط همین «آل» بد منظر که حالا دک و پوزی به هم زده بالای منبربود. از اول به سبک مرشد و استادش شیخ محمد تقی فلسفی (از جرح جررر... داق) مسیحی لبنانی تا (اگووو...ست کنت) فرانسوی را به هم بافت، با قل هو الله شروع و با آن هم ختم کرد، اما آخرش هم ما نفهمیدیم چه چیزی را می‌خواست به مستمعین حالی کن.

درتمام دوران قبل از انقلاب رابطه این آخوندکلاش باآیت‌الله شیخ احمد کفایی و آقای مروارید هنوز در پرده ابهام است. و اگر نه اجازه پیدا نمی‌کرد بعد از نماز عشاء در زاویه تاریک مسجد حاج ملا هاشم برای جمعی از طلبه‌های شهریه بگیر بیت آیت‌الله شیخ احمد کفایی و مدرسه نواب درس سیوطی را شرح کند.

«آل» ما که همان شیخ عباس طیسی بود نسبت به شیخ نوغانی، یکی از آخوندهای وابسته به رژیم گذشته، خیلی بد و بیراه می‌گفت. ما آدمهای ساده هم فکرمی‌کردیم چون این شیخ نوغانی زنی می‌است طیسی از موضع ضد رژیم به او می‌زند.

آن شب ما که از پشت میله‌ها داشتیم فیلم خیر مقدم‌گویی این آخوند نوغانی را در آخرین مسافرت شاه به مشهد از تنها تلویزیون سیاه و سفید زندان نگاه می‌کردیم یک مرتبه ناله جگرسوز شیخ طیسی با طنینی پُر حسرت بلند شدکه « این پولها یکراست به دربار فرستاده می‌شود!» به صفحه تلویزیون که نگاه کردم دیدم آخوند محمدرضا نوغانی با بنایی (۲) را در گوشه وکنار صحنی ساخته، برای آبادانی و حتی تعمیرات این بنا، چندین قریه یا روستا را پیشواند هزینه‌های آتی آن قرار داده است. علت هم این بوده که متولیان بعدی دچار مضیقه نشوند. برهمین قیاس هزاران پارچه آبادی در سراسر این استان حتی در شهرستانهای دیگر نیز وجود دارد که وقف بارگاه آستان قدس است. از باغات و قنوات که بگذریم شواریع وطرق (راهها) که درگذشته عوارض می‌پرداختند نیز شامل این گونه وقفها می‌شدند.

یکی از وقف نامه‌های خاص‌الخاص مربوط به پذیرایی از زوار است. مهمانخانه حضرتی باید غذای زوار را تأمین کند. مسکن نیز برای زوار در نظر گرفته شده است. همه اینها دارای وقف‌نامه است که اگر رژیم ضد بشری برای ملاخورکردن تمام اموال حضرت آنها را ازاین نبرده باشد باید درموزه آستان قدس موجود باشد.

هدایای خزانه حضرتی: شامل مجموعه هدایایی است که درطول تاریخ ۱۲۰۰ساله این بنای عظیم و بارگاه با شکوه از طرف دوستداران حضرتش و همچنین سلاطین و پادشاهان و امرا کشورها تقدیم شده است (مانند خنجر و شمشیرهای جواهر نشان و تاجهای مرصع و مزین به انواع نقوش آراسته به الماس و مروارید و سنگهای قیمتی) و هر آن چه درقدیم گنجینه محسوب می‌شده دراین خزانه وجود داشته است. گوهرهایی که بعضاً خراج یک مملکت محسوب می‌شده از روی ارادت و اخلاص تقدیم خاکپای حضرتش شده، و با خزاین شاهان رقابت می‌کرده است.

نذورات: نذورات عموماً نقدی هستند. مانند ریختن پول در ضریح و یا چنبی مانند فرشهای نفیس و چلچراغ و جارهایی که واقعا هرکدامشان طرفه‌ی هستند بی نظیر. مجموعه این امکانات و سرمایه‌هاست که قبل از انقلاب درآمد آستان قدس روزانه به یک میلیارد تومان برآورد شده بود.

اما بعد از انقلاب که «آل» زشت طینت ما تبدیل شد به دیوی خبیث سرمایه آن را در خدمت خانه‌های و طیسی قرار می دهد. ولی شد. با حاکمیت آخوندها غارت، و نه دزدی که کلمه‌یی بسیار ضعیف و نارسا برای کار «آل»های حاکم است ابعاد نجو می‌گرفت.

اشاره‌یی بکنم به مجموعه‌یی که آستان قدس نام گرفته و بزرگترین کارتل خاورمیانه است.

موقوفات: خیلی از زمینها وآبادیهای این استان پهناور درطول سالهای گذشته وقف آستانقدس شده است. مثلا فردی خیر، یا یکی از امرا و سلاطین گذشته، مسجد یا مدرسه یا بنایی (۲) را در گوشه وکنار صحنی ساخته، برای آبادانی و حتی تعمیرات این بنا، چندین قریه یا روستا را پشتوانه هزینه‌های آتی آن قرار داده می‌کنند. طیسی اضافه کرد: خدا می‌داند درآمد آستان قدس چقدر است؟ همه را شاه بدون این که به وقف نامه‌ها عمل کند بالا می‌کشد. حتی از این پول زوار هم که برای ادای حاجات داخل ضریح می‌ریزند در نمی‌گذرد.

اینجا می‌گفت. اما من نمی‌توانستم باور کنم که چند سال بعد، یعنی وقتی شاه می‌رود، چنگالی بسا بسا تیزتر از چنگال شاه به جان آستان قدس می‌افتد و تمام امکانات و سرمایه‌ها و طیسی قرار می‌گیرد.

«آل» ما که همان شیخ عباس طیسی بود نسبت به شیخ نوغانی، یکی از آخوندهای وابسته به رژیم گذشته، خیلی بد و بیراه می‌گفت. ما آدمهای ساده هم فکرمی‌کردیم چون این شیخ نوغانی زنی می‌است طیسی از موضع ضد رژیم به او می‌زند.

آن شب ما که از پشت میله‌ها داشتیم فیلم خیر مقدم‌گویی این آخوند نوغانی را در آخرین مسافرت شاه به مشهد از تنها تلویزیون سیاه و سفید زندان نگاه می‌کردیم یک مرتبه ناله جگرسوز شیخ طیسی با طنینی پُر حسرت بلند شدکه « این پولها یکراست به دربار فرستاده می‌شود!» به صفحه تلویزیون که نگاه کردم دیدم آخوند محمدرضا نوغانی با چند خادم در داخل ضریح حضرت رضا هستند و دارند پولها را (قلعه‌یی) در داخل کیسه‌های مخصوص می‌چپانند و سرش را هم مهر و موم می‌کنند. طیسی اضافه کرد: خدا می‌داند درآمد آستان قدس چقدر است؟ همه را شاه بدون این که به وقف نامه‌ها عمل کند بالا می‌کشد. حتی از این پول زوار هم که برای ادای حاجات داخل ضریح می‌ریزند در نمی‌گذرد.

اینجا می‌گفت. اما من نمی‌توانستم باور کنم که چند سال بعد، یعنی وقتی شاه می‌رود، چنگالی بسا بسا تیزتر از چنگال شاه به جان آستان قدس می‌افتد و تمام امکانات و سرمایه آن را در خدمت خانه‌های و طیسی قرار می دهد. ولی شد. با حاکمیت آخوندها غارت، و نه دزدی که کلمه‌یی بسیار ضعیف و نارسا برای کار «آل»های حاکم است ابعاد نجو می‌گرفت.

اشاره‌یی بکنم به مجموعه‌یی که آستان قدس نام گرفته و بزرگترین کارتل خاورمیانه است.

موقوفات: خیلی از زمینها وآبادیهای این استان پهناور درطول سالهای گذشته وقف آستانقدس شده است. مثلا فردی خیر، یا یکی از امرا و سلاطین گذشته، مسجد یا مدرسه یا بنایی (۲) را در گوشه وکنار صحنی ساخته، برای آبادانی و حتی تعمیرات این بنا، چندین قریه یا روستا را پشتوانه هزینه‌های آتی آن قرار داده می‌کنند. طیسی اضافه کرد: خدا می‌داند درآمد آستان قدس چقدر است؟ همه را شاه بدون این که به وقف نامه‌ها عمل کند بالا می‌کشد. حتی از این پول زوار هم که برای ادای حاجات داخل ضریح می‌ریزند در نمی‌گذرد.

اینجا می‌گفت. اما من نمی‌توانستم باور کنم که چند سال بعد، یعنی وقتی شاه می‌رود، چنگالی بسا بسا تیزتر از چنگال شاه به جان آستان قدس می‌افتد و تمام امکانات و سرمایه آن را در خدمت خانه‌های و طیسی قرار می دهد. ولی شد. با حاکمیت آخوندها غارت، و نه دزدی که کلمه‌یی بسیار ضعیف و نارسا برای کار «آل»های حاکم است ابعاد نجو می‌گرفت.

اشاره‌یی بکنم به مجموعه‌یی که آستان قدس نام گرفته و بزرگترین کارتل خاورمیانه است.

موقوفات: خیلی از زمینها وآبادیهای این استان پهناور درطول سالهای گذشته وقف آستانقدس شده است. مثلا فردی خیر، یا یکی از امرا و سلاطین گذشته، مسجد یا مدرسه یا بنایی (۲) را در گوشه وکنار صحنی ساخته، برای آبادانی و حتی تعمیرات این بنا، چندین قریه یا روستا را پشتوانه هزینه‌های آتی آن قرار داده می‌کنند. طیسی اضافه کرد: خدا می‌داند درآمد آستان قدس چقدر است؟ همه را شاه بدون این که به وقف نامه‌ها عمل کند بالا می‌کشد. حتی از این پول زوار هم که برای ادای حاجات داخل ضریح می‌ریزند در نمی‌گذرد.

اینجا می‌گفت. اما من نمی‌توانستم باور کنم که چند سال بعد، یعنی وقتی شاه می‌رود، چنگالی بسا بسا تیزتر از چنگال شاه به جان آستان قدس می‌افتد و تمام امکانات و سرمایه آن را در خدمت خانه‌های و طیسی قرار می دهد. ولی شد. با حاکمیت آخوندها غارت، و نه دزدی که کلمه‌یی بسیار ضعیف و نارسا برای کار «آل»های حاکم است ابعاد نجو می‌گرفت.

اشاره‌یی بکنم به مجموعه‌یی که آستان قدس نام گرفته و بزرگترین کارتل خاورمیانه است.

موقوفات: خیلی از زمینها وآبادیهای این استان پهناور درطول سالهای گذشته وقف آستانقدس شده است. مثلا فردی خیر، یا یکی از امرا و سلاطین گذشته، مسجد یا مدرسه یا بنایی (۲) را در گوشه وکنار صحنی ساخته، برای آبادانی و حتی تعمیرات این بنا، چندین قریه یا روستا را پشتوانه هزینه‌های آتی آن قرار داده می‌کنند. طیسی اضافه کرد: خدا می‌داند درآمد آستان قدس چقدر است؟ همه را شاه بدون این که به وقف نامه‌ها عمل کند بالا می‌کشد. حتی از این پول زوار هم که برای ادای حاجات داخل ضریح می‌ریزند در نمی‌گذرد.

اینجا می‌گفت. اما من نمی‌توانستم باور کنم که چند سال بعد، یعنی وقتی شاه می‌رود، چنگالی بسا بسا تیزتر از چنگال شاه به جان آستان قدس می‌افتد و تمام امکانات و

م. وحیدی

...من بهاری خواهم ساخت
من بهاری خواهم ساخـــت
از صدای رویش بنفشه‌ها و افراها
از قصه‌های دراز تسبهای تردید
زمستانی
از قاصدکانی
که در جنگل یادها
بر طبل زخمها می‌کوبند
و ظلمت را
در وحدت آب وستاره و خاک
پوست می‌اندازند
من بـــهاری خواهـــم ساخت
از ســـرود پرواز پرنـده ای
که در صدای زیستن
گم شده است...

در این ایام، زمانی به کارهای عقب افتاده‌ام اختصاص داده‌ام. از جمله، صحافی و ترمیم برخـی از کتابهایم، "گرنه برداری" از برخی منابع ادبی و تاریخی، شن ریزی دور باغچه، دوختن قسمت‌هایی از پارگی کوله پشتی‌ام و آماده کردن آن و برخی کارهای دیگر. به مناسبت "روز جهانی کارگر"، مطلبی با عنوان " نگاهی به جشن ماه مه" آماده کرده‌ام، که فردا ارسال می‌کنم.

یکی از مکان‌هایی که هر وقت به آنجا می‌روم، به سختی از آن دل می‌کنم، «کتابخانه مرکزی» است. با انبوهی کتاب، روزنامه، مجله، نشریه که بخشی از آنها متعلق به سازمانها، احـزاب، گروهها و انجمن‌هاست، که در قفسه های کد گذاری شده، به عنوان آرشیو نگه‌داری می‌شونـد کتابها. درزمینه های سیاسی، اجتماعی، تاریخی، ادبی، فلسفی، ورزشی، مذهبی و... مارکسیستـی هستند، و درطول هفته، علاقمندان زیادی را به‌خود جلب می‌کنند. کتابهای تازه چاپ نیز، هرچند وقت یکبار به قفسه‌های کتاب افزوده می‌شوند. جلو درب ورودی کتابخانه، و محوطه چمن کاری شده آن، عکس‌هـا و تصاویر مشاهیر بزرگ ایران و جهان پژوهشگران، شخصیت های فرهنگی و سیاسی، نویسندگـان، شاعران نامی، چون شکسپیر، سیمون دوبوار، دهخدا، دکتر معین، ماکسیم گورکی، مولوی، حافظ، پروین اعتصامی، احمد شاملو، ساعدی، سعید سلطانپور، خسروگلسرخی و... فروغ فرخزاد، در قاب عکس های بزرگ، روی سکوهای شکل سنگی، قرار داده شده، که بسیار چشمگیر است.

مسئولیت این کتابخانه، با دوست و برادر فرهیخته‌ام، مهدی است، که همواره با فروتنی و روی گشاده، پاسخگوی مراجعین می‌باشد.

صبح در سالن، بازی‌های پرشور جمعی داشتیم، که بسیار دلچسب و سرگرم کننده بود و اصلا متوجه نشدیم کی ظهر شد. در شروع بازیها، مسابقه "ماست خوری" بود. چهار شرکت‌کننده روبروی چهار کاسه ماست، ایستاده و در حالیکه دستهاشان در پشت قرار داشت، باید ماستها را، تا ته می‌خوردند. آن‌که زودتر از بقیه، ماستش را می‌بلعید، برنده، و یک نوشابه جایزه می‌گرفت

مسابقه دیگر، "طناب کشی" در بیرون سالن بود. ده نفر اینطرف و ده نفر آنطرف طناب ایستاده و آترا ، به طرف خودشان می‌کشیدند. وسط آنها، روی زمین، یک چاله مربعی شکل، به طـول و عر ض ۲×۲ کنده و داخل آن، آب ریخته بودیم. گروهی که زورش بیشتر بود، بقیه را، باطناب به طرف خودش می‌کشاند و نفرات آترا در آب می‌انداخت (در این میان، هرکس سعی در فرار داشت، و از افتادن درآب، پرهیز می‌کرد، او را دنبال کرده، دست وپایش را گرفتـــه و تلاپی، می‌انداختیمش تو آب)

در مسابقه‌یی دیگر، چهره کاریکاتوری "دجال" را که برروی مقوایی کشیده بودیم باتوپ تنیس، مورد هدف قرار می‌دادیم. از پنج توپی که در اختیار داشتیم، باید چهار توپ را، به هدف می‌زدیم، در این صورت، برنده محسوب می‌شدیم. جایزه این مسابقه، یک "پفک نمکی" بود، که من بردم.

بازی شطرنج در سالن، با وجود کثرت بچه‌ها و سروصدای زیاد ، کار مشکلی بـود. (اگرچه بعضی ها با خیال راحت نشسته و بازی‌شان را می‌کردند).

بازی شطرنج، گاه «جمعی» می‌شودیعنی بچه ها می‌آیند بالا سر بازیکنان می‌ایستند و شروع به رهنمود دادن به دوطرف می‌کنند بعد از ظهر، برای شرکت در جشن‌های نوروزی، با بوق و کرنا و طبل و سنج و شیپور، به سالن امجدیه رفتیم. در اتوبان "گروههای شغب" به محض پیاده شدن از خودروها، بزن و بکوب خود را، شروع کرده و بقیه که کنار آنها بودیم، با دست زدن همراهیشان می‌کردیم:

ـ شهر بندر قشنگه، شهر بندر قشنگه
مردمش اهل جنگه، بهر آزادی خلق
با دشمنون می‌جنگه...

همه نازیم به ایرون، همه نازیم به ایرون
با پرچم سه رنگ، شیروخورشید نشانش،
مردم قهرمانش...

مجریان برنامه در جشن، سه نفر بودند که گاه، جوک هایی از آخوندها تعریف می‌کردند که باعث خنده جمعیت می‌شد. در میان برنامه ها، مسابقات هوش، بیست سوالی، و طرح معما هم گنجانیده شده بود، که به نزدیک‌ترین و درست‌ترین پاسخ ها، جایزه های نقدی، مثـــل توپ ورزشی، راکت تنیس، و بسته های کادو پیچ شده تنقلات و شکلات که ما اسم آنرا "بسته های مشوق" گذاشته بودیم، داده می‌شد.

برنامه، با "نوروز خوانی" عمو نوروز و حاجی فیروز (و تعداد زیادی حاجی فیروز جانبی‌که تروفرز، آمدند بالای سن و رقص مدرنی اجرا کردند) شروع شد و با تئاتر و نمایشنامه های سیاسی ـ کمیک، و آوازخوانی، رقص، موسیقی کلاسیک و اجرای کنسرت، توسط هنرمندان مقاومت، ادامه پیدا کرد.

یکی از زیباترین کارهای گروه هنری کر، بازخوانی ترانه ـ سرود جاودانه "بهاران خجسته باد" بود که خیلی از آن لذت بردم. وقتی تصویر و پیام نوروزی خانم "مرضیه"، بانوی بزرگ موسیقی ایران، بـه رزم آوران آزادی، بر پرده های وایـد اسکرین پخش شد، بلند شـــدیم ایستادیم و تا مدت زیادی کف زدیـــم/

خانم مرضیه، از دوستداشتنی‌ترین هنرمندان مقاومت، با چهره ای شاداب و بهاری و با بیانی صمیمانه و امید بخش گفتند:

اگر چه زمستان، تا آخرین ذره برف، سعی می‌کند، همچنان بر جا بماند، ولی گل خورشیـــد بهار، همیشه پیروز است...

در این روزگار سخت، که مردم مملکت ما در ظلمت شب، چشم براهند، نوری باشید بر ایرانمان بتابید و برف سرد زمستان را، ذوب کنید. برای نجات ایران، به پیش برای فتح تهران، بـــه پیش

در ردیـف‌های جلو، میهمانان محترم عراقی، با خانواده هاشان نشسته بودند. کودکان آنها در میان ما می‌چرخیدند و مورد نوازش و محبت قرار می‌گرفتند. (من به خورشیـــد بهار، همیشه شکلات داشتم، دادم به آنها) "گروه های شادی"، پس از اجرای هر برنامه، یکهو فعال می‌شدند و با ساز و ضرب و پایکوبیشان، سالن رابه حرکت و جنبش در می‌آوردند:

ـ دریا توفان شد، موجها سیلاب شد
از خروش خلق، ایران آزاد شد
ـ دنیا باید بدونه، ارتش مریم هزار هزاره
گلهای باغ مریم، گلهای باغ مریم
زده جونه، زده جونه
ـ ما تشنه دیدارشیم آوالا آوالا
تشنه اون صدایشیم آوالا آوالا
دوستش داریم، دوستش داریم
سر به پایش، ما می‌داریم

همچنین، در میان برنامه ها، مواقعی که چند ثانیه سکوت برقرار می‌شد، یکدفعه، یک گوشه سالن، و بعد، همگی شعار می‌دادیم:

ـ ارتش مریم با مژگان، شعله سرکش تا تهران

یا:

ـ ماعاشقان مریمیم، مریم به تهران می‌بریم

وشعار ها چند بار، با صدایی کوبنده،که سقف را به لرزه در می‌آورد، تکرار می‌شد. باران شرشره ها وکاغذهای طلایی و رنگی که از سقف سالن بر سرجمعیت می‌ریخت، جلوه دیگری اززیبایی این جشن بود.

تیم ها و گروههای پذیرایی، در عرض چند دقیقه، با میوه و شیرینی وآجیل های بسته بندی شده، ازجمعیت پذیرایی می‌کردند.

به فرارگاهمان برگشته بودیم، که "خواهر مژگان، خواهر صدیقه" و دیگر خواهران شورای رهبری و برادران مسئول سازمان، به سالن ما آمدند. در حالیکه، دم درب ورودی، این طرف و آنطرف ایستاده و جاده ای برای عبور آنها درست کرده بودیم، کف می‌زدیم و شعار می‌دادیم

ـ با صدیقه، با مژگان، پیش بسوی تهران

و:

ـ مسعود، مریم، عیدتان مبارک !

وقتی همگی وارد سالن شدیم، خواهر مژگان گفتند:

ـ مایرای عید دیدنی آمده ایم

باخوشحالی کف زدیم و سوت کشیدیم بچه های شمالی، بلافاصله رفتند لباسهای محلی و سنتی‌شان را پوشیدند و آمدند سالن و رقصی شاد و پرتحرک با موسیقی شمالی اجرا کردند.پس از یک پذیرایی سرپایی از میهمانان و گفتگوهای کوتاهی که میانمان انجام شد ، خواهـــر مژگان گفتند: «ما باید برای عید دیدنی، به جاهای دیگر هم برویم...»

ما نپذیرفتیم و اصرار کردیم که شام میهمان فرارگاه ما باشند، اما پذیرفته نشد. با وجود ایـــن، خواهرمژگـان قول دادند، در اولین فرصت، یک شب، میهمان فرارگاه ما باشند.

با گرفتن این قول، حلقه دور آنها را، گشودیم و آنها با بدرقه و مشایعت ما، از سالن خارج و سوار بر ماشین هاشـان شدند و رفتند.

پنجشنبه / ۲ فروردین / ۸۶

کتابخانه اشرف

«یادداشت روزانه»

ارتجاع می‌شود.

درست روز ۱۷تیر نعره‌های آخوند طیسی را که از رادیو پخش می‌شد هنوز در گوشم طنین دارد. «ما تا الان شما را مراعات کردیم ولی از این به بعد سه کاریاشما می‌کنیم: اول دست راست وپای چپ شما راقطع می‌کنیم وبه صلیب می‌کشیم دوم از کوه پرت می‌کنیم و سوم نفی بلد (به شیوه آخوندها یعنی سربه نیست). آخوند طیسی وآخوند هاشمی‌نژاد و آخوند موسوی قوچانی به طور مستقیم در شکنجه‌گاههای رژیم حضور داشتند. آنها شب و روز کار می‌کردند و با چه ترس و در عین حال سبعیتی روی مجاهدین حساسیت نشان می‌دادند. خود این جنایتکاران مستقیماً در قتل و کشتار دست داشتند.

یکی از مجاهدینی که به دست همین طیسی جنایتکار به شهادت رسید احمد سیماب نام داشت. او بنایی زحمتکش بود که به خاطر هواداری از سازمان دستگیر شده بود. وقتی روی تخت شکنجه آش ولاش شده بود طیسی به سراغش رفت و درگوشش خواند: «تو را به این کارها چکار؟ اینها دانشجو و روشنفکر بودند، تو چرا؟ حالا هم اگر توبه کنی من کاری می‌کنم که آزاد شوی!»

احمد درهمان حال نیمه بیهوشی اشاره می‌کند که می‌خواهم جوابت را بدهم، صورتت را بیاور جلو. طیسی صورت خود را نزدیک دهان احمد شهید می‌برد و احمد تمام توش وتوان خودرابکارمی‌گیرد و آب دهانی غلیظ همراه با خونابه به صورت طیسی می‌افکند.

این کار احمد چنان خشم طیسی را بر می‌انگیزد که دستور می‌دهد او را از تخت بلز کنند و دو تیر کلت بنای زحمتکش زانو، و یک تیر به جای حساس بدنش می‌زند. احمد با فریادهای گوشخراش زمین را چنگ می‌زند و طیسی بالای سر او می‌ایستد و اجازه زدن تیرخلاص را نمی‌دهد. احمد آن قدر درد می‌کشد تا در خون خضاب شده خود شهید می‌شود. (۳)

پانویس:

۱ـ همه این بارگاه عظیم رضوی دریک زمان ساخته نشده من باب مثال: ایوان عباسی و گلدسته روی آن ازدوران صفویه به معماری شیخ بهایی باقی است و یا مسجد گوهرشاد از یادگارهای دوران تیموریان است...

۲ـ این لفظ ترکی است. بعمنی واگذارکردن دولت خالصه‌ای از خالصه ها، یاماليات قریه‌یی را به یکی از نوکران خود در ازاء مواجب او درتمام عمر.

درگذشته دولت مرکزی که خان خانان (یا شاه شاهان) بود ایالات را به والی واگذار می‌کرد در ازاء وجه مشخصی، این امر حاکم را مجاز می‌کرد که گرفتن مالیات وعشریه بهر شیوه واین حاکم صاحب جان ومال ونوامیس مردم بود.

یک نمونه تاریخی آن آصف الدوله حاکم خراسان درسال ۱۳۲۴هجری قمری چون آن سال خشکسالی بود مردم قوچان نتوانستند مالیات خود را بپردازند، آصف الدوله حاکم خراسان دستور داد که فرزندان آنها بعنوان ماليه ازاء عشریه از هرخانوار گرفته شود...کتاب بیداری ایرانیان نوشته ناظم الاسلام کرمانی.

۳ـ لیست شهدا: به شماره ۰۵۵۱۵ - تاریخ شهادت ۱۲/ تیر /۱۳۶۰ – نحوه شهادت: زیر شکنجه.

بحران هسته‌یی رژیم

جرج بوش: ما به اعمال تحریمها ادامه خواهیم داد

رئیس‌جمهور آمریکا در یک مصاحبه اختصاصی با تلویزیون ان.بی.سی در روز ۱۹مهر۸۶، نسبت به‌عواقب مجهزشدن رژیم ایران به سلاح اتمی هشدار داد.

مجری این تلویزیون پرسید: آیاشما تصمیمی اتخاذ کرده‌اید که بخواهید به ایران حمله کنید؟ رئیس‌جمهور آمریکا پاسخ داد: من متعهد شده‌ام با جهان همکاری کنم تا مصمما به رژیم ایران بگویم ما دست به هر کار ممکن خواهیم زد تا به شما بفهمانیم نبایستی داشتی تولید سلاح هسته‌یی داشته باشید. چرا که یکی از بزرگترین تهدیدها برای صلح در جهان، این خواهد بود که رژیم ایران به سلاح هسته‌یی مجهز شود و با دستیابی به سلاح اتمی فرصت و امکان باخجوخواهی و تهدید بیابد.

جرج بوش افزود: من گفته‌ام که همه گزینه‌ها روی میز است، اما من این تعهد را به‌مردم آمریکا داده‌ام که به شیوه دیپلوماتیک کار خواهیم کرد تا مشکل را حل کنیم و به‌همین دلیل است که شما می‌بینید سازمان ملل متحد با کشورهای اتحادیه اروپا و چین و روسیه کار می‌کند تا این پیام روشن را به رژیم ایران بفرستد. ما به اعمال تحریمها و سخت‌تر کردن وضعیت برای رژیم ایران از زمانی که رفتارش را تغییر دهد، ادامه خواهیم داد.

جرج بوش در ادامه این مصاحبه گفت: من خطاب به مردم ایران گفته‌ام ایالات متحده به ایران و به مردم این کشور احترام می‌گذارد، به سنت غنی آنها احترام می‌گذارد، ولی رژیم ایران تصمیماتی می‌گیرد که زندگی را برای مردم آن کشور سخت‌تر می‌کند. تصمیمات رژیم ایران منجر به منزوی شدن این کشور شده است.

رئیس‌جمهور آمریکا افزود: من تصریح کرده‌ام رژیم ایران نباید به غنی‌سازی اورانیوم ادامه بدهد. آمریکا در مورد جاه‌طلبیهای هسته‌یی رژیم ایران نگرانی عمومی وجود دارد و این نگرانی محدود به یک حزب نیست.

کاندولیزا رایس: اگر رژیم ایران به خواست جامعه بین‌المللی تن ندهد، قطعنامه سوم تحریمها را به رأی می‌گذاریم

کاندولیزا رایس، وزیر خارجه آمریکا، رژیم ایران را عامل بی ثباتی در خاورمیانه دانست و بر ضرورت تحریمهای گسترده ازجمله تحریمهای تسلیحاتی علیه این رژیم تاکید کرد.

خبرنگار تلویزیون ای.بی.سی که در روز ۲۰مهر۸۶، با وزیر خارجه آمریکا مصاحبه می‌کرد، از وی پرسید: ما شاهد عبور سلاح از ایران به عراق هستیم، آیا زمان تحریم تسلیحاتی رژیم ایران فرارسیده است؟

کاندولیزا رایس در پاسخ گفت: «این اقدام خوبی است که بخواهیم تحریم تسلیحاتی بر رژیم ایران دارای وقف‌نامه است که اگر رژیم ضد بشری برای ملاخورکردن تمام اموال حضرت آنها را ازاین نبرده باشد باید درموزه آستان قدس موجود باشد.

هدایای خزانه حضرتی: شامل مجموعه هدایایی است که درطول تاریخ ۱۲۰۰ساله این بنای عظیم و بارگاه با شکوه از طرف دوستداران حضرتش و همچنین سلاطین و پادشاهان و امرا کشورها تقدیم شده است (مانند خنجر و شمشیرهای جواهر نشان و تاجهای مرصع و مزین به انواع نقوش آراسته به الماس و مروارید و سنگهای قیمتی) و هر آن چه درقدیم گنجینه محسوب می‌شده دراین خزانه وجود داشته است. گوهرهایی که بعضاً خراج یک مملکت محسوب می‌شده از روی ارادت و اخلاص تقدیم خاکپای حضرتش شده، و با خزاین شاهان رقابت می‌کرده است.

نذورات: نذورات عموماً نقدی هستند. مانند ریختن پول در ضریح و یا چنبی مانند فرشهای نفیس و چلچراغ و جارهایی که واقعا هرکدامشان طرفه‌ی هستند بی نظیر. مجموعه این امکانات و سرمایه‌هاست که قبل از انقلاب درآمد آستان قدس روزانه به یک میلیارد تومان برآورد شده بود.

اما بعد از انقلاب که «آل» زشت طینت ما تبدیل شد به دیوی خبیث

فرافکنی و وقاحت ضدمردمی خامنه‌ای:

ولی فقیه ارتجاع کاخ‌نشینی و تجملگرایی خود و کارگزارانش را بـه‌حساب مـردمـی کـه ۸۰درصدشان زیر خط فقر هستند گذاشت

ولی فقیه ارتجاع طی اظهاراتی تحت عنوان عید فطر، کاخ‌نشینی و تجملگرایی با هزینه‌های نجومی خود و کارگزارانش را به حساب مردم محرومی که ۸۰درصدشان زیر خط فقر هستند گذاشت و وقیحانه گفت: «ما مردم مسرفی هستیم. ما اسراف می‌کنیم. اسراف در آب، اسراف در نان، اسراف در وسائل گوناگون تنقلات، اسراف در بنزین».

خامنه‌ای گام دیگری در وقاحت برداشت و در جلد یک ناظر بی‌طرف که گویا هیچ ربطی به سه دهه حاکمیت نگین ولایت فقیه و نابودی پالایشگاههای کشور، ندارد، افزود: «کشوری که تولیدکننده نفت است، واردکننده فرآورده نفت بنزین است. این تعجب‌آور نیست. هر سال میلیاردها بدیم بنزین وارد کنیم یا چیزهای دیگری وارد کنیم برای این که یک جمعی از ما یک بخشی از جمعیت ما و ملت ما دلشون می‌خواد ریخت و پاش کنند».

ولی فقیه ارتجاع، اعمال تحریمهای بین‌المللی را نیز به گردن مردمی که برای زنده‌ماندن کلیه‌های خود نیست. هدف آن تهدیدات دیگر هستند، به‌طور خاص تهدید فزاینده یا پدیدار شونده موشکهای دوربرد از سوی رژیمهایی همچون ایران. ما باید گسترش سیستم دفاع موشکی را شروع کنیم، چرا که موشکهای دوربرد این رژیم در آینده‌یی نه چندان دور تهدید محسوب می‌شوند. ما می‌خواهیم همکاری کنیم و از ایده‌های مطرح‌شده از سوی ولادیمیر پوتین درباره محل سایر سایتهای دفاع موشکی، با دیده بسیار مثبت می‌نگریم».

وزیر خارجه آمریکا تصریح کرد: ما و روسیه اتفاق نظر داریم که رژیم ایران در تلاش است تا برد موشکهای خود را افزایش دهد...، ما و روسیه توافق داریم که آنها در حال افزایش برد موشکهایشان هستند. درباره این که چه‌موقع به برد مشخصی دست می‌یابند، اختلاف‌نظرهایی وجود دارد. اما نکته ما این است که باید هم‌اکنون ایجاد توانایی دفاعی خود را علیه تهدیدی که در چشم‌انداز است، شروع کنیم».

کاندولیزا رایس گفت: «رژیم ایران باید بداند اگر به خواست جامعه بین‌المللی پاسخ ندهد، با عواقبی روبه‌رو خواهد شد. من از این که ما دو قطعنامه بر اساس فصل هفتم را در شورای امنیت به‌اتفاق آرا به‌تصویب رساندیم دلگرم هستم. اگر این رژیم آماده اجرای التزاماتش نباشد، ما باید قطعنامه سوم را آماده کرده و آن را به رأی بگذاریم».

اعدامها در ایران را متوقف کنیـــد!

گردهمایی بزرگ ایرانیان و نمایشگاه حقوق بشـر در برلین به‌مناسبت روز جهانی علیـه اعدام

برند هویزلر

فرانک هامر

اریک هی‌نل

دکتر لورنس ویلکنز

آهنگ رام

روز شنبه ۲۱مهر۸۶ در سالن معروف «اوراتیا»ی برلین یک گردهمایی بزرگ به دعوت کمیته آلمانی همبستگی برای ایران آزاد، جامعه ایرانیان برلین و با حمایت نمایندگی شورای ملی مقاومت ایران در آلمان و سندیکای مددکاران اجتماعی آلمان با حضور بیش از ۱۰۰۰تن برگزار شد. این جلسه که به‌مناسبت روز جهانی علیه مجازات اعدام برگزار می‌شد، با یک نمایشگاه بزرگ حقوق‌بشری و گالری عکس همراه بود.

سه روزنامه اصلی برلین پیشاپیش صبح شنبه برگزاری این جلسه را اعلام کرده بودند.

تعداد زیادی از شخصیتهای سیاسی و اجتماعی و همین‌طور نمایندگان سازمانهای مختلف حقوق‌بشری با شرکت در این جلسه و یا با دادن پیام، همبستگی خود را با اهداف جلسه و مشخصاً با فراخوان «توقف فوری اعدامها در ایران»اعلام کردند.

در جلسه بزرگ حقوق‌بشر برلین خانواده‌های شهیدان مجاهد خلق با در دست داشتن عکسهای عزیزان قربانی خود شرکت کرده و برخی از آنها به‌عنوان شاهدان جنایات رژیم برای شرکت‌کنندگان سخنرانی کردند. اجرای قطعات موسیقی ایرانی و همین‌طور موسیقی کلاسیک در همبستگی با قربانیان جنایات رژیم در ایران نیز حضار را تحت‌تأثیر قرار داد.

خانم مریم رجوی، رئیس جمهور برگزیده مقاومت در یک پیام ویدئویی به شرکت‌کنندگان در این گردهمایی پیامی فرستاد که در همین صفحه ملاحظه می‌کنید.

سپس یکی از نمایندگان مجلس فدرال در سخنرانی خود به حاضران گفت: اعدامهای علنی در ایران نشانه وحشیگری رژیم است و به‌هیچ‌وجه برای جامعه جهانی قابل قبول نیست. وی خواستار اعمال تحریمهایی شد که تضعیف دیکتاتوری ملایان را هدف قرار دهند.

مونیکا تیمن: کشورهای اتحادیه اروپا باید با فوریت و با اقدام مؤثر برای توقف اعدامها قدم بردارند

خانم مونیکا تیمن شهردار منطقه‌یی برلین در پیامی به این گردهمایی اظهار داشت: در یک جامعه متمدن قابل تحمل نیست که از کنار این جنایات بی‌تفاوت بگذریم و بعد به کار روزمره خود ادامه دهیم. این همبستگی تلاشی است برای تقویت این خواسته که کشورهای اتحادیه اروپا باید با فوریت و با اقدام مؤثر برای توقف مجازات اعدام در ایران قدم بردارند.

برند هویزلر: رفتار با اپوزیسیون اصلی کشوری که در آن این جنایات صورت می‌گیرد بسیار تعجب‌برانگیز است

آقای برند هویزلر، حقوقدان برجسته که ۱۰سال سخنگوی حقوق‌بشر کانون وکلای برلین بوده است در سخنرانی خود گفت: من از دیدن فیلم صحنه‌های جنایات رژیم ایران و اعدامهای علنی در این کشور بسیار متأثر شدم. رفتار با اپوزیسیون اصلی کشوری که در آن این جنایات صورت می‌گیرد، بسیار تعجب‌برانگیز است. من به‌عنوان یک آلمانی خیلی شرمنده هستم وقتی می‌بینم که دیوان عدالت اروپا طی حکمی رأی به حذف نام مجاهدین خلق ایران از لیست تروریستی می دهد ولی کشورهای اروپایی و از جمله آلمان این رأی را نادیده می گیرند.

دکتر لورنس ویلکنز: مقاومت ایران باید مورد حمایت قرار بگیرد

دکتر لورنس ویلکنز، کشیش و مورخ آلمانی، نقض حقوق‌بشر در ایران را به‌شدت محکوم کرد. و گفت من مقاومت ایران را از دیرباز می شناسم. این جنبش باید مورد حمایت قرار بگیرد.

فرانک هامر: مقاومت ایران جنبشی است که راهی روبه‌جلو در مسیر دموکراسی طی می‌کند

آقای فرانک هامر نماینده مجلس از براندنبورگ گفت: در مقابل رژیمی هم‌چون رژیم ایران با جنایاتی که مشابه آن در هیچ جای دیگر دیده نمی‌شود، یک مقاومت قوی وجود دارد. در رأس این مقاومت خانم مریم رجوی قرار دارد، زنی که از یک شخصیت بسیار محکم برخوردار است. من سالیان است که از نزدیک این جنبش را می‌شناسم و در برنامه‌های متعددی شرکت کرده‌ام و دیده‌ام که عمده بخشهای این جنبش توسط زنان هدایت و مدیریت می‌شود. این جنبشی است که راهی رو به جلو در مسیر دموکراسی طی می‌کند.

نماینده حزب سبزهای آلمان: از تلاشهای مردم ایران برای دستیابی به دموکراسی حمایت می‌کنیم

یکی از نمایندگان حزب سبزهای آلمان در سخنرانی خود گفت: ما نقض حقوق‌بشر را کاملاً محکوم می‌کنیم و از تلاشهای مردم ایران برای دستیابی به دموکراسی حمایت می‌نماییم. وی گفت امیدوارم تا عید فطر سال آینده که مسلمانان آن‌را جشن می‌گیرند، عمر رژیم ملایان به‌سر آمده باشد.

در جریان برگزاری این گردهمایی پیامهای حمایت و همبستگی دوتن دیگر ازنمایندگان مجلس فدرال آلمان قرائت گردید .

در جلسه بزرگ حقوق بشر برلین، اعضای خانواده تعدادی از شهیدان مجاهد خلق که در حکومت آخوندی اعدام شده‌اند، حضور داشتند. یحیی، زهرا و امیر شجاعی، که ۱۲تن از بستگانشان به‌شهادت رسیده‌اند، فاطمه مسیح که ۸تن از اعضای خانواده‌اش ازجمله فاطمه مصباح ۱۳ساله اعدام شده‌اند و دکتر نادر تسلیمی که برادر شانزده ساله‌اش اعدام شده است روی سن در مقابل حضار قرار گرفتند. هنگامی که آقای یحیی شجاعی سرگذشت بستگان اعدام شده‌اش را شرح داد و برخی از شکنجه‌های رژیم را بازگو کرد، حاضران به‌شدت تحت‌تأثیر قرار گرفتند و عده زیادی می‌گریستند.

امیر شجاعی گفت ما همه امیدمان به مجاهدین شهر اشرف و به خانم رجوی است و در آرزوی روزی به‌سر می‌بریم که به واسطه مجاهدین، ایرانی آزاد و عاری از شکنجه و اعدام داشته باشیم.

دکتر حمیدرضا طاهرزاده، از اعضای شورای ملی مقاومت، و استاد موسیقی ایران که از زمان روی کار آمدن آخوندها تاکنون بیش از ۳۰۰کنسرت در سرتاسر دنیا برای آزادی و حقوق‌بشر در ایران برگزار و یا در آن شرکت کرده است، در یک هنرنمایی فوق‌العاده به‌همراه آقای فرامرز اسماعیل‌زاده چندین ترانه و قطعه خاطره‌انگیز را اجرا کردند. این برنامه مورد تحسین شرکت‌کنندگان قرار گرفت. هم‌چنین دو نوازنده چیره‌دست آلمانی قطعه‌یی از آثار مشهور یوهانس براهمس در موسیقی کلاسیک را در همبستگی با قربانیان بی‌گناه جنایات رژیم ایران اجرا کردند.

خانم آهنگ رام، حقوقدان، نیز در سخنرانی خود به تشریح قوانین جزایی رژیم و علت نقض سیستماتیک حقوق بشر از این منظر پرداخت.

نمایندگان چندین سازمان غیردولتی و حقوق‌بشری آلمانی با ایراد سخنرانی و برگزاری میزکتاب با این شب همبستگی همراهی کردند.

بقیه در صفحه۶

خانواده‌های شهیدان مجاهد خلق گوشه‌یی از جنایات رژیم را بازگو کردند

نماد تصاویر شهیدان راه آزادی در نمایشگاه حقوق‌بشر

پیـام رئیس جمهور برگزیـده مقاومت به گردهمایی ایرانیان در برلین

برچسب تروریستی بزرگترین توجیه آخوندها برای اعدامهای سیاسی است

ـ در دو دهه گذشته، میان تعداد اعدامها و حجم معاملات تجاری و برچسب‌زدن به مقاومت ایران رابطه مستقیمی وجود داشته است.

ـ این است سیاست مماشات؛ قراردادهای نفتی‌اش نصیب برخی قدرتهای غرب می‌شود، اعدامهایش نصیب مردم ایران

ـ اطمینان دارم که جامعه آلمان با ادامه مراوده با قاتلان مردم ایران مخالف است. مطمئنم که شهروندان آلمانی از این که بهای معاملات اقتصادی با خون جوانان ایرانی پرداخت شود، بیزارند. زمان آن است که به فاجعه نفت در برابر اعدام خاتمه داده شود. زمان آن است که فریاد مظلومیت جوانان حلق‌آویز شده شنیده شود. زمان آن است که فریاد مردم ایران برای تغییر مورد توجه قرار گیرد

حضار محترم ،

به همه شما درود می‌فرستم.

از شخصیتها و انجمنهای مدافع حقوق‌بشر، پارلمانترها، مقامهای شهرداریها و سایر شهروندان شریف آلمانی که به‌مناسبت روز جهانی علیه اعدام، تراژدی اعدامها در ایران را مورد توجه قرار داده‌اند، تشکر می‌کنم.

دوستان عزیز

از ابتدای امسال اعدام حدود ۳۰۰نفر در ایران رسماً اعلام شده است. بسیاری از این موارد، اعدامهای سیاسی است. آخوندهاشمار زیادی را هم مخفیانه به‌کام مرگ فرستاده‌اند. به نسبت جمعیت، رژیم ایران رکورددار اعدام در جهان است. ۸ نفر به سنگسار محکوم شده‌اند. ملاها بسیاری را در صف اعدام گذاشته‌اند.از جمله بیش از ۶۰۰نفر در زندانی به نام گوهردشت. ۷۱ کودک و نوجوان به اعدام محکوم شده‌اند. اعدام در چهارراهها و میدانها، حلق‌آویز به وسیله جرانقال، پخش صحنه‌های اعدام از تلویزیون دولتی و فریاد همه روزه آخوندهاکه به کشتار بیشتر تهدید می‌کنند. آنها می‌خواهند مردم دائماً در وحشت زندگی کنند. بله، کشور اعدامها، حکومت اعدام‌کنندگان، حکومت اعدامهای جمعی، حکومتی که با زبان اعدام صحبت می‌کند، با اعدام ترس و ضعف خود را می‌پوشاند و با اعدام بقای خود را تأمین می‌کند.

حکومتی که کشتار و خونریزی را به سایر کشورها هم صادر می‌کند و منشأ اصلی بنیادگرایی، تروریسم، ناامنی و وحشت در خاورمیانه است.

برای پرکردن خلاء قدرت در عراق اعلام آمادگی می‌کند. هولوکاست را انکار می‌کند و با برنامه اتمی برای برافروختن جنگی مهیب در منطقه زمینه‌سازی می‌کند.

دوستان عزیز

اجازه بدهید چند موضوع اساسی را توضیح بدهم.

اول آن که آخوندهاادعا می‌کنند هدف اعدامها مجازات مجرمان است. ما با اعدام به هر بهانه باشد مخالفیم. اما ادعای آخوندها هم دروغ محض است. هدف آنها، ایجاد رعب در جامعه است.

فقط در بهار امسال مردم ایران ۱۷۰۰ حرکت اعتراضی علیه رژیم انجام داده‌اند. آخوندها از گرایش روزافزون جوانان به مجاهدین می‌ترسند.

روزانه حدود ۳ هزار نفر را در سراسر کشور دستگیر می‌کنند، در خیابانها، زنان و جوانان را تفتیش می‌کنند، خانواده‌های اعضای مقاومت را دستگیر و شکنجه می‌کنند، مادران را به‌خاطر رفتن به سر مزار فرزندان اعدام‌شده، کتک می‌زنند و حتی یک روز حلق‌آویزها را متوقف نمی‌کنند. شعار آنها این است که پیروزی در ایجاد رعب است.

موضوع دوم، ادعای حقوق‌بشر اسلامی است. آخوندها با بیانیه جهانی حقوق‌بشر مخالفت می‌کنند. به‌جای آن، حقوق بشر اسلامی را عنوان می‌کنند. حلق‌آویز، شکنجه، سنگسار و درآوردن چشم از حدقه تحت‌عنوان حقوق بشر اسلامی! این نه حقوق‌بشر است، نه اسلامی.

به‌عنوان یک مسلمان، تأکید می‌کنم اسلام از اعمال ضدانسانی آخوندهابیزار است. تیرباران زنان باردار، به‌دارکشیدن نوجوانان و بریدن دست‌وپا هیچ ربطی به اسلام ندارد.

اسلام حقیقی، دین گذشت و مهربانی و مدارست. بنابه احکام قرآن، کشتن یک انسان مانند کشتن تمام جامعه انسانی است.

مردم ایران نیز به ادعای حقوق بشر اسلامی، اعتنایی ندارند. این دولتهای مماشات‌گر غربند که از این ادعا برای توجیه رابطه خود با رژیم سود می‌برند.

موضوع سوم، مسئولیت دولتهای غرب در اعدامها در ایران است.

دولتهای مماشاتگر در عمل به ادامه این فاجعه رضایت داده‌اند؛ با معاملات گسترده اقتصادی، با همکاری اطلاعاتی، با دادن مشوقهای گوناگون به آخوندها و با قراردادن نام مجاهدین در لیستهای تروریستی.

در دو دهه گذشته، میان تعداد اعدامها و حجم معاملات تجاری و برچسب زدن به مقاومت ایران رابطه مستقیمی وجود داشته است. برچسب تروریستی بزرگترین توجیه آخوندها برای اعدامهای سیاسی است.

این است سیاست مماشات؛ قراردادهای نفتی‌اش نصیب برخی قدرتهای غرب می‌شود، اعدامهایش نصیب مردم ایران. آخوندها از آغاز حاکمیتشان، ۱۲۰هزار نفر را اعدام کرده‌اند. اکثر آنها اعضای این مقاومتند.این چیزی است که وجدان بشر را آزرده می‌کند، این چیزی است که هر انسان شریفی از آن شرمسار می‌شود.

اطمینان دارم که جامعه آلمان با ادامه مراوده با قاتلان مردم ایران مخالف است. مطمئنم که شهروندان آلمانی از این که بهای معاملات اقتصادی با خون جوانان ایرانی پرداخت شود، بیزارند. زمان آن است که به فاجعه نفت در برابر اعدام خاتمه داده شود.

زمان آن است که فریاد مظلومیت جوانان حلق‌آویز شده شنیده شود. زمان آن است که فریاد مردم ایران برای تغییر مورد توجه قرار گیرد.

دوستان عزیز

مقاومت ایران خواهان لغو حکم اعدام در ایران آزاد فرداست. از نظر ما حقوق بشر جهانشمول و غیرقابل تفکیک است. ما به بیانیه جهانی حقوق‌بشر و سایر معاهدات جهانی مربوط به حقوق بشر معتقدیم.

ما می‌خواهیم یک ایران بدون شکنجه، بدون اختناق و بدون حلق‌آویز برپا کنیم.

شما و همه مدافعان صلح و حقوق بشر را به یاری فرامی‌خوانم. متشکرم.